







# نور علی نور



## ویژه ماه شعبان ۹۲

نام کتاب: نور علی نور- ویژه ماه شعبان ۹۲  
میلاد امام حسین(ع)؛ میلاد حضرت ابوالفضل العباس(ع)؛ میلاد امام  
سجاد(ع)؛ میلاد حضرت علی اکبر(ع)؛ میلاد امام زمان(عج)؛ میلاد  
حضرت رقیه(س)

موضوع: گزیده اشعار و مولودیه‌های مناسبت‌های ماه شعبان

ناظر کیفی: محمد فراهانی

گردآورنده: مرتضی نظری

پیاده سازی متون: ایمان مقدم

ناشر: کانون مداحان یاس کبود

صفحه‌آرا: مجید اکبرزاده

تیراژ: ۸۰۰ جلد

نوبت و تاریخ چاپ: اول - ۹۲

قیمت: ۷۰۰۰ تومان

مرکز پخش: تهران - بزرگراه بسیج - خ شهید رحیمی - سازمان

بسیج مداحان - مدیریت آموزش

تلفن: ۰۲۱ - ۳۵۹۴۷۷۳۸

روابط عمومی: ۰۹۱۲۷۰۲۷۴۵۷

نمبر: ۰۲۱ - ۳۳۲۳۹۷۱۹

سامانه پیام کوتاه: ۶۶۰۰۰۰۰۲۶

صندوق پستی: ۱۷۸۱۸۱۳۱۱۳

نشانی الکترونیکی کانون مداحان یاس کبود: [yasekabood.org@gmail.com](mailto:yasekabood.org@gmail.com)

نشانی سایت کانون مداحان یاس کبود [www.yas135.com](http://www.yas135.com) - [www.yas135.ir](http://www.yas135.ir)



- پیشگفتار/ ۷
- بخش اول: اصول و فنون/ ۱۵
- بخش دوم: در محضر اساتید/ ۱۹
- بخش سوم: برگی از تاریخ/ ۲۳
- فصل اول، عشق سرخ/ ۲۴
- فصل دوم، مهتاب هاشمی/ ۲۷
- فصل سوم، آبروی عبادت/ ۳۰
- فصل چهارم، درّ احمدی/ ۳۵
- فصل پنجم، سردار عدالت/ ۳۷
- بخش چهارم: اشعار منتخب/ ۴۱
- فصل اول، میلاد امام حسین علیه السلام/ ۴۲
- فصل دوم، میلاد حضرت ابوالفضل علیه السلام/ ۷۲
- فصل سوم، میلاد حضرت زین العابدین علیه السلام/ ۹۲
- فصل چهارم، میلاد حضرت علی اکبر علیه السلام/ ۱۱۱
- فصل پنجم، میلاد حضرت رقیه علیها السلام/ ۱۲۲

- فصل ششم، میلاد امام زمان علیه السلام / ۱۲۷
- بخش پنجم: گلچین مجالس مداحان / ۱۴۹
- فصل اول، میلاد امام حسین علیه السلام / ۱۵۰
- فصل دوم، میلاد حضرت ابوالفضل علیه السلام / ۱۸۹
- فصل سوم، ولادت امام سجاد علیه السلام / ۲۱۰
- فصل چهارم، میلاد حضرت علی اکبر علیه السلام / ۲۲۷
- فصل پنجم، میلاد حضرت رقیه علیها السلام / ۲۶۲
- فصل ششم، میلاد امام زمان علیه السلام / ۲۷۲
- بخش ششم: شور علوی / ۳۱۳
- بخش هفتم: نکات ناب / ۳۱۹
- بخش هشتم: سبکهای یاس کبود / ۳۲۵
- بخش نهم: نمونه مجالس مولودی / ۳۳۳
- فصل اول، میلاد امام حسین علیه السلام / ۳۳۴
- فصل دوم، میلاد حضرت ابوالفضل علیه السلام / ۳۳۸
- فصل سوم، میلاد امام سجاد علیه السلام / ۳۴۲
- فصل چهارم، میلاد حضرت علی اکبر علیه السلام / ۳۴۶
- فصل پنجم، میلاد امام زمان علیه السلام / ۳۵۰



## پیشگفتار

إِنَّمَا سُمِّيَ شَعْبَانُ لِأَنَّهُ يَتَشَعَّبُ فِيهِ أَرْزَاقُ الْمُؤْمِنِينَ؛  
پیامبر اکرم ﷺ فرمود: ماه شعبان، «شعبان» نامیده شد؛  
زیرا روزی‌های مؤمنان در این ماه قسمت می‌شود.  
(ثواب الأعمال، ص ۶۲)

سلام، مقصود ما از تحریر مقدمه، بیان هدف و انگیزه از جمع آوری این مجموعه است؛ و ما هدفی جزء اجرای منویات مقام عظمای ولایت در امور مداحی را نداریم، پس بهتر از هر سخنی توجه به برخی نکات ارشادی نائب بر حق مولا و آقایان حجت بن الحسن علیهم‌السلام می‌باشد.

● **مداحی یک فرصت است؛** امروز بحمدالله در سرتاسر کشور شبکه‌ی مداحان و ثناگستران خاندان پیغمبر توسعه پیدا کرده است؛ جمعیت زیادی، استعدادهای زیادی، دل‌های مشتاقی در میان خود مداحان که از جوانهای ما، پیشکسوتهای ما، اساتید ما تشکیل شده است بحمدالله میان مردم می‌روند و وسیله‌ی توسل مردم را فراهم می‌کنند و سفره‌ی برکت اهل بیت را می‌گسترانند؛ این یک فرصتی است برای کشور ما؛ مثل خیلی از فرصتهای دیگری که ما داریم. برادران مسلمان ما در کشورهای دیگر، خیلی از فرصتهای ما را ندارند؛ یکی‌اش همین است. این سلسله و رشته و جریان و شبکه‌ی توسل به اهل بیت و محبت



اهل بیت و برانگیختن عواطف، خیلی فرصت مهمی است...

• **عواطف دین را حفظ می‌کند؛** یقیناً یکی از عواملی که دین را، معنویت را، عقیده را و اخلاق را در یک جمعیتی در طول تاریخ حفظ می‌کند، عواطف است؛ در کنار عقل و خرد و استدلال. انبیاء و فرستادگان الهی ننشسته‌اند با مردم با زبان فلسفی حرف بزنند؛ اگرچه برای فهمیدن کلام آنها و تعمق در بیان آنها، عقل فلسفی لازم بود و هست... این زبان، ترکیبی است از اندیشه و عقل و عواطف؛ عاطفه است که می‌تواند مسیر فهم عقلی و حرکت عقلی و جریان عقلی را هموار کند. ما به طور طبیعی این جریان را داریم؛ هم در جلسات مدح و عزا و شادی و مولودی خوانی و عزاداری، هم در جلسات دعاخوانی...

• **شان مداح؛** بنابراین شأن مداح این است؛ یعنی برانگیختن عواطف و به کمک اندیشه و خرد، بردن این عواطف. شأن مداح و ستایشگر این است که بتواند با بیان هنری، با شیوهی هنری، با اجرای هنری، معرفت را در بین مردم گسترش دهد. این شد محور اصلی.

• **پرهیز از اختلاف افکنی؛** شما اینجا یک شعری بخوانید، امروز هم که ویدئو و اینترنت و وسائل گوناگون انتقال پیام وجود دارد؛ عکس و تفصیلات آن برود در فلان نقطه، چهار تا آدم جاهل متعصب را تحریک کند، بیندازد به جان یک مشت زن و بچه‌ی بی‌گناه، خون اینها را بریزد. مراقب این چیزها باشید. اینکه بنده این همه اصرار می‌کنم، تأکید می‌کنم برای اینکه اختلافات مذهبی و طایفه‌ای را کمرنگ کنید، برای این است... اختلاف‌افکنی یا تحریک عصبیتهای اختلاف‌افکن، مصلحت نیست؛ نه امروز مصلحت است، نه زمان امام صادق علیه السلام مصلحت بود؛ آنها هم جلویش را گرفتند.



• **ایجاد حماسه؛** امروز مردم ما باید امید داشته باشند؛ اگر امید بود، حماسه خواهد بود. اینکه ما عرض کردیم «حماسه»، حماسه که دستوری نیست، بخشنامه‌ای نیست؛ بخشنامه صادر می‌کنیم، مردم حماسه ایجاد کنند! مگر می‌شود چنین چیزی؟ مگر معقول است؟ حماسه از دل می‌جوشد، حماسه با عقل هدایت می‌شود، حماسه با ایمان پشتیبانی می‌شود؛ اینها که دستوری نیست. اگر چنانچه دل از امید خالی شد، فکر از منطق صحیح تهی شد، حماسه به وجود نمی‌آید. ما در ذهنها تردید ایجاد کنیم، در دلها یأس تزریق کنیم، حماسه به وجود می‌آید؟ معلوم است که نه. حماسه‌آفرینی این است: فضای بدبینی به وجود نیاید؛ فضای سوء ظن به وجود نیاید؛ فضای امید، فضای خوشبینی، فضای نگاه به چشم‌اندازها به وجود آید؛ چشم‌اندازهایی که قطعی است، یقینی است، حقیقی است، تلقینی نیست.

• **تعریف مداحی؛** مداحی، معرفت‌افزایی است. مداحی، پراکندن معرفت و حکمت و امید و عقیده‌ی راسخ است. مداحی، جوشاندن چشمه‌های عواطف در دلها است؛ با استفاده‌ی از هنر شعر، هنر آواز، هنر اجرا. البته یک اصل مسلمی وجود دارد عزیزان من! مردم از صدای شما خوششان می‌آید، از شعر شما لذت می‌برند، از اجرای شما چه در مدحتان، چه در مصیبتتان دهانشان تکان می‌خورد و اشک می‌ریزند؛ اما به خود شما هم نگاه می‌کنند. اگر شما از لحاظ اخلاق، از لحاظ تدین، از لحاظ عفت، نمود تحسین‌آوری داشتید، همه‌ی آنچه را که عرض کردیم، به صورت مضاعف در مردم اثر خواهد کرد. اما اگر خدای نکرده بعکس شد؛ مردم نشانه‌ی تزلزل اخلاقی، نشانه‌ی عقب‌ماندگی از لحاظ اخلاق و رفتار و خدای نکرده عفت و این چیزها مشاهده کنند، اثر این هنرها

و زیبایی‌هایی که در کار شما هست، از بین خواهد رفت؛ این را مراقب باشید. همه‌مان باید مراقب باشیم؛ ما عمامه‌ای‌ها بیشتر از دیگران، گویندگان مذهبی بیشتر از دیگران، نامداران عرصه‌ی دین و تقوا بیشتر از دیگران. همه باید مراقب باشیم.

• **مولودی با عزا خلط نشود؛** من در این سالهای طولانی، خیلی اوقات به برادران مداح که اینجا می‌خواندند، این اعتراض را می‌کردم که جلسه‌ی جشن و مولودی را تبدیل می‌کردند به مجلس عزاداری؛ مفصل روضه خواندند و اشک گرفتند! هر چیزی به جای خودش. به شما می‌گویند مداح، مداح یعنی چه؟ شاخصه‌ی اصلی شما مداحی است، نه روضه‌خوانی. روضه بخوانید، بنده طرفدار روضه‌خوانی‌ام، خودم هم روضه‌خوانم. اینجور نیست که در مجلس مولودی‌خوانی ائمه علیهم‌السلام هم حتماً باید یک روضه‌ای خوانده شود، یک دمی داده شود، یک اشکی گرفته شود؛ هیچ لزومی ندارد. بگذارید عواطفی که مردم نسبت به ائمه علیهم‌السلام دارند، در خارج اینجور وانمود نشود که منحصر است در قضیه‌ی گریه و سینه‌زنی و عزاداری؛ نه، عزاداری به جای خود، مدیحه و مولودی‌خوانی و شادی هم به جای خود؛ اینها را نباید با هم مخلوط کرد.»

انشاءالله بتوانیم با اجرای منویات رهبر عزیزمان، قلب آقایان را شاد نموده، محبت و ولایت اهل بیت علیهم‌السلام را در بین آحاد جامعه نشر و گسترش دهیم؛ به مناسبت فرا رسیدن ماه شعبان المعظم کتاب «نور علی نور» را خدمت ذاکرین اهل بیت تقدیم می‌نماییم

این کتاب شامل هفت بخش کلی می‌باشد:

- اصول فنی
- برگی از تاریخ که شامل پنج فصل می‌باشد:

۱. عشق سرخ
۲. مهتاب هاشمی
۳. آبروی عبادت
۴. درّ احمدی
۵. سردار عدالت

● در محضر اساتید

● اشعار منتخب، که دارای شش فصل می باشد:

۱. میلاد امام حسین علیه السلام
۲. میلاد حضرت ابا الفضل علیه السلام
۳. میلاد حضرت زین العابدین علیه السلام
۴. میلاد حضرت علی اکبر علیه السلام
۵. میلاد حضرت رقیه علیها السلام
۶. میلاد امام زمان علیه السلام

● گلچین مجالس مداحان که شامل شش فصل می باشد:

۱. میلاد امام حسین علیه السلام
۲. میلاد حضرت ابا الفضل علیه السلام
۳. میلاد حضرت زین العابدین علیه السلام
۴. میلاد حضرت علی اکبر علیه السلام
۵. میلاد حضرت رقیه علیها السلام
۶. میلاد امام زمان علیه السلام

● شور علوی

● نکات ناب

● سبکهای یاس کبود



● نمونه مجالس مولودی که شامل پنج فصل می باشد:

۱. میلاد امام حسین علیه السلام
۲. میلاد حضرت ابوالفضل علیه السلام
۳. میلاد حضرت زین العابدین علیه السلام
۴. میلاد حضرت علی اکبر علیه السلام
۵. میلاد امام زمان علیه السلام

لازم به ذکر است:

- بخش برگی از تاریخ با تحقیق و پژوهش در کتب معتبر استخراج و با ذکر سند جهت استفاده بهتر ذاکرین تدوین گردیده است.
- بخش اشعار منتخب از آثار مکتوب شعری موجود در کتب و وبلاگها و سایتهای شعرا گلچین شده است.
- همچنین قسمت گلچین مجالس، از شعر، روضه، سبکهای سینه زنی و مولودی ... که توسط مداحان اهل بیت علیهم السلام در ایام شعبان سال گذشته اجرا گردیده، گردآوری شده است.
- متن جزوه به ترتیب مناسبت های ماه شعبان می باشد.
- قسمت نکات ناب جهت استفاده ذاکرین از جوانب مختلف بیان اساتید تهیه گردیده است.
- بخش اصول فنی گزیده ای از دروس تدریس شده توسط کربلایی محمد فراهانی می باشد.
- بخش در محضر اساتید از دروس تدریس شده توسط اساتید محترم در اجتماع عمومی مجمع یاس کبود

می‌باشد که سعی شده است، با توجه به مناسبت‌های ماه شعبان در اختیار عزیزان قرار گیرد.

➤ بخش سبک‌های یاس کبود، از سبک‌های تولیدی اعضای مجمع یاس کبود تهیه گردیده است.

➤ بخش نمونه مجالس مولودی جهت استفاده ذاکرین مبتدی و جهت آشنای با چهارچوب کلی تهیه مجالس تدوین گردیده است.

### نکات قابل ذکر در این مجموعه عبارت است از:

۱. هدف از جمع آوری این جزوات عبارت است از:

• دسترسی به اشعار و مطالب مورد نیاز ذاکرین اهل بیت علیهم‌السلام پیرامون مناسبت‌های ایام شعبان

• در جریان قرار گرفتن ذاکرین از برنامه‌های اجرا شده مناسبت‌های این ماه در سال قبل توسط ذاکرین اهل بیت علیهم‌السلام

• دسترسی ذاکرین در حال فراگیری، به سبک‌هایی که در محافل بدان نیازمندند همراه با الگوی صوتی خوانده شده

• دسترسی ذاکرین در حال فراگیری، به جملات غیر شعری مورد نیاز که در بیان مداحان با تجربه، صیقلی نسبی خورده باشد

۲. اشعار متوسط و قوی به صورت توأمان در این مجموعه ملاحظه خواهد شد.

۳. صوت برخی از اشعار برای آشنایی ذاکرین محترم در سی دی موجود است اما به علت اشکال اعتقادی و یا ادبی، از جزوه حذف گردیده و یا عباراتی جابه جا شده است، فلذا ذاکرین محترم در هنگام استفاده از این

گونه اشعار به پاورقی‌ها عنایت و از خواندن آنها پرهیز نمایند.


۴. در حد امکان و شناخت، سبکهای نوحه و سرودی که از نظر شرع مبین اسلام، اشکال ریتمی و یا محتوایی دارند، حذف گردیده اند، اما در صورتیکه مصداقی بین سبکها و اشعار مشاهده شد که از روی سبکهای غیرمجاز ساخته شده است و یا اشکال اعتقادی دارد، این مجموعه را مطلع فرمایید تا نسبت به حذف آن اقدام نماییم.

از کلیه عزیزانی که ما را از نقطه نظرات خود بهره مند می‌سازند، پیشاپیش تشکر و قدردانی می‌نماییم.

**گروه جزوات فوق برنامه**

**کانون مداحان یاس کبود**





بخش اول  
اصول و فنون



## چهارچوب کلی محافل شادی

در محافلی که به مناسبت ولادت یکی از معصومین علیهم السلام و یا عیدی از اعیاد تشیع برگزار می‌گردد، ذاکرین اهل بیت علیهم السلام با روشی مسرت بخش به انجام مراسم می‌پردازند؛ برای ایجاد شادی بیشتر در اینگونه محافل به چند توصیه توجه کنید. محافل شادی دارای چارچوبی کلی می‌باشند که عبارتند از:

۱. بسم الله و جملات عربی شروع مجلس؛

۲. توسل به امام زمان علیه السلام؛

۳. شعر مناسبت؛

۴. شرح عید؛

۵. سرود؛

۶. دعا و مناجات پایان مجلس؛

### ۱. بسم الله و جملات عربی شروع مجلس

- بعد از بسم الله... و قبل از شروع جملات عربی از مستمع چند صلوات بگیرید تا جو مجلس متعادلتر شود.
- گاهی مقدمه کلی در این بخش لازم است.
- جملات عربی ابتدایی را حتی المقدور دکلمه‌ای و بدون آهنگ و سبک بخوانید؛ چراکه با آهنگ خواندن گاهی ایجاد حزن می‌کند.



## ۲. توسل به امام زمان علیه السلام

در محافل شادی توسل شعری به امام زمان علیه السلام مرسوم نیست و عرض ادب در حد همان عبارات کوتاه عربی کفایت می‌کند.

## ۳. شعر مناسبت

پس از توسل و عرض ادب به امام زمان علیه السلام، شعر مرتبط با مناسبت شادی ارائه می‌گردد؛ با توجه به مناسبت از سه نوع شعر می‌توانید در این قسمت استفاده کنید:

الف) اشعار توصیفی که صرفاً به شرح عید می‌پردازد؛

ب) اشعاری مدحی که صرفاً مدح است و گاهی پایان مختصری به مرثیه می‌پردازد؛

ج) اشعار مربوط به مناسبت که با شرح عید شروع و به مدح متصل می‌شود؛

## نکات قابل ذکر

● در محافل مولودی حتماً ذیل برخی از اشعار مدحی، به عنوان تفسیر شعر، آیات و روایات مربوطه را ذکر کنید تا مستمع بدانند این مفاهیم قول شاعر نیست بلکه مبنای قرآنی، روایی و تاریخی دارد.

● هنگام خواندن اشعار از کشش زیاد مصوتها و تحریرهای طولانی پرهیز کنید و سعی کنید عبارات و ترکیبها را پشت سرهم و سلسله‌وار بخوانید که این موضوع باعث شادتر شدن خواندن می‌گردد.

● خواندن روضه و اصطلاحاً نمک پاشی در محافل شادی اصل نیست، بلکه اگر مستمع در اشعار توصیفی



و مدحی، حال خوشی پیدا کرد، به روضه‌های احساسی مرتبط، اشاره مختصری می‌شود والا خواندن روضه مخصوصاً روضه‌های سنگین در این محافل جایز ندارد.

#### ۴. شرح عید

در بین شعر و یا انتهای آن، بایستی اشاره‌ای به جریان ولادت و یا عید صورت بگیرد تا تأثیرگذاری و بهره برداری از مناسبت به وجه احسن انجام شود.

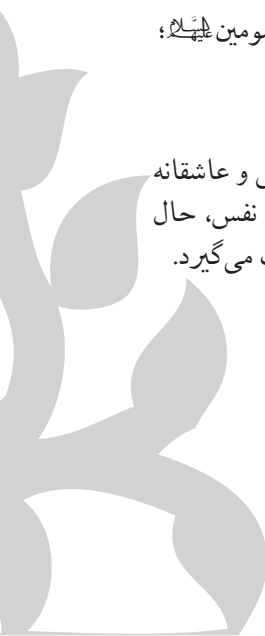
#### ۵. سرود


شورانگیزترین قسمت محافل شادی بخش سرود و ارجوزه است، اشعار ریتم دار که با ضرب خوانده می‌شود اگر مفهوم حماسی داشته باشد ارجوزه از ماده رجز نام دارد و الا اشعار ریتم‌دار با ضرب و مفهوم مدحی و شادی، سرود می‌باشد. توجه به چند نکته در این قسمت لازم به نظر می‌رسد:

- استفاده از سبک‌هایی که از روی الگوهای مجاز ساخته شده است؛
- استفاده از سبک‌های جدید و حرکت به سمت سبک‌سازی؛
- پرهیز از غلو و محتویات دور از شأن معصومین علیهم‌السلام؛

#### ۶. دعا و مناجات پایان مجلس

در پایان محافل شادی معمولاً اشعاری مدحی و عاشقانه ارائه می‌شود و اگر مستمع هنگام حدیث نفس، حال خوبی پیدا کرد یک توسل مختصر هم صورت می‌گیرد.





بخش دوم  
در محضر اساتید'



## جایگاه منتظر

قال زين العابدين عليه السلام: «طوبى لشيعتنا المتمسكين بمحبنا في غيبة قائمنا، الثابتين على موالاتنا والبراءة من اعدائنا، اولئك منا ونحن منهم وقد رضوا بنا ائمة ورضينا بهم شيعة، طوبى لهم ثم طوبى لهم، هم والله معنا في درجتنا يوم القيامة» خوشا به حال شيعيان ما که در غيبت قائم ما بر محبت و ولايت ما و بيزاری از دشمنان ما پايدار ماندند، آنها از ما و ما از آنهايم و همانا آنان امامت ما را پذيرفتند، ما هم آنها را به عنوان شيعيان خود پذيرفتيم، خوشا به حال آنها و باز هم خوشا به حال آنها، آنها به خدا قسم در درجه ما و در کنار ما در روز قيامت اند. <sup>۱</sup> برای هيچ طايفه‌ای اين روايت وارد نشده مگر کسانی که در زمان غيبت به سر می‌برند، امام زمان عليه السلام از شما توقع دارد، حضرت به شخصی فرمود: «کار ما را سخت نکنيد، وقتی گناه می‌کنيد وقت ما گرفته می‌شود»

### تشریح حقوق زبان از زبان امام سجاد عليه السلام


«فأما حق اللسان فإكرامه عن الحنا» اين زبان را از زشت گویی و بد گویی باز دار، اين زبان معرف نژاد انسان است، معرف شخصيت انسان و ريشه اوست، زبان را که حرکت می‌دهيم شخصيت، حدود و اندازه ما مشخص می‌شود. «و تعويدُهُ عَلَي الخَيْر» زبان را به کارهای خير عادت ده، اگر زبان منفي

حرکت می‌کند روی دیگران هم اثر می‌کند. «وَمَحْمَلُهُ عَلَيَّ الْأَدَبِ» و زبان را به ادب بگردان، هرکجا وارد شدی با ادب صحبت کن، اگر کسی با شما خصومت دارد و حق ایمانی را بجا نیاورده، شما به جا بیاورید؛ در قرآن می‌فرماید: «وان جاهداک ان تشرک بی ما لیس لک به علم فلا تطعهما و صاحبهما معروفاً» اگر پدر و مادر شما را به شرک دعوت کردند اطاعت قلبی نکنید به روی پدر پرخاش کردن قساوت قلب می‌آورد و بلا نازل می‌کند «الْأَلْمُوضِعَ الْحَاجَهُ» از زبان خود نگه داری کنی مگر در مواقع حاجت، اگر دیدید حقی دارد ضایع می‌شود کتمان شهادت نکنید. اگر آفت زبان نباشد سخن نیکوتر است، سخن بیهوده نگوئید، سخنی بگوئید که اصلاح بین ذات کند، اگر کسی با زبان دو نفر را به هم برساند بهشت بر او واجب است. «وَوَالْمَنْفَعَةَ لِلدِّينِ وَ الدُّنْيَا» زبان را برای منفعت دین و دنیا حرکت دهید، آیه قرآن می‌فرماید: «وَأَبْغُ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا» از دنیا نصیب ببر، مگر دارایی برای مؤمن چیز بدی است؟ مگر اسلام دین فقر ستایی است؟ فقر حکیم را از حکمتش ساقط می‌کند، معنای زهد این نیست که انسان برای دنیای خودش تلاش نکند، دارایی حُسن است. از پرگویی دوری کنید، پرگویی عقل مردم را کم می‌کند؛ در نهج البلاغه داریم که مظهر آداب زبان است، زبان اگر درست شد همه چیز درست می‌شود، بعضی از عرفان‌های کاذب که به وجود آمده اند می‌گویند باید از باطن شروع کرد، این انحراف است در صورتی که باید از ظاهر شروع نمود؛ امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: از بیهوده گویی پرهیز کنید؛ زبان دلیل روشنی است بر عقل و منطق، عقل به حسن برخورد با زبان ظاهر می‌شود.

پی‌نوشت:

۱. این بخش خلاصه‌ای از فرمایشات حجت الاسلام امینی، در جمع مداحان یاس کبود انتخاب شده است.
۲. بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۵۱، ص ۱۵۱.
۳. لقمان ۱۵.
۴. قصص ۷۷.



The background features a repeating pattern of stylized, light gray leaves and flowers. In the center, there is a white, cloud-shaped frame with a dark gray border. Inside this frame, the title is written in black Persian script.

بخش سوم  
برگی از تاریخ



## فصل اول، عشق سرخ

### نامگذاری آسمانی

حضرت امام رضا علیه السلام فرمود: هنگامی که امام حسین علیه السلام متولد شد، حضرت رسول صلی الله علیه و آله به اسماء بنت عمیس فرمود: فرزند مرا بیاور، اسما گفت آن حضرت را در جامه سفیدی پیچیده به خدمت پیغمبر علیه السلام بردم، حضرت او را گرفت، در دامن گذاشت، در گوش راست اذان و در گوش چپش اقامه گفت؛ پس جبرئیل نازل شد و گفت: حق تعالی تو را سلام می‌رساند و می‌فرماید: چون علی علیه السلام نسبت به تو به منزله هارون است نسبت به موسی، پس او را به اسم پسر کوچک هارون نام گذاری کن که شبیر است و چون لغت تو عربی است او را حسین نام بگذار.

### حامل سلام زیارت کنندگان

شیخ صدوق و ابن قولویه و دیگران از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده‌اند: هنگامی که امام حسین علیه السلام متولد شد حق تعالی جبرئیل را امر فرمود که با هزار ملک برای تهنیت گفتن به آن حضرت نازل شود وقتی جبرئیل به سمت زمین می‌آمد در جزیره‌ای از جزیره‌های دریا به ملکی که او را فطرس می‌گفتند برخورد کرد که از حاملان



عرش الهی بود؛ پس حق تعالی به علت نافرمانی بالش را در هم شکسته و او را در آن جزیره انداخته بود، پس فطرس هفتصد سال در آنجا عبادت می کرد تا روزی که امام حسین علیه السلام متولد شد. هنگامی که دید جبرئیل با ملائکه فرود می آیند، پرسید کجا می روید؟ گفت حضرت حق نعمتی به پیغمبر کرامت فرموده و مرا فرستاده است که به او تبریک گویم؛ گفت ای جبرئیل مرا نیز با خود ببر شاید که آن حضرت برای من دعا کند تا حق تعالی از من بگذرد، جبرئیل او را با خود برداشت و چون به خدمت پیامبر رسید تهنیت و تحیت گفت و شرح حال فطرس را به عرض رسانید؛ حضرت فرمود: بگو که خود را به این مولود مبارک بآلد و به مکان خود برگردد. فطرس خویشان را به امام حسین مالید، بالهایش در آمد و همانطور که پرواز می کرد این کلمات را می گفت و بالا می رفت «یا رسول الله! همانا امت تو این مولود را شهید می کنند، من بر او دین دارم که هر که او را زیارت کند و بر او سلام دهد، سلام او را به حسین علیه السلام برسانم.» هنگامی که فطرس به سمت آسمان بالا رفت می گفت: کیست مثل من آزاد کرده حسین بن علی علیه السلام

### حسین منی ...

ابن شهر آشوب روایت کرده است: هنگام ولادت امام حسین علیه السلام فاطمه علیها السلام مریض شد، به همین علت نمی توانست فرزند خود را شیر دهد، رسول خدا مرضعی طلب کرد اما کسی برای این کار پیدا نشد، پس خود آن حضرت به حجره فاطمه علیها السلام آمد، انگشت ابهام خویش را بعضی گفته اند که زبان مبارک

خود را در دهان حسین می گذاشت و او می مکید و تا چهل شبانه روز حق تعالی تغذیه حسین علیه السلام را از زبان پیغمبر صلی الله علیه و آله گردانیده بود، پس گوشت حسین علیه السلام از گوشت پیغمبر صلی الله علیه و آله روئید.

### دعا برای دوست داران حسین علیه السلام

بعد از گذشت هفت روز از ولادت حسین علیه السلام حضرت رسول صلی الله علیه و آله به اسماء فرمود: فرزند مرا بیاور هنگامی که او را به نزد آن حضرت بردند گوسفند سیاه و سفیدی برای او عقیقه کرد و یک رانش را به قابله داد؛ سرش را تراشید و به وزن موی سرش نقره تصدق کرد؛ سپس او را بر دامن خود گذاشت و فرمود: «ای ابا عبدالله چه بسیار گران است بر من کشته شدن تو» و بسیار گریست. اسماء عرض کرد: این چه خبری است که در روز اول ولادت گفתי و امروز نیز می فرمائی و گریه می کنی؟! حضرت فرمود: بر این فرزند دلبنده خود می گریم که گروهی کافر ستمکار از بنی امیه او را خواهند کشت، خدا شفاعت مرا به ایشان نرساند، او را مردی خواهد کشت که رخنه در دین من خواهد کرد و به خداوند کافر خواهد شد؛ خداوندا در حق این دو فرزندم دعا می کنم دعایی که ابراهیم در حق ذریه خود نمود؛ خداوندا تو دوست دار ایشان و دوست دار هر که دوست دار ایشان می باشی باش و هر که ایشان را دشمن می دارد لعنت کن.<sup>۱</sup>





## فصل دوم، مهتاب هاشمی

### مهتاب در دست خورشید

در روز ولادت حضرت ابوالفضل علیه السلام ام البنین علیها السلام قنடைه او را به دست امیرالمؤمنین علیه السلام داد تا او را نامگذاری نماید، حضرت علی علیه السلام زبان مبارک را به دیده و گوش و دهان ایشان گرداند تا حق ببیند، بشنود و بگوید. «ثم اذن فی اذنه الیمنی و أقام فی الیسری» آن گاه در گوش راستش اذان و در گوش چپش اقامه گفت «ثم قال: ما سمیتوه؟ قالت ام البنین: ما اسبقک فی شیء.» سپس فرمود: او را چه نام گذاشته‌اید؟ ام البنین علیها السلام عرض کرد: در هیچ کار بر شما پیشی نگرفته‌ام هر چه خودتان میل دارید اسم بگذارید فرمود: «انی سمیته باسم عمی العباس عباساً» من او را به اسم عمویم عباس بن عبدالمطلب عباس نامیدم «ثم قبل یدیه و استعبر» سپس دست‌های او را بوسید و اشک بر صورت جاری شد و گریه کرد و فرمود: گویا می‌بینم این دست‌ها در روز عاشورا کنار شریعه فرات در یاری برادرش حسین علیه السلام از بدن جدا خواهد شد.

### معنای نام عباس

نام آنجناب را امیرالمؤمنین علیه السلام عباس نهاد؛ عباس صیغه مبالغه است که از ماده عبس که به معنای درهم شدن صورت است،

این نامگذاری می‌تواند به چند علت باشد:

• آنجناب بمقاد آیه «إشداء على الكفار» بر دشمنان عبوس بود.

• از صولت و شجاعت و غیرت او در قبال دشمن، صورت دشمنان درهم و عبوس می‌شد، چنانکه در مورد آنجناب نقل شده: كَالجَبَلِ الْعَظِيمِ وَقَلْبُهُ كَالطُّودِ الْجَسِيمِ لِأَنَّهُ كَانَ فَارِسًا هُمَامًا وَبَطْلًا ضَرَّغَامًا، وَكَانَ جَسْرًا عَلَى الطَّغْنِ وَالضَّرْبِ فِي مِيدَانِ الْكُفَّارِ وَالْحَرْبِ<sup>۲</sup>

مانند کوهی بزرگ و قلبش بسان کوهی استوار بود؛ چرا که او جنگ‌آوری بلند همت و سلحشوری شیرگون بود و در وارد کردن نیزه و ضربات بر دشمن در میدان نبرد با کفار جسور و بی‌باک بود.

## القاب حضرت ابا الفضل علیه السلام

• قمر بنی هاشم؛ این لقب به تناسب جمال و سیمای زیبا به آن حضرت داده شده است، در این باره آورده اند: «وكان العباس رجلا و سيمًا جميلًا، يركب الفرس و رجلاه يخطان في الاءرض و كان يقال له قمر بنى هاشم و كان لواء الحسين عليه السلام معه<sup>۳</sup>» حضرت عباس عليه السلام مردی خوش سیم، خوش صورت و خوش قیافه بود، چون سوار بر اسب می‌شد پاهایش از کثرت بلند بودن به زمین می‌رسید، به او قمر بنی هاشم می‌گفتند و در روز عاشورا لوای امام حسین عليه السلام در دست او بود

• عبد صالح؛ از لقب‌های مهم حضرت است زیرا این لقب می‌رساند که حضرتش از بندگان شایسته خداست و مقام عبودیت از مقام‌هایی است که نهایت مرتبه والای

انسان را می‌رساند؛ این لقب از زبان مبارک امام صادق علیه السلام بر حضرت ابا الفضل علیه السلام اطلاق شده است، در زیارتنامه‌ای که ابو حمزه ثمالی از امام صادق علیه السلام نقل نموده است فرمود: پس از اینکه درب حرم ایستادی و آن زیارت را خواندی وارد حرم شو و خود را به قبر بچسبان و بگو: «السلام علیک ایها العبد الصالح...»<sup>۴</sup>

● کبش الکتیبه؛ از القابی است که به سردار لشکر داده می‌شود و در مورد هر پهلوانی اطلاق نمی‌گردد بلکه به پهلوانی گفته می‌شود که بتواند لشکر را در پناه خود بگیرد و اگر خطری برای هر کدام از ارتشیان پیش آمد او را نجات دهد، این عنوان دربارهٔ قمر بنی‌هاشم علیه السلام درست است زیرا در جریان عاشورا پشت و پناه لشکر امام حسین علیه السلام بود و از آنان با شجاعت و دلاوری دفاع می‌نمود.





## فصل سوم، آبروی عبادت

### بانویی از سرزمین ایران

امام باقر علیه السلام فرمود: چون دختر یزدگرد را نزد خلیفه دوم آوردند، دختران مدینه برای تماشای او سر می کشیدند؛ هنگامی که وارد مسجد شد مسجد از پرتو صورتش درخشان گردید، هنگامی که عمر به او نگاه کرد، رخسار خود را پوشاند و گفت: وای! روزگار هرگز سیاه باد! خلیفه گفت: این دختر مرا ناسزا می گوید؟! و خواست او را اذیت کند، امیر المومنین علیه السلام فرمود: از کجا فهمیدی که دشنام می گوید در حالی که سخنش را نفهمیدی؟! گفت: او را بفروشنند، حضرت فرمود: فروختن دختران پادشاهان جایز نیست اگرچه کافر باشند، به او اختیار بده تا خود مردی از مسلمانان را انتخاب کند. دختر دست خود را روی شانه حسین علیه السلام گذاشت، امیر المومنین علیه السلام به او فرمود: نام تو چیست؟

گفت: جهان شاه، حضرت امیر علیه السلام فرمود: نام تو شهربانو است. سپس رو به فرزندش حسین علیه السلام کرد و فرمود: این بانوی با سعادت را خوب محافظت نما که از این دختر بهترین شخص روی زمین برای تو متولد می شود؛ به همین علت علی بن الحسین علیه السلام را ابن الخیرتین پسر دو برگزیده می گفتند.<sup>۵</sup>

## زینت بندگان خدا

● عمران بن سلیم می‌گوید: هر گاه زُهری از علی بن الحسین مطلبی نقل می‌کرد می‌گفت: زین العابدین برای من روایت کرد. یک بار سفیان بن عُیینه به او گفت: از چه جهت او را زین العابدین می‌گویی؟ پاسخ داد از سعید بن مسیب شنیدم که رسول خدا ﷺ فرمود: روز قیامت «ینادُ مُنادی: أینَ زینُ العابدین؟» منادی ندا می‌دهد: کجاست زینت عبادت کنندگان؟ چنان می‌بینم که فرزندم علی بن الحسین با تمام وقار و سکون در میان مردم محشر برای رسیدن به جایگاهش قدم برمی‌دارد.<sup>۶</sup>

● شخصی به نام عسکر غلام امام محمد جواد علیه السلام به نقل از پدرش حکایت می‌کند: روزی به محضر شریف علی بن موسی الرضا علیه السلام شرف حضور یافتم و عرضه داشتیم: یا ابن رسول الله! چطور در بین اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله فقط حضرت علی بن الحسین علیهما السلام به عنوان ”سید العابدین“ معروف گشته است؟ امام رضا علیه السلام در جواب فرمود: خداوند متعال در قرآن تصریح نموده است که بعضی از پیغمبران را بر بعضی از ایشان فضیلت و برتری داده است و ما اهل بیت رسالت نیز همانند انبیاء عظام می‌باشیم؛ سپس افزود: و اما در رابطه با جَدَم علی بن الحسین علیهما السلام، همانا پدرم از پدران بزرگوارش بیان فرموده است: روزی امام علی بن الحسین علیهما السلام مشغول نماز بود که ناگاه شیطان به صورت یک افعی بسیار هولناکی با چشم‌های سرخ از درون زمین آشکار شد و خود را به محراب عبادت آن حضرت نزدیک کرد، ولیکن امام سجّاد علیه السلام کمترین حسّاسیتی در برابر آن موجود وحشتناک نشان

نداد و ارتباط خود را با پروردگار متعال خود قطع نکرد، افعی دهان خود را نزدیک انگشتان پای آن حضرت آورد و آتشی از دهانش خارج ساخت که بسیار وحشتناک بود ولی حضرت با آرامش خاطر و خیالی آسوده به نماز خود ادامه می‌داد و توجهی به آن نداشت؛ در همین حال که شیطان با آن حالت ترسناک مشغول اذیت و آزار بود ناگهان تیری سوزاننده از سمت آسمان آمد و به آن ملعون اصابت کرد، هنگامی که تیر به او خورد، فریادی کشید و به همان حالت و شکل اوئیه خود بازگشت و کنار امام سجاد علیه السلام ایستاد و اظهار داشت: شما سید و سرور عبادت کنندگان هستی و چنین نامی تنها زینده و شایسته شما می‌باشد. من شیطان هستم و تمام عبادت‌کنندگان را از زمان حضرت آدم تا کنون فریب و بازی داده‌ام و کسی را از تو قوی‌تر و پارسا‌تر نیافته‌ام.<sup>۷</sup>

### گوشه‌ای از عبادات زین العابدین علیه السلام

• امام سجاد علیه السلام چون وضو می‌گرفت و خود را برای نماز آماده می‌کرد، رنگ رخسارش دگرگون می‌شد؛ وقتی از علت آن می‌پرسیدند پاسخ می‌داد: آیا می‌دانی که می‌خواهم به آستان چه بزرگی راه‌یابم و در برابر چه مقامی قرار بگیرم؟<sup>۸</sup>

• زیادی سجده و تداوم هر سجده امام سجاد علیه السلام سبب گردید که آن حضرت را «سیدالساجدین» لقب دهند، همچنین بر اثر این سجده‌های طولانی و فراوان پوست پیشانی ایشان زبر شده بود، امام باقر علیه السلام می‌فرماید: پدرم هیچ نعمتی را



به یاد نمی‌آورد مگر این که با یاد کردن آن به درگاه خداوند سجده می‌گذارد؛ هنگام قرائت قرآن وقتی به آیه‌های سجده می‌رسید، وقت خطر و احتمال رخداد حادثه‌ای ناگوار، پس از پایان نمازهای فریضه و هر گاه که موفق می‌شد خدمتی انجام دهد و میان دو مؤمن را اصلاح کند، سر به سجده می‌گذاشت و خداوند را سپاس می‌گزارد»<sup>۹</sup>

• یکی از خدمتکاران آن حضرت می‌گوید: روزی مولایم به سوی صحرا رفت و در گوشه‌ای از صحرا به عبادت پرداخت، به هنگام سجده سر را بر سنگ‌های ریز و درشت می‌نهاد و با گریه و تضرع خدا را یاد می‌کرد، کوشیدم تا صدای حضرت را بشنوم و شنیدم که امام در سجده خویشتن هزار مرتبه گفت: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَعَبُّدًا وَرَقًّا، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِيْمَانًا وَتَصَدِيقًا». چون امام از سجده سر برداشت، صورت و محاسن او به اشک‌هایش آغشته بود.<sup>۱۰</sup>

• وقتی آن حضرت لباس احرام می‌پوشید از یاد خدا و جلال او، رنگ چهره اش تغییر می‌کرد و چنان در جذبۀ معنویت حق قرار می‌گرفت که از گفتن «لبیک» نیز ناتوان می‌شد؛ همراهان ایشان با دیدن این حالت به شدت تحت تأثیر قرار می‌گرفتند و می‌پرسیدند: «چرا لبیک نمی‌گویید؟» امام پاسخ می‌داد: «بیم آن دارم که لبیک بگویم، ولی خداوند در جوابم ندا دهد: لَتَبِیکَ»<sup>۱۱</sup>

### زین العابدین علیه السلام شبیه ترین فرد به امیرالمومنین علیه السلام

امام صادق علیه السلام در توصیف عبادت‌های امیرالمؤمنین علیه السلام

می فرمود: «در امت اسلامی هیچ کس نتوانست همانند رسول خدا به عبادت اهتمام ورزد جز علی بن ابی طالب علیه السلام، وی چنان عبادت می کرد که گویی بهشت و دوزخ را می بیند»، آن گاه فرمود: «در میان اهل بیت امیرالمؤمنین شبیه ترین فرد به او زین العابدین علیه السلام می باشد؛ زیرا چنان در عبادت پیش تاز بود که فرزندش امام باقر علیه السلام در او خیره شد و اثر عبادت را در چهره اش آشکار یافت و از مشاهده حال پدر گریست، امام سجاد علیه السلام که علت گریستن فرزند را دریافته بود، فرمود: آن صحیفه ای را که عبادت های علی علیه السلام در آن ثبت شده است را بیاور؛ امام باقر علیه السلام نامه را به پدر داد و آن حضرت مشغول مطالعه شد، پس از لحظاتی آهی عمیق از سینه برآورد و گفت: کیست که بتواند مانند امیرالمؤمنین علیه السلام عبادت خدا کند»<sup>۱۲</sup>





## فصل چهارم، درّ احمدی

### میلاذ علی اکبر علیه السلام

تولد حضرت علی اکبر علیه السلام در ۱۱ شعبان سال ۳۳ هجری رخ داده بنابراین در روز عاشورا سال ۶۰ هجری ۲۷ سال داشته اند. سه پسر امام حسین علیه السلام به نام علی اکبر علیه السلام، علی اوسط علیه السلام و علی اصغر علیه السلام نامیده شدند؛ همانطور که در زیارت ایشان وارد شده کنیه علی اکبر علیه السلام ابوالحسن است، حضرت صادق علیه السلام به ابوحمزه ثمالی می فرماید چون به قبر علی اکبر رسیدی «ضع خدک علی القبر و قل صلی الله علیک یا ابالحسن ثلاثاً»<sup>۱۳</sup>

### فضیلت از زبان دشمن

روزی معاویه بن ابی سفیان به اطرافیان و هم نشینان خود گفت: به نظر شما سزاوارترین و شایسته ترین فرد امت به امر خلافت کیست؟ اطرافیان گفتند: جز تو کسی را سزاوارتر به امر خلافت نمی شناسیم! معاویه گفت: این چنین نیست. «اولی الناس بهذا الامر علی بن الحسین بن علی جده رسول الله و ضیه شجاعه بنی هاشم و سخاه بنی امیه و رهو ثقیف» شایسته ترین افراد برای امر حکومت علی اکبر فرزند امام حسین علیه السلام است که جدش رسول خداست، شجاعت بنی هاشم، سخاوت بنی امیه و زیبایی قبیله ثقیف را در خود جمع کرده است.<sup>۱۴</sup>

## بیانی از امام تَدْتُّ

حضرت امام خمینی تَدْتُّ در درس اخلاقشان فرمودند: مدایح و گفتار اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ خصوصاً حضرت اباعبدالله عَلَيْهِمُ السَّلَامُ در مورد حضرت علی اکبر عَلَيْهِمُ السَّلَامُ حاکی از این است که اگر علی اکبر عَلَيْهِمُ السَّلَامُ در کربلا به شهادت نمی‌رسید، خود، امام «مفترض الطاعه» می‌بود.

## ماجرای انگور و معجزه سیدالشهداء عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

کثیر بن شاذان می‌گوید «خودم شاهد بودم که علی اکبر عَلَيْهِمُ السَّلَامُ در غیر فصل مناسب از پدر بزرگوارش انگور طلب کرد، ناگاه امام حسین عَلَيْهِمُ السَّلَامُ با دست به کناره دیوار مسجد زد که انگور از آن خارج شد، پس فرزند خود را از آن خورانیده و فرمود: «ما عندالله لاولیائه اکثر؛ از آنچه نزد خدای تعالی است به اولیائش بیشتر می‌رسد.»<sup>۱۵</sup>





## فصل پنجم، سردار عدالت

### پسر نرجس خاتون

روایت کرده‌اند که حکیمه دختر امام جواد عمّه امام حسن عسگری علیه السلام خدمت امام حسن عسگری علیه السلام رفت و آمد می‌نمود، یک روز به حضور امام عسگری علیه السلام رفت که حضرت فرمود: امشب مولودی که ما انتظار او را داریم متولد خواهد شد، تو امشب برای افطار نزد ما باش! آن شب شب جمعه بود، گفت: این نوزاد از که خواهد بود؟ فرمود: از نرجس. حکیمه خاتون گوید: من تعجب کردم و به امام عسگری علیه السلام گفتم: من اثر حمل را در نرجس خاتون نمی‌بینم؟ امام علیه السلام لبخندی زد و فرمود: ما گروه اوصیاء را در شکم نیست بلکه جای ما در پهلوئی مادران است، ان شاء الله در این شب نوزادی که در نزد خدا گرامی است تا طلوع فجر متولد خواهد شد. حکیمه خاتون می‌گوید: وقتی که من پیش نرجس خاتون رفتم روی دست نرجس خاتون افتادم و او را بوسیدم و عرض کردم: خدا در این شب پسری به تو مرحمت می‌کند که بزرگ دنیا و آخرت خواهد بود.

### جاء الحق

من نزدیک نرجس خاتون خواویدم و امام عسگری علیه السلام هم در

همان خانه بود، موقعی که وقت نماز شب فرا رسید برای نماز شب بلند شدم و دیدم که نرجس خاتون خواب بود و اثر وضع حمل در وجود او معلوم نبود؛ مشغول نماز شب شدم تا موقعی که به نماز وتر رسیدم، بر دلم گذشت که فجر طلوع کرده است، ناگاه شکی در دل من در مورد وعده امام علیه السلام به وجود آمد که امام عسگری علیه السلام صدا زد: فجر طلوع نکرده است.

نماز را به سرعت تمام کردم و نزدیک نرجس خاتون رفتم، او را حرکت دادم و در بغل گرفتم و گفتم: آیا احساس درد نمی کنی؟ فرمود: آری، ناگهان خوابی دچار من و نرجس خاتون شد که نتوانستیم خودداری کنم و بیدار نشدیم تا آن موقعی که امام زمان علیه السلام متولد شد؛ ناگاه شنیدم که امام عسگری علیه السلام صدا می زند: عمّه فرزند مرا نزد من بیاور! وقتی که من از خواب بیدار شدم، دیدم که نوزاد مواضع سجده را روی زمین نهاده و خدا را سجده می کند، بر بازوی راست آن حضرت نوشته بود: «جاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقاً»<sup>۱۶</sup>

## دعا برای شیعیان و فرج

وقتی که من آن حضرت را در بغل گرفتم دیدم آن بزرگوار پاک و پاکیزه است، آن برگزیده خدا را در جامه‌ای پیچاندم و بحضور امام حسن عسکری علیه السلام بردم، امام علیه السلام او را گرفت و بر کف دست چپ خود نشانید، دست راست خود را به پشت آن حضرت نهاد و بعد از آن زبان خود را به دهان امام زمان نهاد، دست خود را بر چشم و گوش و مفاصل آن حضرت کشید و فرمود: ای پسرک عزیز من صحبت کن! آن مولود مبارک گفت: «شهدان لا اله الا الله وان محمداً رسول الله وان علياً أمير المؤمنين» بعد از آن شروع کرد به نام بردن امامها تا به وجود مقدس



خودش رسید، دستهای خود را بلند کرد و در حق دوستان و برای فرج خود دعا کرد و از سخن گفتن ساکت شد. امام عسکری فرمود: فرزندم را نزد مادرش ببر تا بر مادر خود سلام کند سپس او را به من برگردان! آن حضرت را نزد مادرش بردم، وقتی که به مادر خود سلام کرد آن حضرت را دوباره به حضور امام عسکری علیه السلام آوردم، ناگاه دیدم پرده‌ای ما بین من و آن حضرت پیدا شد و من آن بزرگوار را ندیدم، به امام عسکری گفتم: پس مولای من چه شد؟ فرمود: کسی او را برد که از تو و ما به او اولی و سزاوارتر بود.<sup>۱۷</sup>




پی نوشت:

۱. منتهی الامال، شیخ عباس قمی، ج ۱، ص ۴۱۸ ۴۱۶.
۲. اسرار الشهادات، آقا بن عابد، ج ۲، ص ۳۹۵.
۳. مقاتل الطالبین، ابوالفرج اصفهانی، ص ۵۶.
۴. بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۱۰۱، ص ۳۷۷.
۵. منتهی الامال، شیخ عباس قمی، ج ۲، ص ۱۴.
۶. مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۱۶۷.
۷. بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۴۶، ص ۵۸.
۸. ارشاد، شیخ مفید، ج ۲، ص ۱۶۳.
۹. اعلام الوری، طبرسی، ص ۲۵۶.
۱۰. احقاق الحق، شوشتری، ج ۱۲، ص ۲۶.
۱۱. تهذیب التهذیب، عسقلانی، ج ۷، ص ۳۰۵.
۱۲. اعلام الوری، طبرسی، ص ۲۵۵.
۱۳. کامل الزیارة، ابن قولویه، ص ۲۴۰.
۱۴. الارشاد، شیخ مفید، ص ۴۵۸.
۱۵. ذخیره الدارین، حسینی حائری شیرازی، ص ۲۵۹.
۱۶. سوره اسراء، آیه ۸۳.
۱۷. إثبات الوصیة، ص ۴۸۶ ۴۸۳.







بخش چهارم  
اشعار منتخب



## فصل اول، میلاد امام حسین علیه السلام

چه خوب است آب و هوایی که دارید  
همیشه بهشت است جایی که دارید  
الهی روی خلوقی هم نبیند  
شلوغی این کوچه‌هایی که دارید  
مجال عرق ریختن هم ندادید  
به پیشانی این گدایی که دارید  
نمی‌خواهم اصلاً بفهمم که ما را  
کجا می‌برد ردّ پایی که دارید  
همین که شما می‌بریدم، یقیناً  
شبی می‌رسم تا خدایی که دارید  
از امروز نامه‌رسان حسین است  
پر فطرس بینوایی که دارید  
برایم هوای بهشتی بالا  
حرام است با کربلایی که دارید  
شما با خدا با خدا با خدایید  
و من با شمایم شمایی که دارید...  
... مرا خیمه کربلا می‌نویسید  
دخیل حسینی‌ها می‌نویسید

دل بی‌قراری ندارد  
اسیر است و راه فراری ندارد  
مقامات عاشق فنا می‌پذیرد  
اگر هم بمیرد مزاری ندارد  
کسی که بنا نیست بی‌سر بمیرد  
چه بهتر دل بی‌قراری ندارد  
دل بی‌حسین اصل و فرعش زیادی است  
شبیه درختی که باری ندارد  
فرشته چرا؟ خوش به حال من و تو  
ملک آن چه را که تو داری ندارد  
دل بی‌حسین از گل بدترین هاست  
دل بی‌حسین اعتباری ندارد  
بود ذکر سجاده هر فقیری  
امیری حسین فنعم الامیری

همه زیر پایند و بالا حسین است  
همه قطره هستند و دریا حسین است  
چه رسم خوشی... که زمان تولد  
کلام نخستین ما یا حسین است  
حسن یا علی فاطمه یا محمد  
تجلی این چهار تن با حسین است  
حسن هم حسین است، علی هم حسین است  
محمد حسین است و زهرا حسین است  
همین که به جز عشق چیزی نگفتیم  
تجلی "لا ذکر الا حسین" است

گنهکارها نیز ترسی ندارند  
قیامت اگر دست آقا حسین است  
شه عالمینیم، الحمدلله  
غلام حسینیم، الحمدلله

ندیدم کسی را گدایش نباشد  
مسلمان یا ربنایش نباشد  
مسیر تکامل یقیناً محال است  
اگر کربلا انتهایش نباشد  
برای جهنم چه خوب است هر که  
حسین بن زهرا برایش نباشد  
مگر می‌شود؟ نه... نه... امکان ندارد  
خدا باشد و کربلایش نباشد  
یقین کشتی او نجاتی ندارد  
اگر خواهرش ناخدایش نباشد  
حسین آمد و بال‌ها گریه کردند  
تمامی گودال‌ها گریه کردند

پر ما کجا؟... وسعت آسمانت؟  
پریدن کجا؟... قبه لامکانت؟  
حسن هم به پای تو قد راست می‌کرد  
ادب داشت، پیشت امام زمانت  
تو بالا نشینی، چگونه نباشد  
سرشانه‌های پیمبر مکانت؟  
تویی سنت هفت تکبیر احرام  
نبی منتظر شد بچرخد زبانت

شما هر دو در حالت ارتزاقید  
اگر می‌گذارد دهان بر دهانت  
خداوند مثل تو دیگر ندارد  
شبیبه تو و خواهر تو ندارد

من و سال‌ها جستجویت، حسین جان  
من و منت گفتگویت، حسین جان  
مگر می‌شود من به پایت نیفتم  
من و سجده بر خاک کویت حسین جان  
من عادت ندارم شبی بی‌تو باشم  
من و هیئت کو به کویت حسین جان  
گلوی تو عادت به نیزه ندارد  
به قربان زیر گلویت، حسین جان  
چقدر آه گفתי جوابت ندادند  
چقدر آب گفתי و آبت ندادند<sup>۱</sup>



خوش به حال دل من مثل تو آقا دارد  
بر سرش سایه آرامش طوبا دارد  
با شما آبرویی قدر دو دنیا دارد  
پای این عشق اگر جان بدهم جا دارد  
آدم تو شده‌ام با تو سر افراز شدم  
یعنی از موهبت داغ تو آغاز شدم

چه کسی گفت پریشان نشدن خوب تر است  
مدیون لب جانان نشدن خوب تر است  
دم به دم گریه باران نشدن خوب تر است  
ظرف یک ثانیه توفان نشدن خوب تر است  
هر کسی گفته غم نام ترا نشنیده  
حرفی از سلسله احکام تو را نشنیده

قبل از این که بررسی اشک همه در آمد  
یعنی از معجزه ات کوثر دیگر آمد  
بر سر بال و پر سوخته‌ها پر آمد  
شاه از در نرسید این همه نوکر آمد  
دست بر سینه به فرمان نگاهت دارند  
سر روی آینه تربت راحت دارند

ما که هستیم تو را قلب خدا می خواهد  
خوبها هیچ که هر بی سر و پا می خواهد  
اشک حاجت که بهانه است تو را می خواهد  
پشت در هم بروی باز گدا می خواهد  
چشم پر شرم کرم خانه خرابش بکند  
وای یکبار شده یار خطابش بکند

ای مناجات پر از عاطفه‌های عرفه  
دست بالا ببر ای مرد خدای عرفه  
تا که شرمنده شود جای به جای عرفه  
از صدای سخن عشق دعای عرفه  
خوشر از صوت دل انگیز ترا نشنیدیم  
یادگاری است که در هیچ کجا نشنیدیم

من اگر در حرم روضه نیارم چه کنم  
دست من نیست که از فصل بهارم چه کنم  
از ازل خدمت تو شد سر و کارم چه کنم  
تا محرم شب و روزم نشمارم چه کنم  
همه اجداد من آواره آل تو شدند  
یک به یک ایل و تبارم همه مال تو شدند

وسط روز دهم زمزمه باران بود  
جنگ بین همه کفر و همه ایمان بود  
کار تو منجی انسانیت انسان بود  
کار تو کار نبوده است که کارستان بود  
نور حق از افق خاک تو در می آید  
فقط از دست تو این معجزه بر می آید

داغ چشمان تو گل‌های معطر داده  
کربلا سوخت ولی از نفست بر داده  
دست هایت به خدا اکبر و اصغر داده  
به سر نیزه بی حوصله هم سر داده  
سر به داری که شبیه تو شود آخر کیست  
هیچ کس پیش تو محبوب تر از زینب نیست

سر به زیرند پس از بی‌سریت گردن‌ها  
بعد عریانی تو وای به پیراهن‌ها  
خاک بر حال و به فردا به همه بعداًها  
اف بر این زندگی مرده به این آهن‌ها  
بعد تو هیچ نداریم علم را بفرست  
منتقم صاحب آن تیغ دو دم را بفرست<sup>۱</sup>



دل من با حسین می باشد      ذکر من یا حسین می باشد  
 کار با من ندارد هیچ کسی      صاحبم تا حسین می باشد  
 پی کارم به عرصه محشر      صبح فردا حسین می باشد  
 ما مقامات عشق فتح کنیم      تا که با ما حسین می باشد  
 اولین حرف کو دکان بعد از      آب، بابا، حسین می باشد

عبد دربار تو شدیم حسین

ما گرفتار تو شدیم حسین

چه صفا دار داین گرفتاری      روزها دارد این گرفتاری  
 ریشه در اشک های لیلی      کربلا دارد این گرفتاری  
 گرم قرب شوی تو پشت سرش      هی بلا دارد این گرفتاری  
 ابروی یار کار خود بکند      شهدا دارد این گرفتاری  
 خواه ناخواه عاقبت راهی      تا منا دارد این گرفتاری

گره خورده دلم به زلف

مانده ام زیر دین لطف حسین

با تو بودن ضرر نخواهد داشت      این طریقت خطر نخواهد داشت  
 طالب تیغ تو شود هر کس      احتیاجی به سر نخواهد داشت  
 تو نخواهی اگر بدون شک      التماس اثر نخواهد داشت  
 ننشینی تو رو بروی کسی      در غمت چشم تر نخواهد داشت  
 هر که یک بار آمده حرمت      از جهنم گذر نخواهد داشت

آرزوی تمام مایی تو

پدر نه امام مایی تو

دامت را به دست ما برسان    عطر سببی به این هوا برسان  
 تا نردیم تا جوان هستیم    پای ما را به کربلا برسان  
 وقت هیئت بیا به دنبالم    نوکرت را به روضه‌ها برسان  
 تربتی هم بیار همراهت    و بر این زخم دل، شفا برسان  
 من که بی آبرویم ای ارباب آبرویی به این گدا برسان  
 اعتبارم فقط غلامی توست  
 افتخارم فقط غلامی توست

گل زهرا فقط تو را دارم    من تنها فقط تو را دارم  
 هم به عقبی تویی هوادارم    هم به دنیا فقط تو را دارم  
 خواب دیدم به شام اول قبر    من در آنجا فقط تو را دارم  
 همه جز تو مرا رها کردند    خوب... حالا فقط تو را دارم  
 گفتمی از من جدا نشو، نشدم    گفتم آقا فقط تو را دارم  
 اینکه من نوکرت شدم صد شکر  
 خاکبوس درت شدم صد شکر

گل ریحانه علی هستی    من کی خانه علی هستی  
 زینت و گوشواره عرشی    در یکدانه علی هستی  
 می شوی تو خود نبی، وقتی    به روی شانۀ علی هستی  
 نفس فاطمه به تو جاری است    روح جانانۀ علی هستی  
 کوثر از گریه بر غمت پُر شد    اصل می خانه علی هستی  
 مصطفی حنجر تو می بوسد  
 شبی هم دختر تو می بوسد<sup>۱</sup>

نوری به نسل ساقی کوثر اضافه شد  
ماهی به روی دامن مادر اضافه شد  
مولودی آمد و نمک نان خلق شد  
بر رزق سفرها دو برابر اضافه شد  
وقتی که پا به روی زمین زد خدای عشق  
از این به بعد واژه نوکر اضافه شد  
امروز با ولادت ارباب یک نفر  
بر شافغان عرصه محشر اضافه شد  
از معجزات نور وجود حسین بود  
بر بال‌های فطرس اگر پر اضافه شد  
با دیدن حسین، حسن افتخار کرد  
بر میوه‌های قلب پیمبر اضافه شد  
این شد که ما به نان و نوایی رسیده ایم  
از برکت حسین به جایی رسیده ایم

آدم ز گریه بر غم او آبرو گرفت  
امشب مسیح از دم او آبرو گرفت  
هر کس که گریه کرد برایش عزیز شد  
از روضه‌ها و ماتم او آبرو گرفت  
موسی عصا به دست رها کرد طور را  
آمد و از محرم او آبرو گرفت

خضر نبی که زندگیش جاودانه شد  
از قطره‌های زمزم او آبرو گرفت  
دنیا ز اعتبار مسیح و کلیم و نوح  
یا از نگین خاتم او آبرو گرفت؟  
من مطمئنم هر که به بالا رسیده است  
از ریشه‌های پرچم او آبرو گرفت  
این واژه در تمام جهان نقش پرچم است  
اریاب ما معلم عیسی بن مریم است

از آسمان به سوی زمین این ندا رسید  
مژده به هم دهید که خون خدا رسید  
تکمیل شد حدیث بلند رسول عشق  
یعنی که تک ستارهٔ اهل کسا رسید  
در ازدحام خیل گدا می‌شود شنید  
سلطان عشق، پادشه کربلا رسید  
حال و هوای مستی ما بی‌دلیل نیست  
امشب حسین فاطمه اریاب ما رسید  
جذب خودش نموده تمامی خلق را  
مثل پیمبری که ز غار حرا رسید  
امشب تبرکی ز درش خاک می‌برند  
آنان که هر کدام به قومی پیمبرند

حساس بود فاطمه بر گریه‌های او  
بر بوسهٔ نبی به تن و دست و پای او  
پروانه‌های سوختهٔ دور شمع او  
جبریل می‌شوند همه از دعای او

صدها مسیح دم همه بیمار او شدند  
حلقه زدند بر در دار الشفای او  
ثابت شود به خلق ازل تا ابد که نیست  
خاکی شبیه تربت کربلای او  
ما که بهشت را همگی لمس کرده ایم  
هر شب میان گریه و در روضه‌های او  
وقتی که ذره پروری اصل صفات اوست  
پس سینه زن شدن یکی از معجزات اوست

بر سینه غیر نام تو را حک نمی‌کنیم  
از بین سینه عشق تو منفک نمی‌کنیم  
هر کس که در مقابل تو صف کشیده است  
ما به حرامزادگی اش شک نمی‌کنیم  
خود را به پیش هیچ کسی جز خود شما  
آقا به جان فاطمه کوچک نمی‌کنیم  
ما سیب سرخ سینه خود را حسین جان  
با معصیت به عشق شما لک نمی‌کنیم  
لطف تو بود بر دل مسکین پناه داد  
ما را رقیه ات سر این سفره راه داد

چه سایه سار پر از لطف و رحمتی داری!  
 به جمع سایه نشینان عنایتی داری  
 غبار تربت تو با دم مسیح یکی ست  
 عجب دواى عجیبی چه تربتی داری!  
 در آن جمال علی وار و نور زهرایی  
 عجب شکوه و جلالی چه هیبتی داری!  
 به عشق تو همه عالم شده حسینیه  
 چقدر مجلس روضه، چه هیئتی داری!  
 بدون این که عتاجم کنی، عطا کردی  
 چقدر خوب و کریمی چه عادتی داری!  
 چقدر بنده نوازی چقدر آقایی!  
 چقدر حضرت آقا شبیه زهرایی!

کبوتر دل من پر زده به سوی حرم  
 مگر که اوج بگیرد دوباره روی حرم  
 خدا کند که بیایم دوباره پا بوست  
 خدا کند که نمیرم در آرزوی حرم  
 اگر چه خیر ندیدی تمام عمر ز من  
 وجود من زده لطمه به آبروی حرم ...  
 ... تو را دوباره قسم می‌دهم به عباس  
 تصدقی سر حضرت عموی حرم

بده اجازه شبی باز زائرت باشم  
و روی خاک بیافتم به روبروی حرم  
منی که خاک توام دلبر ثریایی  
تویی در اوج، که آقا شبیه زهرایی

در اعتکاف نشستم به پای چشمانت  
منی که بوده دلم مبتلای چشمانت  
هزار بار بگردان مرا به دور سرت  
فقط به خاطر درد و بلای چشمانت  
اشاره‌ای نه، نگاهی نه، من دلم راضی ست  
به یک بهم زدن پلک‌های چشمانت  
تو آمدی و علی و پیمبر و زهرا  
شدند زائر کرب و بلای چشمانت  
تو یک نگاه کن آقا ببین که بعد از آن  
هزار بار بیرم برای چشمانت  
علی تو را بغلت کرد و مات روی تو شد  
صدا زد ای گل بابا فدای چشمانت  
و خیره ماند روی چشم‌های رویایی  
به اشک شوق صدا زد شبیه زهرایی

تمام محو تماشا شد عالم ایجاد  
دمی که قابله قنداقه را به زهرا داد  
مدینه سبز شد و خانه سبز و دنیا سبز  
و با حضور تو شد این جهان حسین آباد  
شب تولدت آقا تولدگریه ست  
شبی که پرده ز چشمان مادرت افتاد

تو را گرفت غریبانه بین آغوشش  
به روی دست شریفش تو را تکان می‌داد  
و دید لحظه تلخ غروب عاشورا است  
شکست بین گلوی شریف او فریاد  
هوا ز باد مخالف چو قیرگون می‌شد  
حسین فاطمه از اسب بر زمین افتاد  
و دید جسم تو را که میان صحرائی  
به سینه می‌زد و می‌گفت: عشق زهرایی



روز ازل که قسمت ما را نوشته‌اند  
ما را به نام حضرت دریا نوشته‌اند  
کار جنون ما به تماشا کشیده است  
ما را غبار محمل لیلا نوشته‌اند  
بر روی بال‌های تمام فرشتگان  
از سرگذشت عاشقی ما نوشته‌اند  
یوسف کجاست تا سر خود را فدا کنیم  
ما را ز دودمان زلیخا نوشته‌اند  
گیرم نوشته‌اند که ما هم کسی شویم  
تنها به خاطر دل زهرا نوشته‌اند  
روز ازل مقابل اسمی که تا ابد  
یک یا حسین گفته مسیحا نوشته‌اند  
هم چون تو را حسین دو عالم ندیده است  
مثل تو را به خاک دو دنیا ندیده است

آن جلوه‌ای که نور تو را آفریده است  
در پیش خویش قبله نما آفریده است  
حتی تمام بود و نبودی که هست و نیست  
محض گل جمال شما آفریده است  
یک کعبه را برای خودش خلق کرده است  
شش گوشه را به خاطر ما آفریده است

تا قبله را برای همیشه نشان دهد  
در خاک خویش کربلا آفریده است  
جبریل زیر پای تو فهمیده است غیب  
این بال را برای کجا آفریده است  
مردم خدا شنیده ولیکن ندیده‌اند  
ما دیده ایم آن چه که مردم شنیده‌اند

تو انتهای جاده قالوا بلی شدی  
زهرآلودی علی شدی و مصطفی شدی  
روزی که هر فرشته بر آدم به سجده رفت  
ای سرّ ناگشوده حق بر ملا شدی  
در سایه سار جلوه ات عباس قد کشید  
یعنی چقدر بی حد و بی انتها شدی  
ما قسمت همیم خدا خواست این چنین  
ما بر تو مبتلا تو به ما مبتلا شدی  
ما قسمت همیم که با عمر روزگار  
ما دردمند عشق و تو دارالشفای شدی  
دیدیم که بی‌کسیم و نداریم دل خوشی  
همسایه قدیمی این چشم‌ها شدی  
چون فطرسیم گر چه به زنجیر می‌شویم  
شکر خدا به پای شما پیر می‌شویم

روز الست، روز ازل، لحظه‌های عشق  
روزی که آفریده شد عالم برای عشق  
روزی که آفرینش گیتی تمام شد  
آغاز شد به دست خدا ماجرای عشق

بودیم گر چه در دل سرگشتگان ولی  
کم کم شدیم بین همه آشنای عشق  
چشمی میان آن همه ما را سوا نمود  
دل را ربود و داد دلی مبتلای عشق  
دستی به روی شانهٔ مان خورد و ناگهان  
ما را صدا نمود کسی با صدای عشق  
روز الست لحظهٔ آغاز عاشقی  
ما را خدا نمود اسیر خدای عشق  
عکس خدا نشسته بر آئینه هایمان  
روز ازل حسینیّه شد سینه هایمان

هستی بهانه بود که سرّی بیان شود  
مستی بهانه بود که ساقی عیان شود  
خلقت ادامه یافت و رازی گشوده شد  
تا معنی وجود زمین و زمان شود  
با دست غیب برق ظهورت نوشت عشق  
وقتش رسیده نوبت دیوانگان شود  
قلب مدینه می‌طپد از خاک پای تو  
جارو کش همیشهٔ این آستان شود  
حتی بهشت با سر مژگان رسیده است  
تا قبله گاه وسعت هفت آسمان شود  
تو حیدری، تو فاطمه ای، تو پیمبری  
سوگند بر خدا که خداییش محشری!

بی تو هزار گوشهٔ دنیا صفا نداشت  
اصلاً خدا بدون تو این جلوه را نداشت

گیرم هزار کعبه خدا خلق می نمود  
چنگی به دل نمی زد اگر کربلا نداشت  
حتی ز معجزات مسیحا خبر نبود  
مشتی اگر ز خاک قدوم شما نداشت  
بی تو هوای خانه زهرا گرفته بود  
این قدر جلوه جاذبه مرتضا نداشت  
شکر خدا که خانه تان هست روی خاک  
ور نه زمین تیره که دار الشفا نداشت  
مجموعه خصائل بی انتها شدی  
یک جا تمام سلسله انبیا شدی

گیرم بهار نیست دمی جان فزا که هست  
گیرم بهشت نیست غبار شما که هست  
بر خشت خشت کعبه نوشتند با طلا  
گیرم که قبله نیست ولی کربلا که هست  
در ازدحام خیل گدا جا اگر کم است  
تشریف آورید دو چشمان ما که هست  
جایی اگر نبود خدا را صدا کنید  
باب الجواد و سایه ایوان طلا که هست  
کوتاست سقف عالم اگر وقت پر زدن  
غم نیست روی گنبد و گلدسته ها که هست  
خوش گفته اند قطره که دریا نمی شود  
هر یوسفی که یوسف زهرا نمی شود

تو آمدی قیامت کبری رقم زدی  
بر تارک همیشه عالم علم زدی

می خواستی که رشک بَرند دیگران به من  
زلف مرا گره به نسیم حرم زدی  
حس می‌کنم میان دلم بوی سیب را  
از آن زمان که در حرم دل قدم زدی  
می خواستی که شعله بگیریم بی‌امان  
آتش به جان هر غزل محتشم زدی  
با شیر، طعم روضه تان را چشیده‌ام  
وقتی سری به چشم ترِ مادرم زدی  
مجنون کوجهای غم دست من بگیر  
دل تنگ دیدن حرم دست من بگیر

تو تشنه و دریغ ز یک جرعه آب، آه  
تو تشنه و تمامی صحرا سراب، آه  
در زیر نیزه‌های شکسته نهان شدی  
با زخم‌های تازه تر و بی‌حساب، آه  
یک سو صدای العطش آرام می‌رسید  
یک سو صدای هلهله‌ها در شتاب، آه  
یک سو صدای ضجّه زینب بلند بود  
یک سو صدای مادرت اما کباب، آه  
یک سو علم به خاک و علمدار غرق خون  
یک سو به روی نیزه عزیز رباب، آه  
کم کم نگاه بر بدنت سخت می‌شود  
کم کم نفس زدنت سخت می‌شود<sup>۱</sup>

---

۱. محسن عرب خالقی



جهان گردیده دریای کرامت  
تو گویی ملک نامحدود هستی  
ملک، جن، آدمی بستند امشب  
بهشت و وحی، آباد حسین است  
شب جشن است یا صبح قیامت  
چراغانی ست از نور امامت  
سراسر بر نماز شکر قامت  
مبارک باد، میلاد حسین است

عروج کل هستی تا حسین است  
تمام آرزوهای محمد  
نماز شکر خلقت، شادمانی  
محمد در بغل آیینه دارد  
محمد گرم شادی با حسین است  
تمام هستی زهرا حسین است  
دعای آفرینش، یا حسین است  
علی قرآن به روی سینه دارد

سلام الله بر قدر و جلالش  
پر جبریل می سوزد به برقی  
زمان تا حشر با مهرش هم آغوش  
لبش سرچشمه نوش محمد  
خدا را چشم بر ماه جمالش  
کند گر قصد معراج کمالش  
قیامت هم بود صبح وصالش  
عروجش بر سر دوش محمد

لبش با دوست در راز و نیاز است  
میان انبیا تا صبح محشر  
ز کوی او همه درهای رحمت  
قیامت، در قیامت بنده اوست  
ولای او قبولی نماز است  
محمد زین ولادت سرفراز است  
به روی انس و جان پیوسته باز است  
شفاعت لاله زار خنده اوست

به شعبان المعظم ماه دادند  
به جسم آفرینش جان تازه  
بشر را رهبری آگاه دادند  
به چشم دل چراغ راه دادند

به ثارالله، ثارالله دیگر به وجه الله، وجه الله دادند  
محمد نقش لبخندت مبارک علی میلاد فرزندت مبارک

دل عالم گرفتار حسین است محمد محو دیدار حسین است  
به بازار محبت صحنه صحنه تو صدیوسف خریدار حسین است  
خدا با دست قدرت تا قیامت علم گیرو علمدار حسین است  
دو عالم سایه‌ای از پرچم اوست محرم نه، زمان ماه غم اوست

تو خون در جسم توحید آفریدی تو بانگ ارجعی از حق شنیدی  
تو قرآن را ز نوک نیزه خواندی تو مقتل را به مهد ناز دیدی  
تو عزت را، شرف را، روح دادی تو ذلت را سر از پیکر بریدی  
تو وقتی بر شهادت خنده کردی تمام انبیا را زنده کردی

شهادت بوسه زد بر پیکر تو ولادت یافت خون از حنجر تو  
چهل منزل به دنبال خدا رفت به نوک نیزه دشمن سر تو  
به حلق تشنه‌ات، قرآن هماره خورد آب حیات از ساغر تو  
شهادت می‌دهم نزد خدایت تو خون دای، خدا شد خونبهایت

تو خود احیاگر اسلام نابی درون تیرگی‌ها آفتابی  
تو در رگ‌های قرآن خون پاکی تو بر گلزار سبز وحی آبی  
تو در هر فصل ایمان را بهاری تو در هر نسل روح انقلابی  
تو با هر زخم فریاد خدایی تو روی نیزه هم یاد خدایی

شهادت خطّ سرخ خامه ماست خط تو، مشی تو، برنامه ماست  
پس از هیئات منّا الذّلة تو کفن پیراهن و خون جامه ماست  
هزار و نهصد و پنجاه زخمت به موج خون زیارتنامه ماست

تو حَجّی، تو صلاحی، تو زکاتی تو اسلام محمد را حیاتی

خوشا آنانکه در خون پافشردند  
به دین زنده ما مرده آن است  
همیشه میوه های نخل میثم  
ز خون عاشقانت آب خوردند  
و بقی وجه ریگ دولت تو است  
تمام آفرینش ملت تو است  
به عشقت از دل و جان سر سپردند  
که گوید کشتگان عشق مردند





امشب شب نزول تمام ملائک است  
باور کنید بخت، به کام ملائک است  
هم کوثر ولایت و هم باده بهشت  
پیوسته بحر بحر به جام ملائک است  
بارد برات عفو الهی ز آسمان  
صبح قیامت است، قیام ملائک است  
بر هر ملک که می‌نگرد از چهارسو  
چشمش به ماه روی امام ملائک است  
امشب ز صد هزار شب قدر، بهتر است  
قنداقه حسین به دست پیمبر است

ملک وسیع حق، یم عفو عنایت است  
لبریز، آسمان ز فروغ ولایت است  
هر سوره‌ای که می‌نگرم صورت حسین  
هر آیه در ولادت او یک ولایت است  
نور حسین، ارض و سما را به برگرفت  
این نور، همچو نور خدا بی‌نهایت است  
دوران تیرگی و ضلالت به سر رسید  
امشب شب طلوع چراغ هدایت است  
این شمع جمع محفل اولاد آدم است  
این کشتی نجات غریقان عالم است

پیغمبران همه شده محو نظاره‌اش  
صف بسته‌اند دور و بر گاهواره‌اش  
این است آن سپهر ولایت که وقت صبح  
خورشید و ماه گشته به دور ستاره‌اش  
خلق زمین و اهل سماوات، تا ابد  
مرهون لطف و مرحمت بی‌شماره‌اش  
ب‌الله عجیب نیست که در روز رستخیز  
دوزخ بهشت گردد با یک اشاره‌اش  
در روز حشر با کرم خود چه‌ها کند  
ترسم ز نار، قاتل خود را رها کند

ملک وجود بسته به یک تار موی او  
گل کرده بوسه‌های محمد به روی او  
این است کعبه‌ای که تمامی کائنات  
بگرفته‌اند دست توسل به سوی او  
صورت نهد به خاک قدم‌هاش آبرو  
تا کسب آبرو کند از آبروی او  
هر جا که انبیا بنشینند دور هم  
باشد چراغ محفل‌شان گفت‌وگوی او  
باید ندا دهیم که عالم حسینی است  
ب‌الله قسم! رسول خدا هم حسینی است<sup>۱</sup>



در معرکهٔ عشق عجب حال و هوایی ست  
در محفل عشاق چه شوری چه صفایی ست  
دل‌ها ز نوایی به طرب آمده امشب  
آوای خوش عشق رسیده، چه نوایی ست  
در پشت در خانهٔ مولا چه خبر هست  
هر کس که می‌آید به کفش ظرف‌گدائی ست؟  
در کون و مکان بوی خوش سیب می‌آید  
دل‌ها همه سرمست می‌کربلایی ست  
از نور وجودش همه جا تحت شعاع است  
این جلوه فقط جلوهٔ انوار خدایی ست  
امشب همه لیلاصفتان غرق سجودند  
مجنون شدهٔ صورت ارباب وجودند

از مشرق و از مغرب عالم همه امشب  
چون فطرس پرسوخته در زمزمه امشب  
به به چه خبر گشته شب شهر مدینه  
در سینۀ یثرب شده غم خاتمه امشب  
در عالم بالا همه مستند و خرابند  
بر عرش رسیده بخدا قائمه امشب  
رخسار نبی، روی علی، صورت زهرا  
در صورت او گشته نمایان همه امشب

در خانه پر عشق علی گشته نمایان  
لبخند خدا روی لب فاطمه امشب  
نه یوسف و نه یونس و نه نوح و نه آدم  
سرمست حسین است تمامی دو عالم<sup>۱</sup>



برسانند اگر تربیت دلداران را  
 در می آرند ز هر دهنه بیماران را  
 همه سرمایه یک اهل کرامت کرم است  
 احتیاجی به درم نیست، کرم داران را  
 یوسف آن است که از تخت تنزل نکند  
 بارهاگر بفرستند خریداران را  
 در بهشت تو چرا حرف جهنم بزنیم  
 قلم عفو بگیرد گنه کاران را  
 سر که گرم است پی کار تو دل هم گرم است  
 باز دلگرم تو کردند سر یاران را  
 کورتر کن گرهام را، نکند باز کنی  
 وا مکن از سر خود جمع گرفتاران را  
 گریه تا هست حرام است نماز باران  
 چه خیالی است بگیرند اگر باران را  
 بعد از این پیرهنی با یقه تنگ میپوش  
 خون مکن این جگر سرخ هواداران را

رب الارباب شد، الله صفاقی که رسید  
 شد حسین ابن علی جلوۀ ذاتی که رسید  
 بود منظور همان گریه برای ارباب  
 اندر آن ظلمت شب آب حیاتی که رسید

ظاهرش کرب و بلا، باطنش عرش الرحمن  
اذن معراج شد آن برگ براتی که رسید  
کرمت دست نینداخت مرا دست گرفت  
طیب الله به کشتی نجاتی که رسید  
بیشتر از همه تو گردن ما حق داری  
به دلیل همه این برکاتی که رسید  
لبم از مهریه فاطمه سیراب نشد  
تشنه تر کرد مرا آب فراقی که رسید

بال فطرس به عنایات تو پر می‌گیرد  
تا غلام تو شود بال سفر می‌گیرد  
دل ما خرج که شد قیمت آن بالا رفت  
سنگ در کنج حرم، قیمت زر می‌گیرد  
بهترین سود همین است که در چشم تر است  
به تو دل می‌دهد و چند گهر می‌گیرد  
چقدر زود در خانه تو ریخته‌اند  
وقت خیرات، گدا زود خبر می‌گیرد  
بین فرزندان و غلامت نگذاری فرقی  
کرم تو همه را مد نظر می‌گیرد  
چقدر فاطمه تشنه ست در این شش ماهه  
انا العطشان تو انگار جگر می‌گیرد

آرنی گفتنم از هر سخنم می‌آید  
ولی از سمت تو هر بار لنی می‌آید  
کاروان راه مینداز، بمان تا برسم  
دارد از راه اویس قرنی می‌آید

تا زمین‌های مینِ مهرِ علی را دارند  
به قنوت تو عقیقِ مینی می‌آید  
کرم ذاتی دست تو از آن جانب در  
قبل هر گونه عرق ریختنی می‌آید  
رنگ هر آن چه بیافد به تنت سرخ بُود  
به تو از فاطمه هر پیره‌نی می‌آید  
پیره‌ن نیز به جسم تو افاقه نکند  
به تو انگار همان بی‌کفنی می‌آید





## فصل دوم، میلاد حضرت ابا الفضل علیه السلام

گر غم به دلت داری، غمخوار ابا الفضل است  
دل را نده بر هر کس، دلدار ابا الفضل است  
مجموعه تقوا و ایثار ابا الفضل است  
در لشکر ثارالله، سردار ابا الفضل است  
آری ادبش را او از ام بنین دارد  
صد خادم دریاری چون روح الامین دارد

از قامت او پیدا روی پدرش باشد  
هر خصم فراری از تیغ و سپرش باشد  
نذر پسر زهرا دستان و سرش باشد  
خورشید حسین است و این هم قمرش باشد  
شد ماه بنی هاشم تنها لقب عباس  
مهتاب خورد غبطنه، بر خال لب عباس

تیغ و علم حق است تیغ و علم عباس  
لرزه به جهان افتد با هر قدم عباس  
در پای نهال دین چون ریخت دم عباس  
محشر به کف زهراست دست قلم عباس  
تا دست جدای او در حشر عیان گردد  
هر عبد گنهکاری بخشیده به آن گردد



ای کاش بیایم من تا به حرمت ساقی  
بر مادر تو زهرا دادم قسمت ساقی  
یک روز بمرم من زیر قدمت ساقی  
بنما نظری کردم سیراب میت ساقی  
از باده تو امشب مستم من و آشوبم  
سر بر در میخانه از عشق تو می‌کوبم

بهانه شد که دوباره گدای تو بشویم  
 خدا کند که همیشه برای تو بشویم  
 تمام هستی خود را دهیم جا دارد  
 که زائر حرم باصفای تو بشویم  
 چه می‌شود که به ما هم دهند، پر که فقط  
 کبوتر روی گلدسته‌های تو بشویم  
 خدا کند که به ما هم اجازه‌ای بدهند  
 که مثل ماه و ستاره فدای تو بشویم  
 بیا به خاطر زینب نگاه کن ما را  
 که صید هر شبه چشمهای تو بشویم  
 خدا گواست که ما خاک پای مان عرش است  
 اگر به لطف خدا خاک پای تو بشویم  
 تو صاحب علم کربلای اربابی  
 عموی تشنه لب بچه‌های اربابی

امام ما سپری مثل تو نخواهد داشت  
 شب غمش سحری مثل تو نخواهد داشت  
 حسین مثل پیمبر، تو هم مثال علی  
 و شهر عشق دری مثل تو نخواهد داشت  
 اگر که سینه دریا پر از صدف باشد  
 بدون شک گه‌ری مثل تو نخواهد داشت

شجاعت علوی را تو ارث بردی چون  
که مرتضی پسری مثل تو نخواهد داشت  
رسیدی و شب ما مثل روز روشن شد  
چون آسمان قمری مثل تو نخواهد داشت  
دو دست دادی و جایش خدا به تو پر داد  
نه، جبرئیل پری مثل تو نخواهد داشت  
تو عشق زینبی و تا همیشه ماه حسین  
نوشته اند تو را حیدر سپاه حسین

فرات مشک تهی و تویی که دریایی  
تو ماهام بنینی ز نسل زهرایی  
جمال هاشمیان در مدینه معروف است  
میان هاشمیان واقعا تو زیبایی  
همین که پیش علی راه می‌روی آقا  
چقدر هیبت تو می‌شود تماشایی  
علی ست ساقی کوثر، تو ساقی عشقی  
رقیه عشق حسین و به عشق سقایی  
همه رعیت عشقیم و پادشاه تویی  
خوشا به حال تو آقا چقدر آقایی  
اگر چه مُهر امامت نخورده در لوح  
ولی به کل خلائق امیر و مولایی  
ببند گردن من را به پای زنجیرت  
بیا بزن سر من را حلال شمشیرت

علی که دید تو را یاد خیرش افتاد  
به یاد نغمه الله اکبرش افتاد

میان چشم تو مولا چه صحنه‌ها که ندید  
نگاه او به رخ سیب نوبرش افتاد  
کسی که تیغ کشید و به جنگ تو آمد  
سرش بریده شد و در برابرش افتاد  
تو نعره می‌زدی و لشگری به هم می‌ریخت  
رجز که خواندی حسین یاد مادرش افتاد  
اگرچه تیغ نبردی ولی همه دیدند  
به تیغ ابروی تو دشمنت سرش افتاد  
کسی ندیده چنین تیغ تیز برانی  
تو با صدای علی می‌کنی رجز خوانی<sup>۱</sup>



الا ملائکه ریزید بر زمین گل یاس  
برید سجده به بیت الولای خیر الناس  
کنید بوی خدا در فضای آن احساس  
سپس تمام بگویید با درود و سپاس  
سلام یوسف زهرا به حضرت عباس  
که نور داده ز حسنش به دیده سه امام

بهشت آرزوی مرتضیٰ ثمر داده  
خدا به حضرت ام البنین پسر داده  
شجاعت و ادب و عشق را پدر داده  
بگو به حیدر خود حیدری دگر داده  
هر آنچه وصف کنم باز خوبتر داده  
که در کنار دو خورشید، اوست ماه تمام

خصال و خلق و سجایای او تمام، حسین  
کمال و معرفت و منطق و مرام، حسین  
شب ولادت، ذکر خوشش سلام، حسین  
از او گرفته به هر حال احترام، حسین  
به روی لوح دلش حک شده امام حسین  
که بی حسین نمی‌گشت لحظه‌ای آرام

سلام بر شب فرخندهٔ ولادت او  
درود حضرت معبود بر عبادت او  
پس از ائمه ندارد کسی سیادت او  
شب ولادت او حاکی از شهادت او  
کرم سجیه و احسان و جود عادت او  
چنان که مهر کند بذل نور خویش مدام

قدش قیامت کبری رخس چراغ هداست  
جمال شیر خدا در جمال او پیداست  
دو دست کوچک او بوسه گاه دست خداست  
به هر نفس طپش قلبش این خجسته نداست  
که دست و دیدهٔ من وقف سید الشهداست  
مرا لباس شهادت خوش است بر اندام

تمام عمر مرا یا حسین زمزمه بود  
به جز حسین و جودم بریده از همه بود  
ز تیر و نیزه و خنجر مرا چه واهمه بود  
که از نخست دلم در کنار علقمه بود  
هماره گوش دلم را صدای فاطمه بود  
که می نمود به فرزندی اش مرا اعلام

چه افتخار از این به که در برابر من  
عزیز فاطمه گوید به من برادر من  
هماره سایهٔ او مستدام بر سر من  
کنیز مادر او بود و هست، مادر من  
چه قابل است سر و دست و جان و پیکر من  
که او فتد به قدمهای آن امام همام



مراسم با لب خشکیده فیض دریایی  
غلامیم به حسین است اوج آقایی  
گرفتم از کرمش افتخار سقایی  
از آن هماره رحم را بود شکوفایی  
که بوده مادر من از نخست زهرایی  
حضور زینب او نیز می نمود قیام

سلام بر تو که خالق به خلقتت نازد  
سلام بر تو که قرآن به عصمتت نازد  
سلام بر تو که حیدر به غیرتت نازد  
قمر هماره به خورشید طلعتت نازد  
فرات بر ادب و صبر و همتت نازد  
تو عبد صالحی و از خدات باد سلام

سلام جود و کرم بر تو و کرامت تو  
سلام بر تو و ایثار و استقامت تو  
سلام بر ادب و غیرت و شهامت تو  
پس از ائمه امامت بود امامت تو  
به روز حشر قیامت بود قیامت تو  
که راست شد به قیام تو قامت اسلام

تو از تمام شهیدان حق سری عباس  
تو از مدیحه و توصیف برتری عباس  
تو دست و بازو و شمشیر حیدری عباس  
تو ساقی حرم و میر لشکری عباس  
تو بر سفینه توحید لنگری عباس  
سلام بر تو و بر این همه جلال و مقام

تو باب حاجت و ماییم سائل کرم  
هماره مرغ دل ماست زائر حرمت  
تمام کربلا زیر سایه علمت  
فرات بوسه زده موج موج بر قدمت  
به فیض دائم و لطف و عطای دم به دمت  
به «میثمت» کرمی ای کرامت از تو تمام



باد از جانب صحرا خبری آورده  
آسمان قید نزولش خدمه باران است  
ابرها مان همه در معرض اشک شوقاند  
و زمین چشم به راه قدم باران است

بر روی خاک پر و بال ملائک پهن است  
از مسیر گذر اُمّ بنین آمده‌اند  
همه دور سر این ماه پسر می‌گردند  
دست بوس پسر اُمّ بنین آمده‌اند

در توان چه کسی هست که با آمدنش  
فاطمه بنت اسد اُمّ اسد گردیده  
خلق را وجه او سر به سجود آورده  
کودکی‌های علی را به وجود آورده

خانه با آمدنش رونق بسیار گرفت  
سالاها منتظر آمدنش زینب بود  
باغ را عطر گل یاس بهاری کرده  
روی او فاطمه سرمایه‌گذاری کرده

نه فقط شیعه به او باب حوائج گوید  
دست او پنجره فولاد همه ادیان است  
از دخیل نگاهش گبر مسلمان گردد  
او اشاره‌کنند ایران همه سلمان گردد





حیدر امشب دوباره بابا شد  
مادری با ادب پسر آورد  
از همان بچگی مؤدب بود  
تا دم آخرش حسینی ماند  
"یا حسین" اولین کلامش بود  
دل ربود از تمام دریاها  
آبها عشقشان همین شده است  
قمر آمد به پیش پاهایش  
تا ببوسد جمال رویش را  
تا نخندیده بود ابو فاضل  
خنده کرد و حسین هم خندید  
آن طرف پشت کفر می لرزید  
کوری چشم حرمله امشب  
دیگر اینجا غزل کم آورده  
طفلی آمد و زود آقا شد  
خوش به حال دل گداها شد  
نوکر بچه های زهرا شد  
تا قیامت به هر دلی جا شد  
بی زبان حرف زد، مسیحا شد  
بی عصا زد به آب، موسی شد  
پسری که رسید و سقا شد  
کل هفت آسمان زجا باشد  
فلک قد کشیده هم تا شد  
خنده زیبا نبود، حالا شد!  
به که این صحنه ها چه زیبا شد!  
بچه شیری رسید و غوغا شد  
چشم ناز ابا الادب وا شد!  
مثنوی عهده دار معنا شد

چند سالی گذشت این آقا  
حیدری، مرد، مرد آب آور  
تا ازین ور ابا الادب می رفت  
رفت و برگشت تیغ او می کشت  
"یک نفر آمد و دو تا برگشت"  
خنجرش عرصه را به هم می ریخت  
خنجرش نه، فقط غضب می کرد و  
حریفش ز ترس تب می کرد  
شد شبیه جوانی بابا  
یک طرف او، مقابلش لشکر  
دشمن آن سو عقب عقب می رفت  
زره اش مثل مرتضی بی پشت  
با هم آمد جدا جدا برگشت  
دست و پا و سر و قدم می ریخت  
حریفش ز ترس تب می کرد



قصه آمد رسید آنجا که      ظهر روز دهم و سقا که ...  
حیدر آماده کرده بود او را      تا بماند برای عاشورا  
آفریده شده برای حسین      دست و چشم و سرش فدای حسین



باز انگار جهان حادثه در سر دارد  
شهر یثرب سبدی یاسِ معطر دارد  
جبرئیل است که تکبیر مکرر دارد  
کودکی آمده که هیبت حیدر دارد  
چه جمالی چه کمالی چه قد و بالایی  
ماه مجنون و تو لیلا تر از لیلابی

وصف اوصاف تو از عقل فراتر باشد  
چون که مدح تو فقط کار برادر باشد  
عاشق آن است که آینه دلبر باشد  
یعنی عباس خودش یک تنه حیدر باشد  
تیر ما گر بخورد کنج هدف خوب تر است  
کربلابی شدن از راه نجف خوب تر است

آمدی با دل دریا که تو دریا باشی  
آمدی نور دل حضرت مولا باشی  
میر و سردار و پناه دل آقا باشی  
تا که بر تشنه لبان حضرت سقا باشی  
یاد دادی به همه شیوهٔ جانبازی را  
از تو آموخته‌ام غیرت و سربازی را

راهی علقمه سقا شده ماشاالله  
دشت در دشت چه غوغا شده ماشاالله  
جنگ خیبر شده. مولا شده. ماشاالله  
بیش از پیش چه زیبا شده ماشاالله  
تیغ می‌راند و تکبیر اباعبدالله  
ذکر لاحول ولا قوة الا بالله



ای نخل ادب ثمر مبارک  
 ای شمس و لا قمر مبارک  
 ای عشق و وفا پدر مبارک  
 میلاد حسین دیگر آمد

وی بحر شرف گهر مبارک  
 ای طور علی شجر مبارک  
 ای شیر خدا پسر مبارک  
 الحاق که دوباره حیدر آمد

این کیست؟ برادر حسین است  
 این پارهٔ پیکر حسین است  
 این روح مطهر حسین است  
 این ماه امیر مؤمنین است

این شیر دلاور حسین است  
 این ساقی ساغر حسین است  
 فرماندهٔ لشکر حسین است  
 این صورتِ صورت آفرین است

حیدر گل و این پسر گلاب است  
 از نور به صورتش نقاب است  
 سردار رشید انقلاب است  
 اشکش همه جاری از دوعین است

مه بر سر دستِ آفتاب است  
 سر تا به قدم ابوتراب است  
 در دست پدر به پیچ و تاب است  
 چشمش همه حال بر حسین است

شیرین لب و شور آفریده  
 مرغ دلش از قفس پریده  
 خون در دل و اشک در دیده  
 آهنگ وصال یار دارد

از دیده و دست، دل بریده  
 آوای حسین را شنیده  
 پیراهن صبر را دریده  
 با خون خدا قرار دارد

آغوش علی بود مقامش  
 ما سائل و او کرم مراسم

از حضرت فاطمه سلامش  
 او ساقی و چشم ماست جامش

عشق و ادب و وفاست نامش دیدند دو مهر منجلی را  
بگرفت چو در بغل امامش رخسار محمد و علی را

عباس همان عزیز زهراست او ماه ستارگان صحراست  
عطشان لب او همیشه دریاست فرمانده و پاسدار و سقااست  
دور از شهدا اگر چه تنهاست تا حشر، چراغ انجمن هاست  
دل، مُشت گلی ز کربلایش جان، زائر گنبد طلایش

دریا چو کَفَشِ کَرَمِ ندارد بی او که حرم حرم ندارد  
اسلام به کفِ عَلمِ ندارد تا هست، حسین غم ندارد  
در بین سپاه، کم ندارد باک از عرب و عجم ندارد  
او شیر خدای را بود شیر فرزند کرامت است و شمیر

ای حیدر حیدر ولایت ای صاحب سنگر ولایت  
ای حامی و یاور ولایت سر لشکر بی سر ولایت  
فرزند و برادر ولایت عباس دو مادر ولایت  
تو چار امام را معینی از روز نخست یار دینی

ماه شهدا به نی سر توست قرآن حسین پیکر توست  
باب همه انبیاء در توست آغوش حسین سنگر توست  
دریا نگهش به ساغر توست خون گلوی تو کوثر توست  
سردار سپاه دین به هر عصر تنها رجز تو سوره نصر

ای بحر ز آتش تو بی تاب ای آب هم از خجالتت آب  
سر تا قدمت حقیقت ناب ابروی تو عشق راست محراب  
ما بنده کوچک و تو ارباب دریا گوید: مرا تو دریاب

من آبم و تشنه تو هستم سقای حرم بگیر دستم

ما و کرم تو یا اباالفضل طوف حرم تو یا اباالفضل  
خاک قدم تو یا اباالفضل دریای غم تو یا اباالفضل  
مرهوندم تو یا اباالفضل زیر علم تو یا اباالفضل  
ای عالم و آدمت سپاهی بر «میشم» خویش هم نگاهی





دست عاقل ز در میکده ات کوتاه است  
ز رموزش دل دیوانه فقط آگاه است  
مادرت ام بنین نذر حسینت کرده  
سرنوشت تو گره خورده به ثارالله است  
قمرت خوانده عرب لیک نمی دانسته  
شمس هم سائل نورانیت این ماه است  
طی صد مرحله بی مهرهی خضر کنم  
تا مرا رایت عباس حوالت گاه است ...  
مکتبت زینبی و دین تو ثاراللهی  
اشهدش ناله و قد قامت آن با آه است  
عنصر غالبه خلقت تو احساس است  
آخرین ذکر سلام همه یا عباس است

مذهبت عشق حسین است و کلامت عشق است  
نفست عشق، دمت عشق، کلامت عشق است  
تا ابد خلقت تو راز مگو خواهد ماند  
خاک در طینت تو نیست تمامت عشق است  
آب شد آب ز شرمندگی لب هایت  
آن چه معنا شده با خشکی کامت عشق است  
در ازل پرتو حسن تو تجلی کرده  
آن چه آن روز سند خورده به نامت عشق است



بر جبین تو نوشته است «انا عبدالزهر»  
آن چه و امانده به توصیف قیامت عشق است  
پسر فاطمه و فخر علی می باشی  
همه مست تو که بین المللی می باشی

همه سوته دلان سائل لطف و کرم  
کهکشان ادبی کعبه دلها حرمت  
مومنون آمده در وصف تو و ایمان  
صابرون آمده در شان ثبات قدمت  
قسم حق شده با روی تو با والقمرش  
رایت عرش خدا بوده و باشد علمت  
قال حق: ”حَبَّ عَلِي جَنَّةً“ و انت جَنَّةُ  
ذوالفقار علوی در کف دست قلمت  
ناله انکسر ظهري آن شاه شهید  
کوه صبر است که خم شد ز مصیبات غمت  
گفت زینب که اخاکاش شود چشمم کور  
که چنین پاره بدن غرق به خون ننگرم  
ساقی بی مثلی معنی عشق ازلی  
آخر معرفتی حضرت عباس علی

نور می گیرد از آن چهره زیبا خورشید  
محو و حیران شده هر کس که رخ ماهت دید  
داده در دست تو ایزد علمش را زیرا  
«آسمان بار امانت نتوانست کشید»  
شیوه چشم شما خانه خرابم کرده  
هر که شد اهل غمت، دل ز غم غیر برید

تا ابد ریزه خور خون توام ای سقا  
که ندارم به دو عالم به کسی چشم امید  
قبله مشترک جمله ادیان و فرق  
نیست جز مرقد زیبای ابا الفضل رشید  
فیض روح القدسی در تو تجلی کرده  
که چنین باب حوائج شده‌ای شاه شهید  
قطره اشک خداوند جلی گر دل شد  
قطره اشک علی شیر و ابوفاضل شد





## فصل سوم، میلاد حضرت زین العابدین علیه السلام

سلام! ای سلام خدا بر سلامت!  
درود! ای کلام الهی، کلامت!  
تو هم سجده؛ هم سیدالساجدین  
که قلب حسین است بیت الحرامت  
مسلمان نباشم نباشم نباشم  
ندانم اگر بر خلائق امامت  
سلام خدا بر سجود و رکوعت  
درود خدا بر قعود و قیامت  
حجر بر در خانه‌ات قطعه سنگی  
مقام آورد سر به پای مقامت  
تو حَجّی صلاح زکاتی جهادی  
تو ممدوح با نام زین العبادی

تو در تیرگی‌ها سراج المنیری  
تو همچون پیمبر، بشر را بشیری  
سماوات و عرشند در اختیارت  
تو آزاده عالمی، کمی اسیری؟  
تو در کنج ویرانه‌ها هم بهشتی  
تو در زیر زنجیرها هم امیری

به پای تو سر کرد خم «سربلندی»  
تو تنها به نزد خدا سر به زیری  
یم هشت بحری و در سه دریا  
ولی خداوند حیّ قدیری  
تو «قدر» و «تبارک» تو «فرقان» و «نوری»  
تو عیسی تو گردون تو موسی تو طوری

تو با خطبه‌ات شام را شام کردی  
تو همچون علی فتح اسلام کردی  
تو از شام، پیغام خون خدا را  
به هر عصر و هر نسل، اعلام کردی  
تو بر روی دشمن نمودی تبسم  
تو حتی به «مروان» هم اکرام کردی  
تو دل پیش زخم زبان‌ها گشودی  
تو دعوت ز سنگ لب بام کردی  
تو در کوفه یک لحظه دخت علی را  
به اوج خروشیدن آرام کردی  
تو با صبر و با حلم و با استقامت  
به قرآن بقا داده‌ای تا قیامت

تو زمزم، تو مروه، تو سعی و صفایی  
تو فرزند کعبه، تو خیف و منایی  
تو قرآن، تو احمد، تو حیدر، تو زهرا  
تو در حُسن، آئینهٔ مجتبابی  
امامی و پیغمبری از تو زبید  
که تنها پیام آور کربلایی

کلامت بودِ وحیِ صاعد چه گویم  
تو از پای تا سر کلامِ خدایی  
دعا بر دهان و لبِت بوسه آرد  
همانا همانا تو روحِ دعایی  
چه بهتر که «میشم» ثنای تو گوید  
برای تو خواند، برای تو گوید

وقتی که فروغ ازلی دیدن داشت  
انوار خداوند جلی دیدن داشت  
با دیدن فرزند عزیزش سجاده  
لبخند حسین بن علی دیدن داشت

شادی و طرب به دست غم بند زده است  
دل را به سرور و عشق پیوند زده است  
دیدند زمین و آسمان نورانی است  
گفتند مگر حسین لبخند زده است

محبوب حریم حق تعالی آمد  
تفسیر گر نور و تجلا آمد  
در فصل شکفتنش سروشی می‌گفت  
سجاده نشین عرش اعلا آمد



ای اهل دعا! روح دعا باد مبارک  
در دیده تجلای خدا باد مبارک  
این عید مبارک، به شما باد مبارک  
لبخند امام شهدا باد مبارک  
جان در بدن عالم ایجاد مبارک  
آمد به جهان حضرت سجاد، مبارک

ای بانوی ایران پسر آورده‌ای امشب  
ای طوبی عصمت ثمر آورده‌ای امشب  
در بیت ولایت قمر آورده‌ای امشب  
الحق که حسین دگر آورده‌ای امشب  
بی پرده ببینید جمال ازلی را  
تبریک بگوئید «حسین ابن علی» را

حجر و حجر و حلّ و مقام و حرم است این  
دریای خروشنده جود و کرم است این  
در مجمع خویان دو عالم، علم است این  
دردانه شه بانوی ملک عجم است این  
گردید عیان کوکب اقبال محمد  
چشم و دلتان روشن، ای آل محمد



این ماه تمام است، تمام است، تمام است  
فرزند قیام است، قیام است، قیام است  
ذکر است و سلام است و سلام است، سلام است  
بر خلق، امام است، امام است، امام است  
این گوهر رخشنده دامان سه دریاست  
چارم وصی ختم رُسل، یوسف زهر است

این ماه، چراغ مه شعبان حسین است  
این بضعة ثارالله و این جان حسین است  
این لاله خندان گلستان حسین است  
این آیه به آیه همه قرآن حسین است  
این جان حسین است بدانید بدانید!  
قرآن حسین است بخوانید بخوانید!

خیزید که از اشک و شعف آینه شوئیم  
چون لاله خندان سر هر شاخه بروئیم  
پرواز کنان تا حرم الله بپوئیم  
مانند فرزدق بخروشیم و بگوئیم  
ریزد به ثنایش دُر ناب از دهن ما  
تا شام شود روز «هشام» از سخن ما

این است که توحید از او یافت ولادت  
دارد به وجودش حرم الله ارادت  
داده به مقامش ز ازل کعبه شهادت  
کردند به مهرش همه حجاج، عبادت

این سید و مولا و امام حرمین است  
این سبط نبی، پور علی، نجلِ حسین است

این سوره قدر و زمر و یوسف و طاهاست  
این سید بطحا پسر سید بطحاست  
این نور دل فاطمه ام ابیهاست  
این نوح و خلیل است و کلیم است، مسیحاست  
رخشنده چراغ دل هر انجمن است این  
سر تا به قدم آینه پنچ تن است این

ای یوسف زهرا شده مبهوت کمالت!  
ای عرش خدا گوشه‌ای از قصر جلالت!  
یادآور خلق نبوی، خلق و خصالت  
با آنکه بود حلقه زنجیر مدالت  
با آنکه به گردن اثر سلسله داری  
آقائی و اشراف به هر سلسله داری

غیر از تو که در شام بلا خطبه بخواند  
در حلقه زنجیر، عدو را بکشاند  
در کاخ ستم یکسره آتش بفشاند  
بر خاک مذلت همگان را بنشانند  
تو صاحب فریاد تمام شهدایی  
بر جان ستمگر، شرر خشم خدایی

غیر از تو که در سلسله سخت اسارت  
بر فرق ستمکار زند مشت حقارت؟

ویرانه کند کاخ ستم را به اشارت؟  
تازد به سپاه ستم و ظلم و شرارت؟  
در خطبه تو خشم خدای ازلی بود  
فریاد خروشان خدا صوت علی بود

ای سر زده از سینه هر نسل ندایت  
ای زمزمه وحی خداوند، صدایت  
اسلام، رهینِ نفسِ روحِ فزایت  
در سلسله پیوسته به لب ذکر خدایت  
روزی که نبودی خبری از گل "میثم"  
شد بسته به زنجیر ولایت دل "میثم"<sup>۱</sup>



از سکوتم صدا درست کنید  
ببرید و بیاورید مرا  
در دلم گر بناست خانه کنید  
می شود سنگ دستتان بدهم  
هر چه میل شماست تسلیمیم  
فقر ما را کسی درست نکرد  
بعد از آن که مدینه ام بردید  
از لب ما دعا نمی افتد

ذکر یا ربنا درست کنید  
بلکه از من گدا درست کنید  
اول این خانه را درست کنید  
می شود که طلا درست کنید  
یا خرابم و یا درست کنید  
ای کریمان شما درست کنید  
سفر کربلا درست کنید  
کربلا، کربلا نمی افتد

این قبیله همه شبیه هم اند  
چه نیازی است تا بزرگ شوند  
زنده ام می کنند مثل مسیح  
همه آماده بلا هستند  
عاشقان بیشتر پی نامند  
عاشقان در نگاه آل علی  
دختران قبیله های عرب  
عجمی کرده اند جانان را

این کرم زاده ها چه با کرم اند  
در همان کودکی مسیح دم اند  
بر تن مرده ام اگر بدمند  
جاده های عروج، پیچ و خم اند  
عاشقانی که عاشقند کم اند  
گر اسیرند باز محترم اند  
خادم شهربانوی عجم اند  
آبرو داده اند ایران را

ای مناجات تا خدا رفته  
کیسه کیسه به شانه نان برده  
بی تو معراج هم کسی برود  
بس که در حال سجده افتاده

عرش را تا به انتها رفته  
خانه خانه سوی گدا رفته  
بی وضو محضر خدا رفته  
رنگ پیشانی شما رفته

برکت می‌رسد، غلامت اگر... سر سجادهٔ دعا رفته  
چاره‌ای کن برای ماورنه رمضان، آبروی ما رفته  
آبرو دار پنجم شعبان دارد از راه می‌رسد رمضان

ای مناجاتی سرای حسین! ذکر آمین ربنا ی حسین  
ای تمام صحیفه ات شرح آخرین ناله و دعای حسین  
مقتل تو صحیفه ات باشد داده‌ای شرح کربلای حسین  
کاش مثل تو روضه خون بشویم تا اقامه کنیم عزای حسین  
به زبان دعا بیان کردی چه کشیدند بچه‌های حسین  
آه تیر سه شعبه و حلق طفل معصوم بی خطای حسین  
الامان از حکایت زینب وای از روز ماجرای حسین  
چقدر کریه می‌کنی یعقوب مژده ات ریخته برای حسین  
بعد از آن که بدن مرتب شد سر بنه روی بوریای حسین  
روی قبرش نوشتی یا مظلوم لک روحی فدا ابالمهموم<sup>۱</sup>

سلام عطر خوش دلپذیر سجاده  
سلام دلبر سجده، امیر سجاده  
سلام سفرهٔ پر نعمت دعا خوانی  
سلام سفرهٔ مهمان پذیر سجاده  
سلام تازهٔ شعر و شعور و احساسم  
سلام تازهٔ مریدی، به پیر سجاده  
چقدر دست مرام من از تو خالی شد  
شی که دور شدم از مسیر سجاده  
پیاده می‌شوم این جا کنار اشکم تا  
بیفتم از سر خجالت به زیر سجاده  
و یطعمون علی حبه شما هستید  
منم یتیم و فقیر و اسیر سجاده  
منم فقیر شما یک عطا به من بدهید  
مرا اسیر کنید و خدا به من بدهید

شی که مثل همیشه خدا تو را می‌دید  
و داشت عرش نمازت ستاره می‌بارید -  
چقدر حجم حضورت وسیع و ناپیدا  
که لحظه لحظه در آن جز خدا نمی‌گنجید  
همان شب از نفس سجده‌های پر نورت  
که داشت قامت ابلیس روح می‌لرزید

به شکل افعی خشمی در آمد و آمد  
به گرد پای حضور تو داشت می چرخید  
و نیش هم زد و تا از حضور در آیی  
ولی چگونه شود نور منفک از خورشید  
تو هم علیّ خدایی و محو محو خدا  
که تیر و نیش ندارد به عشق تو تردید  
و ناگهان پس از آن اتفاق رویایی  
عبای سبز خودش را خدا به تو بخشید  
چنان به رحمت خود موج زد به خاطر تو  
که بر سواحل پیشانیت صدف پاشید  
و بعد روی صدف‌ها به رنگ آب نوشت  
از این به بعد شما زین العابدین هستید  
از این به بعد نه، از قبل عالم ذر بود  
که سجده‌های تو در ساق عرش محشر بود

بهشت قطعه‌ای از تربت زمینت بود  
و عرش آینه‌ای از دل یقینت بود  
فرات کوفی، ابو حمزه ثمالی‌ها  
زیاد از این صلحا توی آستینت بود  
صدای آیه تریل تو که می آمد  
خدا هم عاشق اصوات دلنشینت بود  
هزار رکعت، هر شب نماز می خواندی  
نماز یکسره مهمان شب نشینت بود  
هزار دسته ملک در صف عبادت تو  
گدای روز و شب زین العابدینت بود

همیشه خاطره عمه در دلت می سوخت  
و عکس قافله در چشم نازنینت بود  
در آن غروب که عمه اسیر اعدا شد  
دل تو خون و شد و سجاده تو دریا شد

چقدر آیه بریزد خدا به نام شما  
چقدر معرفت آرد همین سلام شما  
مرورتان به خدا از همیشه تازه تر است  
برای هر که بخواند به احترام شما  
کنار جاده دنیا پیاده گردیدم  
فقط برای عبودیت مقام شما  
به احترام شما از خدا طلب کردم  
مرا برد به بهشت پر از کلام شما  
کنار مادرتان هم غذا نمی خوردید  
چقدر درس ادب دارد این مرام شما  
اگر کرامت عالم به دست‌های شماست  
منم گدای شما و منم گدای شما  
منم گدای شما و گدای مادرتان  
شوم فدای شما و فدای مادرتان

رسیده اید از آن سوی باور ایمان  
به روی دوش گرفتید سوره انسان  
منم که سوره افتاده از نگاه توام  
منم که دور شدم از نگاه الرحمان  
چه می شود که نگاهی به ما کنید آقا  
که اسم ما بخورد بر کتیبه باران



که یک نفس بزنی تا دلم بهشت شود  
که یک نفس بزنی تا دلم بگیرد جان  
صحیفه‌های دعا را به من بیاموزان  
که از دل کلمات در آورم قرآن  
خدا که اسم تو را یاد داد بر آدم  
منم صدات زدم، صدا زدم با آن -  
دو اسم ناز و قشنگت یکی به نام علی  
یکی به نام حسین، یابن سید العطشان  
علی ترین پسر کربلا نگاهم کن  
مرا ستاره ستاره اسیر ماهم کن

در رحمت ز عرش تا وا شد  
رخ یوسف نشانمان دادند  
صفحات صحیفه نوری  
نفسی زد کسی و بعد از آن  
رخ خود را نشان عالم داد  
قلمم استعاره کم آورد  
به زمین ماه مشرقین آمد  
پر پروازمان محیا شد  
دل مجنونمان زلیخا شد  
ورقی خورد و عشق معنا شد  
تن دنیای مرده احیا شد  
همه اعتبار دنیا شد  
رخ زیباش تا هویدا شد  
علی دوم حسین آمد

شب اربابمان سحر دارد  
همه از شوق نور رسیده او  
شب رویاست نخل امید  
دل بابا عجیب پر شور است  
ز نگاهش عموی بی تابش نتوانست چشم بردارد  
سربوسیدن لبان پسر  
و به کوری چشم بد نظران  
به دعایش دخیل بسته شده  
به روی دامنش قمر دارد  
به لبش خنده ای اگر دارد  
پدر و مادری ثمر دارد  
و خدا از دلش خبر دارد  
پدرش میل بیشتر دارد  
پدری باز هم پسر دارد  
پری از جبرئیل بسته شده

بیایید عشق را عبادت کنیم  
به سجاده عرض ارادت کنیم  
در این خشک سال صداقت شی  
دو رکعت محبت تلاوت کنیم  
«تمام عبادات ما عادت است  
به بی عادتگی کاش عادت کنیم»  
بیایید نوبت بگیریم و بعد  
صف عاشقی را رعایت کنیم  
همین که در این صف نشستیم پس  
بیایید شکر ولایت کنیم  
شب سوم عاشقی‌های ماست  
دوباره کمی عشق نیت کنیم  
مجال عبادت به عالم رسید  
بهار مناجاتیان هم رسید

به چشم زمین تا که مهمان شدی  
به عمر پدر راحت جان شدی  
تو از مادری آریایی نژاد  
و از ما و فرزند ایران شدی  
عجم با تو شانی دگر یافت چون  
تو فامیل با شهر سلمان شدی

پراز لحظه‌های رکوع و سجود  
و تندیس خاکی ایمان شدی  
تو هستی؛ قناعت چه معنا دهد  
مگر نه که لبریز احسان شدی  
کریمانه ما را بجز حضرت‌تا  
تو که آبروی کریمان شدی  
نو شتم که مهتاب من آمده  
علی ابن ارباب من آمده

تو آمدی معنا کنی معنا شدن را  
 زیبا کنی زیبایی و زیبا شدن را  
 وقتی خدا می‌خواست با تو گل کند، تو  
 ترسیم کردی گل شدن را و شدن را  
 تو آمدی تا حضرت آدم نخواهد  
 زین پس اسیر جذبه حوّا شدن را  
 آرامش چشم تو یاد نوح داده است  
 کشتی نشستن را و بر دریا شدن را  
 تو آمدی هنگام از دریا گذشتن  
 موسی بیابد علت موسی شدن را  
 عیسی، مسیحا بودنش را از تو دارد  
 حتی دلیل حضرت عیسی شدن را  
 ای نور چشم آل طاها! آمدی تا  
 بر خود ببالد فاطمه زهرا شدن را  
 تو آمدی تا دختر حیدر بخواند  
 در چشم هایت زینب کبری شدن را  
 وقتی لبانت را مکید از شوق، عباس  
 فهمید آنجا حکمت سقا شدن را  
 تو خنده کردی و حسین بن علی یافت  
 در خنده هایت لذت بابا شدن را  
 تو افتخار و زینت عبّاد هستی  
 ابن‌الحسینی حضرت سجاد هستی

دست قنوتت ربّنا را نور داده است  
شور تو اهل آسمان را شور داده است  
چشم تو خورشید تمام کهکشان هاست  
از هر کجا تا نا کجا را نور داده است  
طرز رکوعت، شیوه ذکر و سجودت  
دست عبادت پیشه‌گان منشور داده است  
این، دانه‌های اشک یا تُنگ شراب است  
آن چشم‌ها انگار که انگور داده است  
می خواست تا قسمت کند حق مستیت را  
هر جام را اندازه مقدور داده است  
نطق مرا در وصف تو گویا نموده است  
اصلاً زبان را هم به این منظور داده است  
غارت مکن قلب مرا با چشم هایت  
زخمی است این دل بس که نیشابور داده است  
من، بد، ولی در بین خواهان تو ایزد  
هم وصله‌های جور هم ناجور داده است  
تو آمدی بانگ مبارک باد برخاست  
از قدسیان فریاد یا سجاد برخواست<sup>۱</sup>



## فصل چهارم، میلاد حضرت علی اکبر علیه السلام

باز هم آسمان این خانه شب پر رفت و آمدی دارد  
باز هم کوچهی بنی هاشم بوی عطر محمدی دارد

کار چشم تو مبتلا کردن خاک را با نظر طلا کردن  
این زلیخای نفس ما یوسف! عاشق توست هر بدی دارد

خَلَقَ تو خُلِقَ تو تعالی الله! چه شکوهی ست در تو یا الله!  
این علی تا که می‌رسد به خدا صلوات محمدی دارد



این خانواده یوسفان بی بدیلند  
هر یک برای خویش خورشیدی جمیلند  
جاری ترین رودند در رگ‌های دنیا  
بهتر بگویم صد هزاران رود نیلند  
فرقی ندارد سنّ شان کم یا زیاد است  
کم سن و سالش عمر صد نوح و خلیلند  
بر هر نخ موی علی‌های قبیله  
صدها فرشته با وضو هر شب دخیلند  
بی پرده گویم کمترین هاشان مسیحند  
در معرفت استاد درس جبرئیلند  
در این میان یک تن شبیه مصطفی بود  
او هم علیّ خانّه ارباب ما بود

امشب زمین را عرش اعلی کردی اکبر  
با مقدمت یکباره غوغا کردی اکبر  
لبخند تو در سینه‌ها قند آب کرده  
با خنده لب‌ها را ز هم وا کردی اکبر  
از بس که مثل مصطفی جذاب هستی  
در هر دلی خود را عجب جا کردی اکبر  
وقتی که چشم خویش را از هم گشودی  
اول تو سقا را تماشا کردی اکبر



تو آمدی و پادشاه کربلا را  
با مقدمت امروز با با کردی اکبر  
زیباترین نام جهان را بر تو بگذاشت  
بعد از تو این دنیا دوباره یک علی داشت

امشب همه بر پای تو سر می‌گذارند  
در باطنت خُلق پیمبر می‌گذارند  
امشب به یمن مقدم پاک تو آقا  
در سفرهٔ عشاق کوثر می‌گذارند  
از بس که تو والا مقامی و بزرگی  
بر نام تو پسوند اکبر می‌گذارند  
بر کاسهٔ اسپند خورشیدی عمه  
اسپند نه! هر لحظه اختر می‌گذارند  
وقتی در آغوش ابا الفضلی ملائک  
بر پایتان از شوق شه پر می‌گذارند  
بعد از تو آقا در صف زیبا جمالان  
بیچاره یوسف را در آخر می‌گذارند  
ای شاه زاده شاه را بی‌تاب کردی  
خورشید را هم از خجالت آب کردی

با دیدنت خون خدا لبخند می‌زد  
هر لحظه بوسه بر رخ فرزند می‌زد  
وقتی که جبرائیل لب‌های تو را دید  
با شهد لب‌های تو زین پس قند می‌زد  
تا ریشه‌هایت را در عالم دید ارباب  
این ریشه‌ها را با علی پیوند می‌زد

می خواست تا پیروز میدان باشد عباس  
نام تو را در صفحه سربند می زد  
وقتی که خاک زیر پایت را زمین دید  
قید تمام عرش را سوگند می زد  
خورشید از دامان لیلا سر زد امروز  
پیغمبر و حیدر به دنیا آمد امروز

آئینه پیغمبر اکرم تو هستی  
هر کس نداند من که می دانم تو هستی  
ساقی کوثر حضرت مولاست اما  
از روز اول ساقی زمزم تو هستی  
هم حیدر کراری و هم مصطفایی  
با این وجود عشق همه عالم تو هستی  
شمشیر پیغمبر علی روحش حسین است  
در دست او انگشتر خاتم تو هستی  
تو آمدی تا عشق در عالم بریزی  
کربلا را با دمت بر هم بریزی

رفتی و زینب بعد تو چشمان تر داشت  
دستی به پیشانی و دستی بر کمر داشت  
داغ تو سنگین بود که ارباب افتاد  
زخم عمیقی از غمت روی جگر داشت  
رفتی و گفتم من علی، عشق حسینم  
این بردن نام علی خیلی خطر داشت  
می خواست با مرگ تو مولا هم بمیرد  
وابستگی را به بابایت خبر داشت

فهمید که نامت علی بن الحسین است  
سنگین ترین تیری که آورده ست برداشت  
رفتی و بابای تو خیلی غصه می خورد  
عمه نمی آمد یقین پیش تو می مرد



شب ولادت تو عید سیدالشهداست  
دل خوش است که میلاد اکبر لیلاست  
تو آمدی که بگویی حسین تنها نیست  
و تا قیام قیامت حسین پا برجاست  
همین که چشم تو وا شد مدینه روشن شد  
به یمن خاک کف پای تو که عرش خداست  
مسیح خانهٔ اربابمان تویی آقا  
چرا که در رگ تو خون حیدر و زهراست  
ستاره‌ها همه امشب به خاک می‌ریزند  
و مقصد همه پایین پای کربلاست  
خدا به روی تو امشب گلاب می‌ریزد  
برای این که لبث مشک حضرت سقااست  
برای مادر تو کعبه‌ای بنا کرده  
دو چشم زمزم این گونه‌ها که سعی و صفاست  
شب ولادت تو بوی یاس می‌آید  
یقین بدان تو که مادر بزرگ تو این جاست  
تو در حوالی بالاترین دنیایی  
چرا که مهد تو آغوش زینب کبراست  
تویی که راه نجات از ننگات معلوم است  
و تار موی تو تا روز حشر پرچم ماست  
تو هم شبیه علی افتخار میکده‌ای  
علی خانهٔ اربابمان خوش آمده‌ای

لب تو وا شد و تاریخ را مصفا کرد  
تو را خدای تو تقدیم دست لیلا کرد  
تو را برای حسین آفرید و کربلا  
و بعد صحنه جنگ تو را مهیا کرد  
برای این که تو عین پیامبر باشی  
تو را شبیه پیامبر امیر دل‌ها کرد  
رخ تو را ز رخ مصطفی کشید خدا  
و بازوان تو را بازوان مولا کرد  
اذان که گفت در گوش تو امیر عرب  
تو را هوائی دیدار روی زهرا کرد  
به روی سینۀ تو تا که بوسه زد زینب  
فضای قلب تو را مثل طور سینا کرد  
به بازوان تو وقتی نظر نمود حسین  
دلاوری تو را هم تراز سقا کرد  
همین که روی تو باشد از آسمان، خورشید  
نشست روی قشنگ تو را تماشا کرد  
تویی که در نفست یک جهان غزل داری  
به روی باغ لب‌ت کوهی از عسل داری

کسی مثال تو آئینهٔ پیامبر نیست  
و یا شبیه تو مثل علی دلاور نیست  
تو آمدی و شبیه ولادت زهرا  
خدا نوشت به دل‌ها حسین ابتر نیست  
تمام عرش اگر روی کف‌های باشند  
به تار موی گدای درت برابر نیست

همیشه تیغ تو چون رعد و برق می‌برید  
چرا که تیغ تو از ذوالفقار کمتر نیست  
هزار لشکر جنگی هزار فرمانده  
حریف ضربه دست علی اکبر نیست  
مرا به خاک درت نوکری ست اربابی  
چرا که خاک درت کمتر از ابوذر نیست  
ز خاک پای تو جوشید چشمه کوثر  
مقام حضرت لیلا که مثل هاجر نیست  
تو آمدی که اذان نمازها باشی  
تو آمدی که گل یاس کربلا باشی

منم گدای قدیمی دست‌های شما  
من آفریده شدم تا شوم گدای شما  
تو بوتراب حسینی پیمبر لیلا  
مسیر سبز بهشت است چشم‌های شما  
ز روی مأذنه امشب اذان بگو آقا  
که خلق بیمه شوند از دم صدای شما  
اگر مقام تو گویم به خلق می‌میرند  
هزار یوسف مصری نشسته پای شما  
کرامت تو شبیه امام دوم بود  
مدینه سیر شد از نان سفره‌های شما  
معلمان ادب راویان مکتب عشق  
گرفته اند همه یک نخ از عبای شما  
بیا مرا برسان مثل حضرت فطرس  
پری بده بپریم باز در هوای شما

به جان مادرت آقا صداقت است اگر  
شبی مرا برسانند کربلای شما  
وضو گرفته و ذکر حسین می‌گیرم  
به سر زنان وسط‌گریه هام می‌میرم<sup>۱</sup>



می آیی و لیلا شده مجنون عطر و بوی تو  
دستی به رویت می کشد، یک دست بر گیسوی تو  
نه بر نمی دارد کسی یک لحظه چشم از روی تو  
یک چشم زینب بر حسین آن چشم دیگر سوی تو  
هم باده نوش کوثری، هم مست از جام علی  
باز، ای محمد! می رسی، این بار با نام علی

یا رب و یارب ساغرت، یا حق و یا حق بادهات  
از مستی لب های تو میخانه شد سجادهات  
یک دم علی گل می کند در آن لباس سادهات  
یک دم محمد می رسد با زلف تاب افتادهات  
می آید از در مصطفی امشب که مستم با علی!  
حالا که تو هر دو شدی پس یا محمد! یا علی!

تسبیح زیباییت دل روح الامین را می برد  
آن قد و بلایت دل اهل زمین را می برد  
ناز قدم هایت دل سلطان دین را می برد  
موج نگاهت کشتی اهل یقین را می برد  
غرقند قایق های ما در بهت اقیانوس تو  
بال ملک می سوزد از «با نور و یا قدوس» تو



وقتی رجز خوان می‌شوی، انگار حیدر می‌رسد  
یک لافتای دیگر از نسل علی سر می‌رسد  
ای نسخه دوم! که با اصلش برابر می‌رسد  
پیش تو می‌لرزد زمین، گویی که محشر می‌رسد  
صف می‌کشد یک شهر تا شاید تماشایت کند  
مه می‌رسد تا یک نظر در صبح سیمایت کند

شهزاده! دل را می‌بری از شهر با یک گوشه لب  
ای مرد! تو یا یوسفی یا احمدی، یا للعجب!  
چشم انتظارت کوچه‌ها، ای ماه زیبای عرب!  
صبح یتیمان می‌رسد تا می‌رسی تو نیمه شب  
دستان تو میراثی ست از دست کریم مجتبی  
اصلاً تو گلچینی شدی از گلشن آل عبا

تا پرده‌های خیمه را ماه جوان وا می‌کنی  
هم دشمن و هم دوست را غرق تماشا می‌کنی  
با شرم و خواهش یک نظر در چشم بابا می‌کنی  
از او چه می‌خواهی؟ چرا این پا و آن پا می‌کنی؟  
ای کربلایی این تو و این لحظه‌ی دلخواه تو  
ای شیر مست هاشمی این جاست جولانگاه تو

می‌خواستت در خاک و خون اصلاً خدای کربلا  
اصلاً سرشتت از گلی خونین برای کربلا  
تا باز باشی بهترین، در روضه‌های کربلا  
اما در این توفان امان از ناخدای کربلا  
با خواهش چشمان تو تا اذن میدان می‌دهد  
با رفتنت آرام جان! دارد پدر جان می‌دهد!





## فصل پنجم، میلاد حضرت رقیه علیها السلام

زمین دوباره پر از آیه‌های کوثر بود  
تمام شهر پُر از بوی عود و عنبر بود  
به ناز مقدم یاسی به عطر دل کش سیب  
تمام پهنهٔ ارض و سما معطر بود  
به گرد ماه و جودش ستاره می‌گردید  
مهی که یک سر و گردن ز ماه هم سر بود  
برای آن که قدم روی خاک نگذارد  
فرشته ریخته بود و زمین پُر از پَر بود  
عجیب نیست که این قدر شاه بوسیدش  
به جان فاطمه خیلی شبیه مادر بود  
سروده شد غزل عاشقانهٔ ارباب  
رسید باب حوائج به خانهٔ ارباب

دوباره فاطمه‌ای پای در رکاب زده  
کرشمه کرده طعنه به ماهتاب زده  
برای آن که مبادا نظر کنند او را  
حسین فاطمه بر چهره اش نقاب زده  
مسیر آمدنش را زد عمه جان جارو  
به اشک شوق عمو، خاک کوچه آب زده

بگو به ماه فلک دیدهٔ حسودت کور  
که بوسه بر روی این ماه آفتاب زده  
سه سال آمد و پر زد از آن زمان تا حال  
فلک به خاطر رؤیاش سر به خواب زده  
سروده شد غزل عاشقانهٔ ارباب  
رسید باب حوائج به خانهٔ ارباب

کلید کار گشائی است بین دستانش  
شمیم یاس گرفته تمام دامانش  
فدای آن حرم کوچک و تماشائیش  
که جبرئیل نشسته است روی ایوانش  
از این طرف به هیاهوی شام و از آن سو  
به سمت عرش خدا می‌رود خیابانش  
سه ساله است ولی می‌شود زیارت کرد  
به جای فاطمه و آن مزار پنهانش  
به دست خالی و آه دل و به رشتهٔ عشق  
دخیل بسته دلم بر ضریح چشمانش  
سروده شد غزل عاشقانهٔ ارباب  
رسید باب حوائج به خانهٔ ارباب

دلم به پیش حضور تو اعتکافی شد  
که عشق‌های دگر پیش من خرافی شد  
سه صفحه خورد ورق از کتاب تو اما  
نشان فاطمه بر جلد آن صحافی شد  
سه ساله بودی و یاد آور غم زهرا  
و لحظه لحظهٔ آن روضه مو شکافی شد

تمام کینه حیدر به روی بابایت  
و بغض فاطمه روی سرت تلافی شد  
غلاف و سلسله و تازیانه بود اما  
سنان و کعب نی و خار هم اضافی شد  
طواف حاجیه خانوم سیدالشهدا  
به دور کعبه سر بود عجب طوافی شد  
سروده شد غزل عاشقانه ارباب  
رسید باب حوائج به خانه ارباب

داشت آن روز زمین قصه‌ای از سر می‌خواند  
قصه‌ دیگری از یاس معطر می‌خواند  
رخ مولود چنان با رخ مادر می‌خواند  
که پدر زیر لبی سوره‌ کوثر می‌خواند  
خانه غوغا شده، انگار زمان برگشته  
نکند حضرت زهرا به جهان برگشته

نه فقط دور و بر خانه او همه است  
عرض تبریک به ارباب برای همه است  
زینب آئینه به کف بر لبش این زمزمه است  
به خدا خون علی در رگ این فاطمه است  
دختری که نفسش جلوه زهرا دارد  
پدرش بوسه به دستش بزند جا دارد

فاطمه پر زده اما برکاتش باقی است  
راه باز است ببینید صراطش باقی است  
هم خدا هست هم این قوم حیاتش باقی است  
حال اگر نیست پیمبر صلواتش باقی است  
کار خورشید به ناخواه درخشندگی است  
کار هر لحظه این طایفه بخشنندگی است

تو که بالای سرت نور امامت داری  
جزء این طایفه‌ای دست کرامت داری  
محشری گشته به پا باز قیامت داری  
چون که بر دوش اباالفضل اقامت داری  
وقت پرواز تو افلاک به هم می‌ریزد  
تا می‌آیی به زمین خاک به هم می‌ریزد

آمدی نازترین یاس معطر باشی  
در دل خسته ما عاطفه پرور باشی  
آمدی چند بهاری گل اکبر باشی  
نفسی هم شده هم بازی اصغر باشی  
باز لبخند بزن عشق خریدار تو است  
کاشف الکرب اباالفضل شدن کار تو است

تو که در دلبری از ما مثل بابایی  
اسم بابا که می‌آری غزل بابایی  
چشم بد دور چه شیرین بغل بابایی  
ساده، شیرین و صمیمی، عسل بابایی  
دم به دم می‌وزد از هر نفست بوی بهشت  
دختر حضرت اربابی و بانوی بهشت

زائری آمده در قلب تو جا می‌خواهد  
صحن زیبای تو را دیده، صفا می‌خواهد  
یک نفر آمده و اذن دعا می‌خواهد  
او مسیحی است ولی از تو شفا می‌خواهد  
باز با شوق یکی چادر کوچک آورد  
دختری نذر نگاه تو عروسک آورد



## فصل ششم، میلاد امام زمان عجل الله فرجه

باز هم روح الامین دارد غزل می آورد  
صنعت ایهام و تشبیه و بدل می آورد  
تا شود ابیات شعر من کمی دلچسب تر  
واژه واژه بر لبم جام عسل می آورد  
شعر شیرین مرا شور عجیبی داده است  
واژه نابی که در چندین محل می آورد  
چیست آن واژه که همراه ادایش جبرئیل  
جمله «حی علی خیر العمل» می آورد  
در میان شعرهای شاعران اهل بیت  
دائماً این بیت را ضرب المثل می آورد:  
یوسف مصری کجا و یوسف زهرا کجا؟!  
جلوه قطره کجا و جلوه دریا کجا!؟

کوچه‌های شهر را امشب چراغانی کنید  
عرش را و فرش را آینه بندانی کنید  
آمده نور دل انگیزی به سمت سامرا  
باید امشب کوچه‌ها را خوب نورانی کنید  
طبق رسم فصل حج، مثل تمام حاجیان  
جان ما را پیش پای یار، قربانی کنید

از خَم ابروی او صدها خُم می، می چکد  
باید امشب خلق را انگور مهمانی کنید  
دیدن روی سلیمان کار آسانی که نیست  
باید اوّل خوب از این مُلک، دریانی کنید  
هر که باشد نوکر تو زود آقا می شود  
خود به خود با یک نگاه تو مسیحا می شود

یوسف زهرا تویی حُسن ختام اهل بیت  
نام تو زیباست ای مرد قیام اهل بیت  
السَّلَام ای حُجَّةَ اللَّهِ ای امام منتظر  
لحظه لحظه می رسد بر تو سلام اهل بیت  
از پیمبر تا امام عسگری، در عصر خود  
نقل کردند این که هستی التیام اهل بیت  
می رسد آن روز که با ذوالفقار مرتضی  
می رسی تا که بگیری انتقام اهل بیت  
مرتضی، زهرا، حسن، خون خدا، پیغمبری  
می بری با جلوه ات دل از امام عسگری

نیمه شعبان که می گردد عیان، صاحب زمان  
می کند گل بر لب پیر و جوان، صاحب زمان  
اشهد انّ که هستی تو امام آخرین  
می وزد از هر مناره این اذان، صاحب زمان  
تشنه هستم تشنه یک جرعه دیدار تو  
وعده گاه ما شبی در جمکران، صاحب زمان  
می رسی یک روز ای خورشید پشت ابرها  
می کنی پیدا مزار بی نشان، صاحب زمان





با ظهورت می‌شود خوشحال زهرا مادرت  
پیش مرگت می‌شود آن لحظه آقا نوکرت

العجل آقا! بیا چشم انتظاری‌ها بس است  
در فراق اشک‌ها و بی‌قراری‌ها بس است  
اشک‌های ما که یک لحظه به درد تو نخورد  
نال‌ها و ضجه‌ها و گریه‌زاری‌ها بس است  
تا به کی جمعه به جمعه ذکر ندبه سر دهیم  
ندبه و خون دل و شب زنده داری‌ها بس است  
معصیت، پاکی دوران جوانی را گرفت  
ما جوان‌ها را کمک کن، شرمساری‌ها بس است  
باید آقا درد غربت را فقط فریاد کرد  
گوشه‌گیری‌های ما و راز داری بس است  
با ظهور خود بیا و مادرت را شاد کن  
قلب ویران مرا با مقدمت آباد کن<sup>۱</sup>



سینه‌ام آباد گل نرگس است    دل خوش امداد گل نرگس است  
یاد خدا یاد گل نرگس است    شب شب میلاد گل نرگس است  
دل به ولای گل نرگس ببند  
بهر ظهورش صلواتی بلند

محو تماشای تو بودن خوش است    غرق تمنای تو بودن خوش است  
واله و شیدای تو بودن خوش است    خاک کف پای تو بودن خوش است  
گر که لب یار دلم وا شود  
صد گره از کار دلم وا شود

ای که ولای تو شده یاورم    خاک سر کوی تو تاج سرم  
ناز تو را با دل و جان می خرم    ای به فدایت پدر و مادرم  
کاش شوم مورد تایید تو  
مست شوم از می توحید تو

غنچه به یاد تو شکوفاتر است    دل به امید تو شکیباتر است  
گفته نبی عشق تو گیراتر است    مهدی من از همه زیباتر است  
باعث آرامش دل‌ها تویی  
عشق علی یوسف زهرا تویی

ای که ولای تو مرا دین شده    قلب من از عشق تو آذین شده  
عاشق عشق تو خدا بین شده    زمزمه روز و شبم این شده

منتظران را به لب آمد نفس  
ای شه خوبان تو به فریاد رس

ای که جمال تو نصیبم نشد دیدن خال تو نصیبم نشد  
وصف کمال تو نصیبم نشد گر چه وصال تو نصیبم نشد  
صبح و مسا رو به خدا می‌کنم  
بهر ظهور تو دعا می‌کنم

دل شده شیدای تو یابن الحسن غرق تمنای تو یابن الحسن  
خانه دل جای تو یابن الحسن گریه شب‌های تو یابن الحسن  
برده قرار از دل افلاکیان  
بی خبر از حال تواند خاکیان

یوسف دل ترک سفر کی کنی؟ کاخ ستم زیر و زبر کی کنی؟  
باز در فتح و ظفر کی کنی؟ شام غم هجر، سحر کی کنی؟  
صوت دل آرای تو بشنیدنی ست  
خیمه سبزت به خدا دیدنی ست

کاش که من از تو خبر داشتم از غم تو دیده تر داشتم  
کاش که در پای تو سر داشتم بر رخ ماه تو نظر داشتم  
کاش که در دولت هم عهدیت  
بشنوم آوای انا المهدیت<sup>۱</sup>

۱. سید مجتبی شجاع

ای آخرین امید رسالت خوش آمدی  
خورشید آسمان عدالت! خوش آمدی  
سر تا به پات قدر و جلالت! خوش آمدی  
بنیان‌کن اساس ضلالت! خوش آمدی  
با مقدم تو گشت زمین رشک آسمان  
عجل علی ظهورک یا صاحب الزمان

اسلام با ولادت تو باز جان گرفت  
روی ندیده تو دل از آسمان گرفت  
دین با ولایتت شرف جاودان گرفت  
«حسنّت به اتفاق ملاحظت جهان گرفت»  
جاء الحقت رسید به گوش جهانیان  
عجل علی ظهورک یا صاحب الزمان

ای از خدا سلام به جسم و به جان تو  
آوای وحی می‌شنوم از زبان تو  
دل برده از پدر ز ملاحظت بیان تو  
قرآن بخوان که بوسه زند بر دهان تو  
ای عمر وحی از نفست گشته جاودان  
عجل علی ظهورک یا صاحب الزمان

می‌لاد تو ولادت خوبان عالم است  
عید هزار موسی و عیسی بن مریم است  
می‌لاد اهل بیت رسول مکرم است  
می‌لاد دیگر شهدای مکرم است  
می‌لاد سیدالشهدا را دهد نشان  
عجل علی ظهورک یا صاحب الزمان

باز آ که اولیای خدا چشم‌شان به توست  
یاران سیدالشهدا چشم‌شان به توست  
سرهای تشنه گشته جدا، چشم‌شان به توست  
مکه، مدینه، کرب و بلا چشم‌شان به توست  
کعبه گشوده چشم به راه تو همچنان  
عجل علی ظهورک یا صاحب الزمان

ما از تو دور و جای تو پیوسته بین ماست  
روی ندیده‌ات همه جا نور عین ماست  
چشم انتظار ماندن ما دین و دین ماست  
جمعه گواه ناله این الحسین ماست  
یک جمعه این سوال نیفتاده از زبان  
عجل علی ظهورک یا صاحب الزمان

تو خود شبان و این رمه در انتظار توست  
چشم جهانیان همه در انتظار توست  
مولاً! بیا که فاطمه در انتظار توست  
خورشید نهر علقمه در انتظار توست  
بر بازوی عموی خود این جمله را بخوان  
عجل علی ظهورک یا صاحب الزمان

تو غایبی و خلق جهان در حضور توست  
ملک خدای عزوجل غرق نور توست  
جای تو خالی است و جهان پر ز نور توست  
آقای عیدها همه روز ظهور توست  
از چشم ما نهانی و در عالمی عیان  
عجل علی ظهورک یا صاحب الزمان

بی تو شب سیاه شده روزگار ما  
بی تو شده است خنده گل نیش خار ما  
رنگ خزان گرفته سراسر بهار ما  
باز آی ای قرار دل بی قرار ما  
باز آ که ذکر ما شده الغوث الامان  
عجل علی ظهورک یا صاحب الزمان

کی می شود که پای به چشم بشر نهی؟  
عمامه رسول خدا را به سر نهی  
بر قلب دشمنان ولایت شرر نهی  
تا یک نظر به جانب اهل نظر نهی  
رخ بر تمام منتظرانت دهی نشان  
عجل علی ظهورک یا صاحب الزمان

ای زخم پیکر شهدا بی قرار تو  
چشم علی به دست تو و ذوالفقار تو  
فریاد انتقام شهیدان شعار تو  
لبخند می زند عموی شیرخوار تو  
کای دست انتقام خداوند لامکان!  
عجل علی ظهورک یا صاحب الزمان

دست حقی و کاتب لوح و قلم تویی  
بهر ظهور، بین امامان علم تویی  
بگشای رخ که هادی کل امم تویی  
مولا! بیا! بیا! که امام حرم تویی  
گوید بلال بر تو به بام حرم اذان  
عجل علی ظهورک یا صاحب الزمان

ای دست اولیای الهی به دامت  
جوشن کبیر در صف پیکار جوشنت  
پیراهن حسین، برازندهٔ تنت  
«میثم» تمام چشم شده بهر دیدنت  
چشمش بود به راه تو، اشکش به رخ روان  
عجل علی ظهورک یا صاحب الزمان<sup>۱</sup>



تا که گردیدم آشنای سحر  
 بین سجاده تربتم گل شد  
 دست خالی نمی رود هرگز  
 تو امام شکسته دل هایی  
 بوی وصل تو می کنم احساس  
 چشم امید ما گنه کاران  
 ریشه مشکلات ما این است  
 گره از کار واکند بی شک  
 شب شب هم زبانی یار است

شده دلم وادی صفای سحر  
 با نم اشک و گریه های سحر  
 آن کسی که شده گدای سحر  
 صاحب سفره عطای سحر  
 از نفس های جان فزای سحر  
 بوده بر سوز یک دعای سحر  
 دلمان نیست مبتلای سحر  
 ناله های گره گشای سحر  
 درد ما غفلت از تو دلدار است

بی جهت نیست در نوایی تو  
 این نشد رسم انتظار فقط  
 تو ز اجداد خود غریب تری  
 بارها سر زدی به غفلت ما  
 دست ما را گرفتی و رفتی  
 هم چونان مادرت تمامی شب  
 برگنه کارها دعا کردی  
 شک ندارم که هر شب جمعه  
 تحت قبه چه ناله ها بکنی

ما چه کردیم تا بیایی تو  
 نعره ها می زخم کجایی تو  
 بی کس و یار و آشنایی تو  
 شاهد کوه ادعایی تو  
 چون کریم و گره گشایی تو  
 تا سحر دست بر دعایی تو  
 بس که آقا و با وفایی تو  
 زائر دشت کربلایی تو  
 خود برای فرج دعا بکنی

جلوات پیمبری داری  
 بین اولاد حضرت زهرا

از همه خلق برتری داری  
 دلربایی دیگری داری





نقش بازوی توست جاء الحق  
ذوالفقار از تو جان بگیرد باز  
کرم تو گدا نواز بود  
از تمام پیمبران خدا  
از همه برگزیدگان خلق  
تو کجا و عزیز مصر کجا  
تویی حُسن ختام اهل البیت

تا بگویی چه محوری داری  
چون تجلی حیدری داری  
دست اکرام مادری داری  
یک نشان بهر رهبری داری  
در رکابت تو لشگری داری  
چون خداوند مشتری داری  
بر تو باشد سلام اهل البیت

سامرا از تو آبرو دارد  
در دیوار خلوت سرداب  
کاسه چشم مانده بر راهت  
تو گل نرگسی و عرش دلم  
چه کنم این دل گرفتارم  
بین محراب و نیمه‌های شب  
نیمه شد ماه، ماه من برگرد

حرف ناگفته در گلو دارد  
با نم اشک تو وضو دارد  
باده‌ای ناب در سبو دارد  
با نفس‌هات رنگ و بو دارد  
دیدن رویت آرزو دارد  
دل من با تو گفتگو دارد  
رحم بنما به آه من برگرد

پسر ناز حضرت نرجس  
روزی خویش بردم عمری از  
ذکر تسبیح‌تان به گهواره  
بارها دیده‌ام به زندگی‌ام  
خواستگاری فاطمه سندیست  
آمد از عرش تک کنیز خدا  
روح تو حید جלוهای بنمود  
مادرت هم ردیف لیلا شد

قبله راز حضرت نرجس  
سفره باز حضرت نرجس  
بال پرواز حضرت نرجس  
دست اعجاز حضرت نرجس  
بهر اعجاز حضرت نرجس  
تا کشد ناز حضرت نرجس  
گاه ابراز حضرت نرجس  
آخرین نو عروس زهرا شد

نیمه‌شب بود یاکه وقت سحر  
مادر آمد ولی به دیده تر

آمد و دید بین گهواره  
 رو به سوی امام کرده و گفت:  
 پاسخ آمد که غم مخور نرجس  
 بال جبریل بالش سر اوست  
 جای او امن و کام او پر شیر  
 مادری بین خیمه می چرخید  
 هاجر کربلا چه چاره کند  
 ناگهان در حرم به خود لرزید  
 چون که هر بار هلله کردند  
 دختری زد صدا رباب بیبا  
 وقتی آمد که قبر حاضر بود  
 جای تو خالی است ای دلبر  
 پسرم نیست چاره ای آخر  
 گشته مهمان حضرت داور  
 در طوافش ملائکه یک سر  
 السلام علی (علی اصغر)  
 دست بر روی سر، دل مضطر  
 سینه بی شیر... انتظار پسر  
 می کند از چه هلله لشگر  
 به هدف خورده تیرهای سه پر  
 پشت خیمه به پاشده محشر  
 غرق خون طفل روی دست پدر<sup>۱</sup>



امشب خبر ز عالم بالا رسیده است  
زیباترین ستاره دنیا رسیده است  
امشب حکیمه باش و ببین پور عسکری  
با هیبت و شمایل طاها رسیده است  
در او خلاصه گشته خصال پیمبران  
موسی رسیده است، مسیحا رسیده است  
جبریل با هزار فرشته از آسمان  
کرده نزول، بهر تماشا رسیده است  
سر را بُرید یوسف کنعان به جای دست  
وقتی شنید یوسف زهرا رسیده است  
امشب دلم به مأذنه این گونه داد آذان  
عَجَلْ عَلٰی ظُهُورِكَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ

در پیش سرو قامت تو، تا شدن خوش است  
در فصل غیبت تو شکیبیا شدن خوش است  
دست کسی به دامن نرجس نمی رسد  
وقتی صدف به گوهر یکتا شدن خوش است  
روزی امیرزاده و روزی کنیز شد  
حالا عروس حضرت زهرا شدن خوش است  
ما ذره ایم و کار شما ذره پروری است  
در زیر آفتاب تو پیدا شدن خوش است

وقتی شناسنامه ما مُنتَسَب به توست  
در سایه سار مهر تو معنا شدن خوش است  
هر کس شنید نام شما را قیام کرد  
در راه بندگی تو آقا شدن خوش است  
در شرح وصف تو چه برآید از این زبان؟!  
عَجَلْ عَلٰی ظُهُورِکَ یا صَاحِبَ الزَّمَانِ

ای که کرم سنجیه و لطف است عادتت  
بالاتر است از همه عالم سیادتت  
حالا هزار و یکصد و هفتاد و هفت سال  
بگذشته‌ای عزیز خدا از ولادتت  
پنهان شدی اگر چه تو در پشت ابرها  
هر دم رسیده است به دل‌ها عنایتت  
هر صبح وعده من و تو در دعای عهد  
هر عصر جمعه زمزمه‌های زیارتت  
آقا سلام ما به رکوع و سجود تو  
آقا درود بر تو و ذکر و عبادتت  
کی می‌رسد ندای انا المهدی ات به گوش؟  
بالاتر از تمام علم هاست رایتت  
کانون عدل و داد شود با تو این جهان  
عَجَلْ عَلٰی ظُهُورِکَ یا صَاحِبَ الزَّمَانِ

بار فراق یوسف زهرا کشیدنی ست  
گر وصل او به جان بخرم من، خریدنی ست  
ای آن که طعنه میزنی آقای تو کجاست؟  
روز ظهور منجی عالم رسیدنی ست

آن روز ذوالفقار علی دست او بود  
یعنی که رنگ از رُخ کافر پریدنی ست  
یا فارس الحجاز!، من از مشهد الرضا  
بیستی بیاورم ز شفق، که شنیدنی ست  
سوگند می خورم گل باغ تو چیدنی ست  
چشم سیاه و خیمه سبز تو دیدنی است  
ای آخرین امام من، أَلْعُوْثُ الْأَمَانِ  
عَجَّلْ عَلٰی ظُهُورِكَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ

وقتی که نیستی تو، خزان است روزگار  
وقتی که می رسی، همه جا می شود بهار  
تقصیر ماست این که بیابان نشین شدی  
محروم مانده ایم ز درک حضور یار  
ما از چه نیستیم شب و روز یاد تو؟!  
وقتی که هست افضل أعمال انتظار  
وقتی که بیست مرتبه حج رفت، کسب کرد  
إِذْنِ طَوَافِ خَيْمَةِ تُو، پور مهزیار  
آقا چقدر جمعه گذشت و نیامدی!  
دیگر نمانده است برای دلی قرار  
این اشک ماست کز غم هجران شده روان  
عَجَّلْ عَلٰی ظُهُورِكَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ

ای هر غریبه ای همه جا آشنای تو  
این بند را مدینه سرودم برای تو  
این شهر بوی غربت خورشید می دهد  
این کوچه هاست منتظر رد پای تو

رفتم به پشت پنجره‌های بقیع و بعد  
خواندم به اشک چشم زیارت به جای تو  
گویا هنوز مادر تو درد می‌کشد  
در بستر است چشم به راه دوی تو  
وقتی کِشی ز قبر تن آن دو را برون  
باشیم کاش ما همه زیر لَوای تو  
ای شاد از ظهور تو بانوی بی‌نشان  
عَجَّلْ عَلٰی ظُهُورِكَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ

ای مظهر صفات خدا ایها العزیز!  
بی تو چه عیدی و چه عزا؟! ایها العزیز!  
امسال نیز نیمه شعبان رسید و رفت  
مجلس تمام گشت، بیا ایها العزیز!  
تو خود کریم هستی و از نسل ذوالکرام  
پُر کن دو دست خالی ما ایها العزیز!  
یک نَظْرَةً رَحِيمَةً بر این قلب پر گناه  
کافی ست با نگاه تو، یا ایها العزیز!  
فرموده اند نیمه شعبان بگو: حسین  
ما را ببر به کرب و بلا ایها العزیز!  
یک روضه از اسارت زینب بیا بخوان  
عَجَّلْ عَلٰی ظُهُورِكَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ

آماده می‌شوم غزلی را بنا کنم  
 در شور عشق، قافیه‌ای دست و پا کنم  
 باز از شرابِ دوست شدم مست و بی‌قرار  
 باید که پیر میکده‌ها را صدا کنم  
 میخانه‌ای برای دلم جور کرده ام  
 تا راز سرخوشی خودم بر ملا کنم  
 رازی که گفتنش همه را مست می‌کند  
 وقتش شده بگویم و خود را رها کنم  
 پس اهل میکده! همه سر تا به پای، گوش  
 تا خوب حقّ مطلب خود را ادا کنم  
 از راه آمده قمرِ آخر الزّمان  
 یعنی امام عصر، همان حیدر الزّمان

از راه آمده ست رساند پیام عشق  
 از راه آمده ست که باشد امام عشق  
 یا ایها العزیزِ دو دنیای من، سلام  
 گفتم سلام و اوست علیک السلام عشق  
 وقتش رسیده سوی کلامم خودت شوی  
 چون حرف با شما شده حُسن ختام عشق  
 هرکس که پای بزم شما بود، زنده ماند  
 ای عشق بادوام، تویی با دوام عشق

تا زنده‌ام گدای سِرِ سفرهٔ توأم  
آری، امیرعشق تویی، من غلام عشق  
الحق که شاه هستی و ارباب زاده‌ای  
تو یوسفی‌ترین پسر خانواده‌ای

صاف و زلال، آینهٔ ناب آسمان  
تابیده است در شب مهتاب آسمان  
تابیده است حضرت ماه چهارده  
بر صفحهٔ دوازده قاب آسمان  
این نور با تلالؤ صاحب زمانی اش  
آرامشی است بر دل بی‌تاب آسمان  
جبریل با ترانهٔ عشق محمدی  
گوید خوش آمدید به ارباب آسمان  
امشب برای عرض ارادت به مَقدمش  
نیکو نوشته اند روی باب آسمان  
حق، نقشهٔ عدو صفتان را بر آب کرد  
تا حضرت امام زمان انقلاب کرد

ای چشم من به راه تو، ادرکِ اَسیرگ  
آدینه در پناه تو، ادرکِ اَسیرگ  
ای واژهٔ جمال خدا جلوه‌گر شود  
در قاب روی ماه تو، ادرکِ اَسیرگ  
صبح ظهور تو فرج عاشقان توست  
خورشید من پگاه تو، ادرکِ اَسیرگ  
این قلب تیره، روشن و شفاف می‌شود  
با گوشهٔ نگاه تو، ادرکِ اَسیرگ



از دوری تو ثانیه‌هایم تباه شد  
من عبد روسیاه تو، ادرک اسیرگ  
«دارد زمان آمدنت دیر می‌شود»  
تقصیر ماست این همه تأخیر می‌شود

ای آخرین بهانه دنیا ظهور کن  
ای آشنای غربت فردا ظهور کن  
باید که چند روزه بخوانم برای تو  
ای چشم تو خلاصه دریا ظهور کن  
می‌خوانم از حوادث آن کوچه‌های تنگ  
آقا قسم به پهلوی زهرا ظهور کن  
آتش، خیام، سیلی و غارت، چه گویت؟  
آقا به داغ زینب کبرا ظهور کن  
قرآن به روی نیزه و تفسیرها به خاک  
آقا بیا به حق بدن‌های چاک چاک<sup>۱</sup>



مثل شروع یک جریان در مسیر رود  
افتاد راه آخرمان در مسیر رود  
دارد خبر ز آمدنی می‌دهد نسیم  
لب بسته باش و باز بمان در مسیر رود  
با ناز می‌رسد کسی آغاز می‌شود  
پایان غصه‌های جهان در مسیر رود  
از مأذنه همین که صدای اذان رسید  
شدت گرفت بغض زمان در مسیر رود  
ای آخرین بهار دل یخ زده ببین  
با تو شکست پشت خزان در مسیر رود  
یک شهر تا به من برسی عاشقت شده است  
ای سیب سرخ غلت زنان در مسیر رود  
نام تو را خدا چه قدر بی‌نشان نوشت  
با دست خود به صفحه تقدیرمان نوشت

از هول دام و دانه دلم چون کبوتر است  
این روزها دعای فرج خواندنی تر است  
آقا بساط قتل مرا جور کرده‌ای  
مژگان توست تیر و دو ابروت خنجر است  
با آن شمایی که به ارباب رفته است  
رویت هزار مرتبه از یوسفان سر است


اصلا عجیب نیست قیامت به پا کنی  
این کار دست گرمی اولاد حیدر است  
وقتی قرار نیست که فردا ببینمت  
جان دادم برای تو امروز بهتر است  
بوی مدینه می‌رسد از انتظار تو  
چشم انتظار آمدنت چشم مادر است  
در چشم توست ساحل دریای کربلا  
در دست توست پرچم سقای کربلا

عادت به خاک پای تو کرده جبینمان  
برگرد بی تو غصه شده هم نشینمان  
از کوچه‌های تنگ دل ما عبور کن  
امشب بیار بر جگر آتشینمان  
چشم انتظار آمدنت حلقه‌های چشم  
پا در رکاب کن که تو هستی نگینمان  
با دست کفر یک شبه تحریم می‌شویم  
آقا فقط بدون تو مانده همینمان  
ما سرزمینمان متعلق به فاطمه است  
بیمه شده به دست علی سرزمینمان  
ای آخرین دلیل نفسهای آسمان  
شد رازدار بغض گلو آمینمان  
داریم از نیامدنت پیر می‌شویم  
از جمعه‌ها بدون تو دلگیر می‌شویم

با رفتنت شروع شده ماجرای اشک  
جاری شد از دو چشم ترم چشمه‌های اشک

برگرد و جان بده به تن مردگان عشق  
لبخند هدیه کن به زمین در ازای اشک  
دنبال ردپای توام بسکه ساها  
مانده به روی صورت من رد پای اشک  
دور از تو مانده ایم که نزدیک غربتیم  
دور از توئیم خون جگر و مبتلای اشک  
از یک دل شکسته فقط آب می‌خورند  
هر جمعه با نیامدنت قطره‌های اشک  
برگرد و با اذان علی اکبری خود  
ما را ببر زیارت کربلای اشک  
دارد همیشه‌ای گل زهرا نشان ما  
شبهای جمعه علقمه بوی تو را بیا<sup>۱</sup>





بخش پنجم  
گلچین مجالس مداحان



## فصل اول، میلاد امام حسین علیه السلام

ترک ۰۱ شعر<sup>۱</sup>

دلبری که خرید دلها را      تا نگاهش کشید دریا را  
آسمان داشت میل عطر زمین      و زمین داشت میل بالا را  
پر پرواز من شکست امروز      تا بگیرد شفای فردا را  
فطرسانه دخیل می‌گیرم      پر قنناق طفل زهرا را  
کودکی آمده رقم بزند      سهم دیوانگی دنیا را  
عقلم از اختیار ساقط شد      مثل مجنون که دید لیل را  
می رود تا به آسمان فریاد      آسمان نه بگو حسین آباد

شب تاریک در بهر شده است      روشنی آمده سحر شده است  
گفته پیغمبر از حسینم من      جمع ما هر دو یک نفر شده است  
فاطمه مادرانه می‌خندد      مرتضی باز هم پدر شده است  
با بغل کردن حسین خودش      آتش شوق شعله ور شده است  
لب او را چقدر می‌بوسد      بین خانه حسین تر شده است  
کوری چشم مردمان حسود      دومین طفل هم پسر شده است  
بوی کربلا گرفته زمین      در مدینه نزول عشق بین

۱ . بانوای: حاج محمود کربیی

به سر زلف تو گرفتارم  
تا زمانی که سر به تن مانده  
به هوای تو می‌پریم امشب  
منتظر مانده‌ام اشاره کنی  
من یکی از رعیتان توام  
که برای تو سینه زن باشم  
تو حسینی و تکیه گاه منی  
از همان کودکی تویی یارم  
به دم تیغ تو بدهکارم  
و به سودای تو سری دارم  
تا سرم را به تیغ بسپارم  
سالیانیست این شده کارم  
در فراق تو اشک می‌بارم  
فصل بارانی نگاه منی

دل من تا که مبتلای تو شد  
هرچه در چننه داشت نوکر تو  
مادرت گریه کن صدایم کرد  
آمدی خانه شد حسینی  
بوی گودال خانه را پر کرد  
از همان روز قاتل مادر  
قسمت این شد بدون پیره‌نی  
به تو وابسته شد گدای تو شد  
به خدا خرج کربلای تو شد  
ابر چشمان من برای تو شد  
خانه درگیر ماجرای تو شد  
صحبت از درد و غصه‌های تو شد  
غم انگشتر و عبای تو شد  
بین گودال دست و پا زدنی

### ترک ۰۲ شعر<sup>۱</sup>

باز امشب اختران از دور سوسو می‌کنند  
گرد ماه از آسمان سوی زمین رو می‌کنند  
اهل بالا هلله با ذکر یا هو می‌کنند  
با نثار گل فضا را باغ مینو می‌کنند  
آی مردم پادشاه دولت عشق آمده  
عاشقان تبریک امشب حضرت عشق آمده

با صدای خوش سرود عشق را آواز کن  
لحظه‌ای را با پرو بال خیال اعجاز کن  
از همین جا تا مدینه یک نفس پرواز کن  
چتر خود در کوچه‌های آل هاشم باز کن  
از همان جا نور می‌تابد به قلب عالمین  
این همه نور از کجا می‌تابد از نور حسین

آری امشب درب‌های نعمت حق وا شده  
غرق اقیانوسی از نور خدا دنیا شده  
خاتم پیغمبران مسرور سر تا پا شده  
حضرت صدیقه مادر مرتضی بابا شده  
دلبر و دلدار بی‌همتای دلها آمده  
هیاتی‌ها حضرت ارباب دنیا آمده

۱ . بانوای: حاج احمد واعظی



این حسین است آن که می‌خوانند سرها سرورش  
این حسین است آن که می‌گویند دها دلبرش  
این حسین است آن که می‌گویند از گل بهترش  
این حسین است آن که می‌گردد فلک دور سرش  
این بُود سرچشمه دریایی از آب حیات  
ناخدای عشق سکان دار کشتی نجات

گویی از اول حساب او حساب دیگری است  
در گل کربلای او گلاب دیگری است  
نور او در آسمان از آفتاب دیگری است  
در وجود نهضت او انقلاب دیگری است  
الغرض خلقت حساب ویژه دارد با حسین  
می‌زند نبض دل عالم به ذکر یا حسین

ترک ۰۳ شعر ۱

پسر فاطمه ای دسته گل سرخ محمد  
همه هستی احمد ولی خالق سرمد  
به تو پیوسته سلامم به تو هر لحظه درودم  
که تویی دار و ندارم که تویی بود و نبودم  
رخ تو آینه غیب و شهودم تو قیامم تو قعودم  
تو رکوعم تو سجودم به فدای تو سراپای وجودم  
تو همه هستی مایی تو امام شهدایی تو مصباح هدایی  
تو رکوعی تو صلاقی تو کشتی نجاتی  
تو تمام حسناتی تو دعا تو صلواتی  
تو یم جود سخایی تو دویی تو شفایی تو همان خون خدایی  
به خداوند دو عالم که تو هم قبله و هم قبله نمایی  
تو شه کربلایی  
چه بگویم تو حسینی که نبی گفت منم از تو  
تو از منی ای بوسه که ختم رسالت  
همه اعضاات سر و صورت و چشم و لب و اندام  
سراپای تو از بوسه ختم رسل انداخته گل  
او که به هر عضو تو دیده ز ازل زخم بسی نیزه و شمشیر جفا را  
منم و کعبه کویت منم و قبله رویت  
منم و جام و سبویت چه بخواهی چه نخواهی نروم از سر کویت  
همه شب ریخته از دیده من خون گلویت

۱ . بانوای: حاج حسین سازور

بپسندی نپسندی به کسی کار ندارم  
تو گواهی که به غیر از تو دگر یار ندارم  
که تو را دارم و بیم از شرر نار ندارم  
چه کنم عاشق و مجنون تو هستم به خدا دل به تو بستم  
سر راه تو نشستم

تو به من چهره گشودی که خدا را بپرستم  
به خدا پیش تر از آمدنم سلسله عشق تو می بود به دستم  
نه تو آنی که مرا لحظه ای از خویش برانی  
نه من آنم که شوم دور ز درگاه تو آنی  
ز همان لحظه که من چشم گشودم  
به تو سوگند ندانسته گرفتار تو بودم  
چه ولادت چه به طفلی چه جوانی چه به پیری  
چه دم مرگ تو را داشتم و دارم و غیر از تو ندارم  
نکند روز قیامت ز نظر دور نمایی من افتاده ز پارا

ترک ۰۴ شعر ۱

الا ملائکہ اللہ انس و جان تبریک  
تمام خلق زمین اهل آسمان تبریک  
پیمبران خدا عیدتان مبارکباد  
ولی امر خدا صاحب الزمان تبریک  
ولادت پسر فاطمه امام حسین  
به ذات پاک خداوند لا مکان تبریک  
خبر دهید به عالم که عید عید خداست  
ادب کنید که میلاد سیدالشهداست

خدا به حضرت زهرا پسر عطا کرده  
بگو به عالم خلقت پدر عطا کرده  
برای عفو گنهکارها به پیغمبر  
قوی ترین سند معتبر عطا کرده  
شکفته لاله لبخند بر لب احمد  
خدا به نخل امیدش ثمر عطا کرده  
جمال غیب خداوند دیده شد امشب  
فروغ نامتناهی دمیده شد امشب

زند رسول خدا بوسه بر لب و دهنش  
نه بر لب و دهنش بلکه عضو عضو تنش

۱ . بانوای: حاج احمد نیکبختیان

درد نور به نور جمال زیبایش  
سلام روح به آیات مصحف بدنش  
به جای جامه درد قلب خویش را یوسف  
اگر به مصر برد باد بوی پیرهنش  
مسیح تشنه لبهای روح پرور اوست  
تمام جان محمد درون پیکر اوست

تمام عالم خلقت یم کرامت اوست  
و پای مکتب توحید در امامت اوست  
مرا ز روز قیامت کسی نترساند  
قیامتی که خدا گفته عکس قامت اوست  
به شیعیان علی می خورم قسم صد بار  
که درس شیعه همان درس استقامت اوست  
اگر چه گریه ما در شب شهادت اوست  
شب شهادت او هم شب ولادت اوست

### ترک ۵۰ شعر<sup>۱</sup>

به کسی کار ندارم که بهشتم لیلی است  
بت بتخانه و رهبان کهشتم لیلی است  
خاک من خاک جنون است سرشتم لیلی است  
هرچه در مکتب استاد نوشتم لیلی است  
جز به این نام ندارد قلم من میلی  
دفترم پر شده از لیلی لیلی لیلی

می نویسم لیلی تا که بخوانیم حسین  
تا جنون را به نهایت برسانیم حسین  
آن که بی او نفسی هم نتوانیم حسین  
وقت یک ذکر همه هم ضربانیم حسین  
نفس رفته ما وقف حسین بن علی است  
دل بشکسته ما وقف حسین بن علی است

لبم از هرچه به جز نام امامم خاموش  
آتش عشق نشد یک دم از این دم خاموش  
گرچه یک لحظه نبودست به عالم خاموش  
از قدومش شده یک روز جهنم خاموش  
در امالی خودش شیخ صدوق آورده است  
شب میلاد حسین آتش دوزخ سرد است

۱ . بانوای: حاج محمدرضا طاهری

تا که او آمده از رونق ماه افتاده  
دل من در پی یک نیم نگاه افتاده  
رفته ام بادل در بحر گناه افتاده  
پای کشتی نجاتی که به راه افتاده  
کشتی آرزوی نه فلک آمد امشب  
همه گفتند که کوه نمک آمد امشب

آنکه نامش شده بر چوبه دل کنده حسین  
بذر عشقش همه جا هست پرکنده حسین  
علت غایبی هر گریه و هر خنده حسین  
اولین بار خدا گفت به یک بنده حسین  
روی دستان علی روی قمر دیدنی است  
بابی انت و امی پدر دیدنی است

در پناهِش همه هستند مهیمن ها هم  
متوسل به نگاهش شده ضامن ها هم  
نه فقط عالم ربانی کاهن ها هم  
وقت آنست که گویند مودن ها هم  
وقت شرعی اذان بر سر گلدسته ماه  
اشهد انَّ حسین بن علی ثارالله

عشق کشتی نجاتم شده با نام حسین  
اشک من آب حیاتم شده با نام حسین  
انتهای صلواتم شده با نام حسین  
سیناتم حسنام شده با نام حسین  
کیمیا هم نکند آنچه که با خاکم کرد  
نام او برده نبرده نفسش پاکم کرد

یک نفر نیست بگوید که در عالم آمد  
چه بساطی است که در جشن فراهم آمد  
شب میلاد چرا بوی محرم آمد  
باز هم روضه گودال به یادم آمد  
خواهری داد زند پیرهنش را نبرید  
مادرم آمده اینجا بدنش را نبرید

وقتی پیغمبر آمد، دید دخترش داخل حجره است کسی هم نیست، اما داره با کسی حرف می‌زنه، سوال کرد سببش چیه؟ عرضه داشت یارسول الله: طفلی که در رحم دارم با من حرف می‌زنه، پیغمبر تبسم کرد فرمود: خودت هم همینطور بودی، در رحم مادر، مادر دلداری می‌دادی؛ عرضه داشت یا رسول الله اما این بچه با من فرق داره، چند روزه داره یک حرفهایی می‌زنه، جگرم آتیش زده، گاهی می‌گه: وا اماه انا المظلوم! گاهی صدا می‌زنه وا اماه انا الغریب! بابام امروز حرفش عوض شده، با هر روز فرق داره، می‌گه: وا اماه انا العطشان!... جبرئیل نازل شد، روضه رو خواند، پیغمبر فرمود: دخترم قصه اینه، طفلی که تو رحم داری اسمش حسینه، یک روزی با لب تشنه کربلا می‌کشنش، گریه فاطمه بیشتر شد، چند تا سوال کرد، گفت بابا اون روزی که داری می‌گی کربلا تو هستی پسرم یاری کنی؟ گفت نه! باباش هست؟ نه! من هستم؟ داداش حسنش چی؟ گفت: نه عزیز دلم، گفت پس کی می‌خواد پسرم یاری کنه؟ دو تا حرف زد، اول گفت: خدا یک خواهر مهربونی بهش می‌ده اسمش زینبه، سایه به سایه دنبال حسینه، تو گودال هم حسین امر کرد زینب بره، ابی عبدالله فرمود برو خواهرم، برگشت تو خیمه لحظاتی بعد دید داره زمین کربلا می‌لرزه، اومد خدمت



زین العابدین، چه خبر شده؟ فرمود: عمه جان، پرده خیمه رو کنار بزن می‌بینی، نگاه کرد وسط میدان: سری به نیزه بلند است در برابر زینب...

پیغمبر نوید داد، دید هر کاری می‌کنه داره گریه می‌کنه، فرمود دخترم یک روزی می‌آد دوستان ما دور هم حلقه می‌زنند، برا غریبی حسینت اشک می‌ریزند، یک وقت دیدند گریه اش مبدل به خنده شد، عرضه داشت یا رسول الله: منم قول می‌دم به گریه کن حسین: روز قیامت می‌گردم تو صف محشر، یک به یکشون پیدا می‌کنم، تا آنها وارد بهشت نشن من وارد نمی‌شم...

### ترک ۰۶ شعر ۱

دلم امشب به آسمان پر زد در دارالولایه را در زد  
مثل فطرس پری گرفت از شوق در بهشت مدینه پرپر زد  
از کویر تعلق دنیا لب خود بر زلال کوثر زد  
شد سراپا دخیل و خود را بر پر قنناق عشق حیدر زد  
اسدالله خانه ات آباد قدم نوگلت مبارک باد

می طراود ترانه از سخنم لوزه عشق در تن و بدنم  
ذره ای در هوای عشق علی خاک راه حسینم و حسنم  
گفت ساقی که کیست جان در کف پیش پای نگار گفتمش که منم  
بعد مرگم بیادمی بنگر می دمد یا حسین از کفتم  
انّ قلبی لدیک ثارالله السلام علیک ثارالله

عشق پیغمبر خدا آمد روح پهلوی مرتضی آمد  
گوهر بحر حیدر کرار پسر سید نسا آمد  
آمد و بانگه چشمانش شور در عرش کبریا آمد  
جبرئیل آمده ز عرش برین گویا وحی از خدا آمد  
یا نبی روح عالمین است این آفرین آفرین حسین است این<sup>۲</sup>

۱. بانوای: کربلایی محمد فراهانی

۲. وقتی امام انس و جان ابی عبدالله به دنیا آمد، رسول خدا بغلش کرد، اذان و اقامه گفت، مولا علی جلو آمد: یا رسول الله چه نامی برای طفل من می گذاری؟ آقا فرمودند: من از خدا پیشی نمی گیرم، هر چه خدا بفرماید، جبرئیل نازل شد، صدا زد یا رسول الله «العلی الاعلی یقرئک السلام» خدای

کاش دل را غمش غریقه کند      مادرش را به من شفیه کند  
 کاش یک جرعه‌ای ز آب فرات      حق به دلداه‌اش ره‌یقه کند  
 کاش این اشکهای چشم مرا      روز محشر خدا وثیقه کند  
 یا پیمبر یه یمن مقدم او      پیش پایش مرا عقیقه کند  
 گر شوم کشته زیر دینم من      عسد قربانی حسینم من

دارم امشب هوای شش گوشه      بی‌قرارم برای شش گوشه  
 به خدا هیچ جای دنیا نیست      به صفای صفای شش گوشه  
 من چگونه بهشت دنیا را      بپذیرم به جای شش گوشه  
 می‌کشد عاقبت مرا آقا      غصه روضه‌های شش گوشه  
 زده آتش به زخم‌های دلم      داغ پایین پای شش گوشه<sup>۱</sup>

### حب‌المسین رشته تحصیلی شماست دانش سرای عشق و جنون شهر کربلاست در رشته حسین شناسی موفقیید

عالی‌اعلی‌ سلامت می‌رساند، فرمود: یا رسول الله «سَمَّ ابْنِکَ هَذَا بِاسْمِ ابْنِ هَارُونَ عَلِیِّ بْنِ مَنکَ هَارُونَ مِنْ مُوسَى» جایگاه علی کنار تو مثل جایگاه هارون برای موسی ست، اسم فرزند هارون رو این اولاد علی بگذار عرضه داشت شبیر؟ رسول خدا فرمود: شبیر به زبان عبریه، به زبان عربی بگو چه نامی برا این نوزاد من است؟ صدا زد خدا می‌فرماید نام این طفل آبروی عالمین است، مایه شور نشئین است، این اولاد علی عالی‌اعلا، ولی‌والی‌والا، قائد غرِّ محجلین، یعیسوب‌الدین، امام‌المومنین، اسدالله‌الغالب، علی بن بیطالب، نام اولادش حسین است. نامش حسین گذاشتند که تمام خوبی‌ها در نام این پسر فاطمه است.

۱. اسماء می‌گه دیدم قنداقه رو رسول خدا بغل کرده، هی می‌گه یا اباعبدالله «عزیزُ علیّ» یعنی عزیز دلم برا من سخته، بابا هی گریه می‌کنه، گفتم یا رسول الله موقع ولادت چرا گریه می‌کنی؟ فرمود اسماء این طفل امت من می‌کشه، رسول خدا فرمود: اسماء من به تو گفتم اما تو این مطلبُ به فاطمه نگو. دخترم طاقت نداره بشنوه...

موضوع بحث سینه زدن پای روضه هاست  
تا روز حشر مدرکتان را نمی دهند  
برگ قبولی همه در پوشه خداست  
پایین کارنامه هر کس نوشته است  
این مهر سرخ شهنشاه کربلاست



ترک ۰۷ سرود

هو الکریم سائلکم یجیبنی  
حب الحسین حب الحسین اجننی  
ای روح ایمان حسین دردی و درمان حسین  
تمام قرآن حسین ای بهز از جان حسین  
سفینه النجاتی و قبله دل به سوی تو  
یه عمریه محرم عشق شدم به سوی کوی تو

هم مروه‌ای هم صفا ای دلبر و دلربا  
به جان عباس آقا ببر ما رو کربلا  
همیشه دل پر می‌زنه به سوی بین الحرمین  
ذکر تپش‌های دلم هر لحظه و هر دم حسین

## ترک ۰۸ سرود

امشب عاشقا لیلا اومده افتخار حق زیبا اومده  
امشب سحر دها اومده عین و شین و قاف دنیا اومده  
سرور اومده دلبر اومده انگار دوباره حیدر اومده  
آفتاب اومده مهتاب اومده تربت بیارید ارباب اومده  
امشب گره‌ها واشد کشتی به دریا شد  
فطرس رو دیدم می‌گفت کربلا امضا شد  
دلدار منہ حسین سالار منہ حسین غمخوار منہ حسین  
من نوکر و اربابم کس و کار منہ حسین  
دنیا منہ حسین عقبای منہ حسین رویای منہ  
دیروز و امروز و فردای منہ حسین  
ارباب هواییم کن کربلاییم کن

امشب آسمون با صفا شده از حضرت عشق رونما شده  
امشب تو فلک رفت و آمده چون باب الحسین افتتاح شده  
دل طلا شده بی‌هوا شده هیاتهای شهر کربلا شده  
شب اول شینه مخصوص حسینہ جشن تولد بین الحرمینہ  
شاه و امیره دستم می‌گیره آقام دلیره  
هرکی که حسینتی نیست بهتره بمیره  
عیوالله داره وجه الله داره عین الله داره  
به به آقام عشقه ماشاالله داره

## ارباب هواییم کن کربلاییم کن

امشب زائرا آروم ندارند کربلاییا تا صبح بیدارند  
امشب شلوغه بین الحرمین کوچه می زنند پرچم می آرند  
امشب تو حرم هی قدم قدم تکبیر می کشند می آرند علم  
زمزمه می آد هممه می آد نیمه های شب فاطمه می آد  
هر دم می خونند محکم می خونند  
خادما می گند عاشقا می گند زائرا می گند  
ارباب هواییم کن کربلاییم کن

## ترک ۰۹ سرود<sup>۱</sup>

سر در بهشت نوشته یا حسین  
ذکر امشب همه دلا حسین  
پرزده دلم ز سینه تا حسین قلب عاشقم بهشته با حسین  
ذکر قلب خسته یا حسین با دل شکسته یا حسین  
بر لبم نشسته یا حسین  
ثارالله مرغ قلب عاشقم نشسته روی بام تو  
به عشق نام تو منم غلام تو  
آرزومه تا بذارم این سرُ به پای تو  
شدم گدای تو منم فدای تو  
ثارالله آقام آقام آقام آقام حسین  
امشب عالمین بهشت عاشقاست  
سینه سپهر صحیفه ولاست  
شور عاشقی میون دل به پاست  
قبله دلم ضریح کربلاست  
کعبه دل همه حسین شور عشق عالمه حسین  
نور چشم فاطمه حسین  
ثارالله تو امیر و من اسیر گوشه نگاه تو من و پناه تو  
سرم به راه تو  
دل همیشه مبتلای جلوه عطای تو  
من و سخای تو من و وفای تو

۱ . بانوای: حاج احمدنیکبختیان



ثارالله آقام آقام آقام آقام حسین  
 با نگاه تو بهاریه دلم عشق تو شده تموم حاصلم  
 ذکر نام تو بهشت محفلم با تو حل شده تموم مشکلم  
 عشق و آرزوی من حسین  
 رنگ و آبروی من حسین نیت وضوی من حسین  
 ثارالله عرش حق شد از طلوع جلوه تو غرق نور  
 ز شوق این حضور گرفته دل سرور  
 ای دخیل زلف تو همه دلای عالمین  
 همه به شور و شین به ذکر یا حسین  
 ثارالله آقام آقام آقام آقام حسین



ترک ۱۰ سرود<sup>۱</sup>

چشمام می‌بندم تا تو دلداری خستم از این همه روزای تکراری  
تو شبای سختی تنها تو دلداری

اربابم دریابم

کربلا رویای شیرین شبهامه کربلا هم عشق و هم دین و دنیا مه  
کربلا می‌خونم پای تو می‌مونم همه هستی من به تو می‌دیونم  
یا ابا عبدالله

آسمون چشمامون خیس بارونه

خوش به حال اونکه علقمه مهمونه

دوباره می‌رم دم یه سقاخونه

یا ابا الفضل

همه دنیا انگاری روبروشه وقتی رقیه روی دوش عموشه  
کربلا کی می‌رم بهترین تقدیرم اینه که علقمه پیش تو بمیرم  
سیدی ابا الفضل

سومین پسر زهرایی ابا الفضل پرورده دست مولایی ابا الفضل

پهلون پهلونایی ابا الفضل

یا ابا الفضل

ماه آسمونا و شاه زمینی تو نمک سفره‌ام البنینی

مست علمدارم عشق حرم دارم

به خدا مثل اربابم دوست دارم

---

۱. بانوای: حاج عبدالرضا هلالی

### ترک ۱۱ سرود<sup>۱</sup>

چراغونی کنید خیابونا رو آب و جارو کنید صحن دلا رو  
بهترین شب عشاق الحسینه ببوسید دست پیر غلامها رو  
غم غربال کن شادی دنبال کن  
بگو یا حسین و فاطمه رو خوشحال کن  
یا حسین یا ثارالله یا وجیها عندالله  
نوکرا شب شب شور و شینه دلم امشب تو بین الحرمینه  
نصف قلبم شده وقف ابا الفضل نصف قلبم گرفتار حسینه  
غصه کمیاب شد قند تو دلم آب شد  
حال و روزم خوشه چون شب ارباب شد  
یا حسین یا ثارالله یا وجیها عندالله  
بهترین گل، گل ام البنینه چون برا رهبرش عزیز تزینه  
هرکی ادعای نوکری داره بره تو علقمه دوره ببینه  
شب میلاده یار سر به سر غم نذار  
جون هرچی مرده دستاتو بالا بیار  
یا حسین یا ثارالله یا وجیها عندالله  
کوری چشم حضار سقیفه بساط محفل شادی ردیفه  
یه چیزی کم داره حیفه نگیری لعن بر سعود و آل خلیفه  
خدا وهابی رو الهی لعنت کنه  
بعد از اون دسته جمع مدینه قسمت کنه  
یا حسین یا ثارالله یا وجیها عندالله

۱. بانوای: محمدحسین حدادیان

## ترک ۱۲ سرود<sup>۱</sup>

همه جا همه وقت می خونیم یا حسین  
تا خدا بده عمر می مونیم با حسین  
با حسین مستم با حسین شادم  
با حسین هر شب تار من مٹ روزه  
با حسین خوبم با حسین ماهم  
با حسین جام تو دل فاطمه محفوظه  
غلامتم ارباب

سایه کرم این خونه است رو سرم  
آرزوم همینه بمیرم تو حرم  
تو حرم دریا تو حرم خورشید  
تو حرم سیب بهشتی چه فراوونه  
تو حرم اعجاز تو حرم پرواز  
تو حرم دیدن انبیا چه آسونه  
غلامتم ارباب

ندیدم تو عالم خوبتر از تو آقا    آخرش می گیرم من ازت کربلا  
کربلا نوره کربلا عشقه    کربلا مرکز فرماندهی دنیاست  
کربلا جنت کربلا فردوس    کربلا می خونه عشیره زهراست  
غلامتم ارباب

۱ . بانوای: حاج حسین سازور

### ترک ۱۳ سرود<sup>۱</sup>

ای همه هست حیدر گل سرمست حیدر نور چشمان زهرا

عصای دست حیدر

دلم پیشت گیره آروم نمی‌گیره نوکر آگه اربابش نبینه می‌میره

مهتاب من ارباب من یا حسین مولا

ای همه دلخوشیم به خدا می‌کشیم

منُ دنبال خودت به کجا می‌کشیم

ای گوهر ناچم صاحب و اربابم

عمریه که به عشق گنبد تو بی‌تابم

سالار من دلدار من یا حسین مولا

شده‌ام مست ولی از شراب ازلی

ضربان قلب من یا حسین بن علی

دل شده آوارت اسیر و بیچاره

بال ملائک شده سایبون گھوارت

ماه منیر نعم الامیر یا حسین مولا

۱. بانوای: حاج مهدی سلحشور

## ترک ۱۴ سرود<sup>۱</sup>

عشق دلای بی تاب اومد تو شب تیره مهتاب اومد  
قبله قلب احباب اومد بیاید گداها ارباب اومد  
ارباب ما گداهای در خونتیم ارباب همه مادر زادی دیووتیم  
ارباب سالاری آقای دلبند زهرایی  
اومدی و عاشقی پا گرفت زیر سایت آسمون جا گرفت  
برا نوکری درگاه تو خدا از انبیا امضا گرفت  
یا ابا عبدالله الحسین  
عاشورا اصل فرهنگ ماست منشور خط یک رنگ ماست  
تا زنده ایم این آهنگ ماست دشمن رهبر تو چنگ ماست  
لبیک یا قتیل العبرات یا حسین لبیک مالک اشتر پیر خمین  
لبیک ثارالله یا مولا سیدالشهدا  
ما همه مور و سلیمان تویی همه منظور قرآن تویی  
از این آب و خاک گرفتی عروس دوماد کشور ایران تویی  
یا ابا عبدالله الحسین

۱. بانوای: حاج حسین سازور

## ترک ۱۵ سرود<sup>۱</sup>

آی همه عالم شب حسینیه  
خوش به حال اون که تو بین الحرمینه  
به خدا مست مستم می کوثر به دستم  
چی می خوام بهتر از این سر سفرت نشستم  
اونور دنیا هم باشه کربلا  
به عشق دیدنش میام به واللہ  
اباعبداللہ یا ثاراللہ

هرچی که دارم آقا برا تو خدا بیامرزه تو منو نوکراتو  
واسه عشقت می میرم دامن تو رو می گیرم  
به خدا تو بهشتم تو نباشی نمیروم  
هیچکی رو دستت نیومد تو مردی  
دستمون گرفتگی ول نکردی  
اباعبداللہ یا ثاراللہ

خیره شدم باز به پرچم تو  
کاشکی که زودتر برسه محرم تو  
نمکت رو که خوردم همش سمت رو بردم  
خودم از جوونی به جوونت سپردم  
آسمون دیدم که مهتابشی  
قربون هر کی که تو اربابشی  
اباعبداللہ یا ثاراللہ

۱. بانوای: حاج محمد رضا طاهری

## ترک ۱۶ سرود<sup>۱</sup>

آگه عاشق شدی دلتُ بزن به دریا  
آگه مجنون شدی سرتُ بذار به صحرا  
هرجوری شد امشب برو یه سفر مدینه  
بین آقاتُ که خوابیده رو دست زهرا  
خدای عشق و عاشقی هامون اومد  
قیامت محشر دنیا مون اومد پاشید دیوونه‌ها که لیلامون اومد  
آقامون اومد

خونه همه ما حرم حسین سر ما همه زیر قدم حسین  
من بنده ام آقامه حسین تا زنده ام آقامه حسین  
آقامه حسین مولامه حسین  
کوچه‌های شهر مدینه منور شده  
شب شور و مستی شب می‌و ساغر شده  
علی باز پدر شد فاطمه مادر شده  
حسن بن علی صاحب برادر شده  
کشکول عاشق شده پر از توشه هرکسی کربلایی در خروشه  
بار سفر می‌بنده امشب مدهوشه پای شش گوشه  
خونه همه ما حرم حسین سر ما همه زیر قدم حسین  
ای سوگند هر روز و شبم میونه اسمت روی این لبم  
آقامه حسین مولامه حسین

۱ . بانوای: حاج سیدمهدی میرداماد



### ترک ۱۷ سرود<sup>۱</sup>

میلاذ ثارالله اکبر آمد مصداق قرآن پیمبر آمد  
جان پیغمبر خوش آمد حجت داور خوش آمد  
کشتگان راه حق را سید و سرور خوش آمد  
یا حسین عیدت مبارک

میلاذ ایثار و شهادت آمد خورشیدتابان سعادت آمد  
این شهیدان را امام است رهبر خون و قیام است  
عشق و ایمان و شهادت بی ولای او حرام است  
یا حسین عیدت مبارک

پیغمبر پیغمبر چشم توروشن یا حیدر حیدر چشم توروشن  
جانی و جانانه داری در بغل ریحانه داری  
ای یم فرزند و کرامت در بغل دردانه داری  
یا حسین عیدت مبارک

ای ماه تابان چرخ هدایت منجی انسانها شمس ولایت  
تو علی را نور عینی تو چراغ عالمینی  
تو تمام هست احمد تو حسینی تو حسینی  
یا حسین عیدت مبارک

۱. بانوای: حاج سید مهدی میرداماد

### ترک ۱۸ سرود<sup>۱</sup>

دیوونت به والله هستم تا همیشه  
من نوکر تو ارباب بهتر از این نمی‌شه  
با کربلا گل از گل دنیا شکفته  
اسم یا حسین از رو زبونم نمی‌افته  
کربلاتُ عشقه زائراتُ عشقه  
چایی ریز و کفش جفت کن هیاتاتُ عشقه  
حسین اربابم

باز امشب چه مستم از این بوی سیبیت  
عشقُ یاد گرفتم از جون و حبیبیت  
با دست خودش نوشته این جمله رو سقا  
شیش گوشه تو شیش گوشه بهشته آقا  
وای حرم چه دوره این دلا صبوره  
با امام رضا کربلامون دیگه جوهره  
حسین اربابم

۱. بانوای: حاج سیدمهدی میرداماد



## ترک ۱۹ سرود<sup>۱</sup>

مستم و مستی شده بهونه تو این دوره زمونه حالم کی می‌دونه  
مستم و دیگه دل دیوونه حس می‌کنم میونه زمین و آسمونه  
دل خرابه می‌نابه یکی من ببینه  
صورت یار داره انگار تو پیاله می‌شینه  
شور پریدن دوباره سر می‌گیره  
وقتی که فطرس دوباره پر می‌گیره می‌خونه  
ترانه همیشه روی لب عاشقا حسین  
می‌خری می‌بری یه سحری دل تا کجا حسین  
داره دلای ما هوای شبای کربلا حسین  
حسین ارباب من  
غم نخور پاشو حالم دریاب واسه دلای بی‌تاب دیگه رسیده  
ارباب  
شب شد و به زیر نور مهتاب  
چه زیبا رفته در خواب پسر ابوتراب  
همه اهل آسمونا به دور و بر حسین  
حلقه بستند واسه شوق طواف سر حسین  
شوری دوباره به دل عالم افتاد وقتی که اشک مادرش نم نم افتاد  
روگونه  
می‌پیچه صدای لالایی حالا تو خونه علی  
وقتی که امشبم مهمون خدا تو خونه علی

۱. بانوای: حاج سیدمجید بنی فاطمه

هرکسی که اومد شد حاجت روا تو خونه علی  
حسین ارباب من  
با ملک باز این دل در به در  
تا می‌گیره بال و پر زودی می‌شه هم سفر  
ای صبا هر جا می‌ری تا سحر من با این چشم تر  
بیا با خودت ببر  
تو این شبها دل عاشق زیر رحمت خداست  
به خدا این بی‌قراری بازم نعمت خداست  
پاشو دوباره کوله بارت رو بردار  
خوبه یه سرهم بزنییم به علمدار مستونه  
به اذن ساقی همه مستی این شبای ما شور عشق اباالفضل  
نوشته خدا به پای ما  
آخرم به دست خودش امضای کربلای ما  
حسین ارباب من



## ترک ۲۰ شور

امشب دل تنگم زده پر تا حرم تو  
چشمم بود ارباب به عطا و کرم تو  
از عشقت زنده‌ام در قلبم کنده‌ام در راهت بنده‌ام ثارالله  
شاهنشاه جلیل ارباب بی‌بدیل مولانا الدخیل ثارالله  
ثارالله یا حسین بن علی وجه الله یا حسین بن علی  
مجنون شده قلبم به هوای کوی ارباب  
حسرت به غلامت می‌برم من من دریاب  
عشقت توی سرم عمریه نوکرم راهیم کن تا حرم ثارالله  
حسینی مذهبم در تاب و در تبم مدیون زینبم ثارالله  
ثارالله یا حسین بن علی وجه الله یا حسین بن علی

## ترک ۲۱ شور

عکس ضریح تو می آد همه شب در خوابم  
به شوق کربلای تو به خدا بی تا بجم  
امشب دل دیوونه تا صبح می خونه حسین یا مولا  
آقا جوونیم فدات ببر کربلا حسین یا مولا  
ببین از عشق بی حدت بی تا بجم آقای مهربون من دریا بجم  
من غلامم فقط تویی اربا بجم

فطرس دل شیدا کن پرت رو واکن که اومد ارباب  
امشب می خنده حیدر کنار مادر که اومد ارباب  
نور زهرا از آسمون تابیده شب میلاد حضرت خورشیده  
بوی سیب توی کربلا پیچیده  
آقا به تو دلدام نبر از یادم ابا عبدالله  
اهل حسین آبادم بود فریادم ابا عبدالله  
به نخ پرچم حرم دل بستم تربت کربلا بریز رو دستمپکه  
بازم مست مست مست مست

من عبد حسین بن علی هستم و مستم  
تا عشق حسین هست منم هستم و هستم  
ذکر تو زینت هر مومن برده جنت آقا زیر دین  
می ریزه رحمت حق آقا هر جایی که باشه نام حسین

تا زندم نوکرت می‌مونم  
آقا جون دعوتم کن تا من  
با یاد تربت و شش گوشه  
نوکرت بال و پر می‌گیره  
پرچمت توی عالم بالاست  
دعوت نامه همه نوکرها

از عشق کربلات می‌خونم  
یک وقت آرزو به دل نمونم  
از زیر عشقت آقا می‌جوشه  
وقتی که ذکر تو رو می‌گیره  
خاک ما تربت کربلاست  
به امضای مادر تو زهراست

## ترک ۲۲ شور<sup>۱</sup>

چشمه چشمه دل زلال لحظه لحظه خواب و خیال  
اومد شب وصال خونم شده حلال  
دل اسیری میاره دل سر موی یاره این کار عشقه  
دل دیوونگی داره دل خونه نگاره این کار عشقه  
وقتی که می‌گفتم ذکر قالوا بلی  
تو قلبم جاری شد عشق خون خدا  
حسین یا ثارالله

نغمه نغمه شور حجاز سجده سجده سوز و گداز  
وقت راز و نیاز فطرس می‌خونه باز  
شب شب شفاعته شب شب عنایته تو آبرومی  
شب شب زیارته شب شب عنایته تو آرزومی  
بال و پر می‌گیرم سمت حرم تو باز امشب می‌شینم پای علم تو  
حسین یا ثارالله

عالم عالم گدای تو دسته دسته به پای تو  
آقا برای تو می‌شن فدای تو  
از نگاه تو آقا از پناه تو آقا دل شده لایق  
با دعای تو آقا با عطای تو آقا من شدم عاشق  
شش گوشت قبله قلب شاه و فقیر  
اریاب با وفا دست من بگیر  
حسین یا ثارالله

۱ . بانوای: حاج سیدمجید بنی فاطمه



## ترک ۲۳ شور<sup>۱</sup>

یه حس عاشقونه داره ته دل من می خونه امشب شب جنونه  
یه حس عاشقونه داره منُ به تو می رسونه امشب شب جنونه  
بازم هوای عشقه قلبم برای عشقه  
عالم همه می دونند آقا خدای عشقه  
امشب با تو خدایی می شم مرغ ایوون طلایی می شم  
حتما کربلایی می شم  
ثارالله ثارالله ابی عبدالله  
دل رو دست دریا بده عشق منی عشق دلها عشق علی و زهرا  
به عشق بی زهرا بده برات زیارت ما باشم حرم آقا  
ذکرت دم مسیحا شور دلای شیدا  
هستم همیشه مجنون وقتی تو باشی لیلا  
پای عشق شما می میرم  
توی کربلا می میرم پای ایوون طلا می میرم  
ثارالله ثارالله ابی عبدالله  
خیلی باز ستاره داره می باره حرم دوباره به به چه حالی داره  
دلی که بی قراره داره منُ سر شوق میاره به به چه حالی داره  
این دل حرمتونه این از کرمتونه  
شکر خدا که قلبم زیر علمتونه  
قبل از شروع هیات خوردم یه ذره تربت  
مستم دوباره دارم می رم برا زیارت

۱. بانوای: محمدحسین حدادیان

باز می‌خوردم و نیت کردم شش‌گوشه‌ت روز زیارت کردم  
امشب عرض ارادت کردم  
ثارالله ثارالله ابی عبدالله

## ترک ۲۴ شور<sup>۱</sup>

باز امشب مست می‌نایم مجنون و خراب و بی‌تابم  
شکر حق که توی این دنیا در زیر سایه اربابم  
از عشقت دیده بهاریه اشکم از شوق تو جاریه  
با حکم خدا تو گردیدی فرماندار شهر ماریه  
همه هستم فدای تو دل من مبتلای تو

شده‌ام خاک پای تو ارباب

با تو از عشق خدا مستم بی‌مهر تو من بد و پستم  
تاج سلطنت به سر دارم تا وقتی گدای تو هستم  
پرگیرم به روی بام تو چون مرغی اسیر و رام تو  
وقتی او مدم به دنیا شد شش دنگ دلم به نام تو  
همه هستم فدای تو دل من مبتلای تو

شده‌ام خاک پای تو ارباب

باز قلبم اسیر لیلا شد چشمم از عشق تو دریا شد  
بازم زیر پرچم عباس انگار که کربلام امضا شد  
از عشقت بی‌سر و سامونم مجنون تر ز هرچه مجنونم  
از بس خوبی و کرم داری از لطفت همیشه ممنونم  
همه هستم فدای تو دل من مبتلای تو

شده‌ام خاک پای تو ارباب

۱. بانوای: حاج حسین سیب سرخی

### ترک ۲۵ شور

امشب ابر چشم بارونیه عکس آینه‌ها حیرونیه  
امشب از عشق ارباب دها کار لایلاها مجنونیه  
مولا مولامن از ازل اسیرتم مولا مولا تا به ابد فقیرتم  
مولا مولا عاشق سر به زیرتم  
یا بن الزهرا مدد یا مولا  
نقش تو روی دلم افتاده تو دلدار من من دل داده  
نغمه لبهای بی‌بی زهرا هرکس شد بنده تو آزاده  
مولا مولا دلم به زیر دینته مولا مولا به شوره و شینته  
مولا مولا ذکر لبم حسینته  
عشق من حسین عشق من





## فصل دوم، میلاد حضرت ابوالفضل علیه السلام

ترک ۰۱ شعر<sup>۱</sup>

مرشدم گفتم که امروز طرب باید داشت  
مثل تسبیح فقط ذکر به لب باید داشت  
نرسی پای پیاده نفسی تا معراج  
رهرو راه خدا مرکب شب باید داشت  
ای که سلمان شده و در پی مَنّا شدنی  
بر سر سفره ات از یار رُطب باید داشت  
سائلی بر در این خانه تفاوت دارد  
پیش ارباب کرم دست طلب باید داشت  
از مقامات ابوالفضل چنین دانستم  
پیش از هرچه در این راه ادب باید داشت  
هرکه از سیره سقاخبری داشت پرید  
هرکه از راه ادب بال و پری داشت پرید

دل من حرف به اندازه دنیا دارد  
هرچه امروز قلم حرف زند جا دارد  
چشم طبعم به قد و قامت سروی خورده  
که چنین قامت شعرم قد و بالا دارد

۱. بانوای: حاج سیدمهدی میرداماد

یا الهی به ابا الفضل شده مشق شبیم  
لفظ بی صحبت از دوست چه معنا دارد  
بین خورشیدترین‌های دو عالم امشب  
ماهی از راه رسیده که تماشا دارد  
شوق بانوی کلابیه از این است که حال  
تحفه‌ای پیشکش حضرت زهرا دارد  
جان به قربان کسی که ز امامش حکم  
انّ العباس زقّ العلم زقاّ دارد  
پرورش یافته آل عبا عباس است  
عالم غیر معلم به خدا عباس است

از دل تو به خدا نیست دلی دریا تر  
از دو چشم تو ندیده ست کسی گیرا تر  
به خدا ماه شب چاردهم معترف است  
نیست از ماه بنی هاشمیان زیبا تر  
در دل جنگ چنانی که همه می‌گویند  
بعد مولا نبود از تو کسی مولا تر  
آنکه گفته رفع الله به ما فهمانده  
نیست از رایه العباس علمی بالاتر  
گرچه سیراب دهد آب به تشنه ساقی  
آنکه لب تشنه دهد آب بود سقا تر  
روز میلاد تو با حال خراب آمده‌ام  
با لب تشنه پی جرعه‌ای آب آمده‌ام

دل من جز تو نبوده ست گرفتار کسی  
نه گرفتار کسی نه پی دیدار کسی

مرغ باغ ملکوت توام و ننشینم  
غیر دیوار تو یک لحظه به دیوار کسی  
جز سرکوی تو جایی خبری نیست که نیست  
مشتريت نرود بر سر بازار کسی  
سر سال آمده و آمده ام محضر تو  
راه انداختن من نبُود کار کسی  
زیر دین احدی نیستم الا عباس  
نشوم غیر تو یک لحظه بدهکار کسی  
دل از بس که ندیده ست تو را سنگ شده  
به هوای حرم علقمه دلتنگ شده

ترک ۰۲ شعر<sup>۱</sup>

بین شک کردگان اگر انداخت  
چهره در چهره قمر انداخت  
سلسله کوه هاشمی شد چون  
دست در بازوی پدر انداخت  
زلف را ریخت روی شانه باد  
باد را بین در دسر انداخت  
اکثر دشمنان خود را او  
نه که با تیغ با نظر انداخت  
از کمانی که داشت در دستش  
مژه اش تیر بیشتر انداخت  
یکی از ترس او سپر برداشت  
یکی از هیبتش سپر انداخت  
آمد عباس نصف لشکر را  
از تکاپو همین خبر انداخت  
ظهر فهمید طعم مردن را  
هرکسی را که در سحر انداخت  
شیر را کرد شیر در کاسه  
تا بنوشد در او شکر انداخت

۱. بانوای: حاج محمود کریمی



شب میلاد تو میلاد به هم می‌ریزد  
این جهان علی آباد به هم می‌ریزد  
خیره بر بازوی شاگرد خودش با بوسه  
اشک می‌ریزد و استاد به هم می‌ریزد  
شب قبل از تو حسین تو شب بعد از تو  
سر بازوی تو سجاد به هم می‌ریزد  
چه نیازی ست بهوشی زره و جنگ کنی  
به تماشای تو صیاد به هم می‌ریزد  
مثل این رود که از دست تو موجی شده است  
کار هرکس به تو افتاد به هم می‌ریزد  
چون که برقعده گشاید دل آب آب شود  
زلف آشفته کند باد به هم می‌ریزد  
سین که شد حرف نهایی حروف عباس  
از حسودیش به سین صاد به هم می‌ریزد

### ترک ۰۳ سرود<sup>۱</sup>

گفتم و می‌گم بازم هزار بار فقط می‌میرم برا علمدار  
به ضریحت دست زدم شدم سرمست  
نوکرتم در بست آقام اباالفضل  
تا مست کوثر شدم غلام حیدر شدم  
ابالفضلی بودم و اباالفضلی تر شدم  
آقام آقام آقام اباالفضل  
اومد عموی علی اصغر استاد رزم علی اکبر  
دل و دلداره با اینکه سرداره چه ادبی داره آقام اباالفضل  
به جنگ این نازنین علی گفت صد آفرین  
همه مادرهای ما فدای ام البنین  
آقام آقام آقام اباالفضل  
بریم ایشالا با شور و احساس پیاده با هم تا کف العباس  
باب حاجاته همیشه باهاته عموی ساداته آقام اباالفضل  
تو محشر غوغا می‌شه تا وارد زهرا می‌شه  
بهشتم با دستای علمدار امضا می‌شه  
آقام آقام آقام اباالفضل

۱ . بانوای: حاج محمدرضا طاهری



ترک ۰۴ سرود<sup>۱</sup>

رسیده امشب از گلشن احساس  
به جان و دل شمیم لاله و یاس  
می ریزه از سما بارون الماس مژده ایها الناس از مقدم عباس  
دوباره آسمونا تموم کهکشونا  
برای دلبر ام بنین شده چراغون  
فرشته‌های بالا همه با اذن مولا  
به عشق ماه زیبای علی شدن غزل خون  
امشب دوباره زدم دلُ به دریا مست می‌کوثرم به عشق مولا  
دست من و دامن حضرت سقا  
عباس اباالفضل

پیاله می‌زنم ز کوثر امشب با جام شوق عاشقی لبالب  
تو آسمون دل رسیده کوبک اومد عشق زینب اینه واله رب  
اینه ماه هدایت که حضرت ولایت  
بوسه می‌زنه با اشک دو دیده به دستاش  
اینه جلوه حیدر که با نگاه کوثر  
دل می‌بره از چشم حسن دو چشم زیباش  
عباس همیشه علمدار حسینیه از گهورم تا ابد یار حسینیه  
میر و سپهدار و سردار حسینیه  
عباس اباالفضل

دلَم می‌خواد گرفتار تو باشم هوادار هوادار تو باشم

۱. بانوای: حاج احمد نیکبختیان

تو یوسف من خریدار تو باشم  
من یار تو باشم غمخوار تو باشم  
چی میشه با نگاهت همیشه در پناحت  
به عشق پاک تو یه روز بشم منم فدایی  
با باده ولایت با جلوه عنایت  
تموم زندگیم بگیره آهنگ خدایی  
دست من و لطف و بخشش و عطایت  
تا از نگاه تو از سر سعادت  
یک روز نصیب منم بشه شهادت  
عباس ابا الفضل



ترک ۵۰ سرود<sup>۱</sup>

دیوونه‌ام دیوونه ابا‌الفضل دارم همش بهونه ابا‌الفضل  
توی دلم شب غزل عشقه روی لبم ترانه ابا‌الفضل  
خدایی مست می‌کنه بوی ابا‌الفضل  
وقتی داره می‌وزه از کوی ابا‌الفضل  
بیشتر از این مستی می‌خوای وقتی که حیدر  
داره نقاب می‌گیره از روی ابا‌الفضل  
ذکرش شده شعارم همه عشقم همه قرارم  
منم دلم علم یک دونه دلبری که دارم  
دلم بیارید که دلدار اومده علم بیارید علمدار اومده

۱. بانوای: محمدحسین حدادیان

## ترک ۰۶ سرود<sup>۱</sup>

شب شب مستیمونه آسمونم می خونه  
راه اباالفضل شاه اباالفضل ماه حرم حرم الله اباالفضل  
اومد اونکه ذوب ولایته اومد اونکه شیر امامته  
اومد اونکه معنی رحمته اومد اونکه دنیای رفته  
غصه‌ها رفته از یادم بین می خونه افتادم  
من غلام اباالفضل و ساکن حیدر آبادم

شب قدر خونه حیدره اومد اونکه دها رو می بره  
نفسش دل گرمی خواهره ضربان قلب برادره  
آسمون محو دستاشه مات اون قد و بالاشه  
شرم مردونه چشمش عین چشمای باباشه  
این دم اصرافیله نغمه جبرائیله  
طور اباالفضل شور اباالفضل نور علی نور علی نور اباالفضل

یا اباالفضل سایه رو سرم یا اباالفضل چاره آخرم  
یا اباالفضل بنده این درم یا اباالفضل وعده ما حرم  
دل هوای زیارت کرد چشمش بست و نیت کرد  
روبروی ضریح تو آرزوی شهادت کرد  
سینه‌ها بی تاب امشب می خونه ارباب امشب  
عشق اباالفضل یار اباالفضل دست علی حیدر کرار اباالفضل

۱ . بانوای: حاج محمود کریمی

شور مستی شیرینه نعره مستا اینه  
روح ابا الفضل جان ابا الفضل شاه کلید دل سلطان ابا الفضل  
آب ابا الفضل ناب ابا الفضل جلوه اربابی ارباب ابا الفضل  
می وزه طوفان عشق آیه قرآن عشق  
کمال ابا الفضل زلال ابا الفضل جلوه گر خدای ذوالجلال  
ابا الفضل

## ترک ۰۷ سرود<sup>۱</sup>

با گذشت صبحی از شادی امید  
یه شب قشنگ و دیدنی تو راهه  
می گند اصلا هدف غروب خورشید  
واسه خودنمایی حضرت ماهه

امشب آسمون رویایی می شه  
وقتی که زمین دریایی می شه  
منصب ما از این به بعد سقایی می شه

خورشید و ماه با هم خلوت کردند  
از ما ستارهها دعوت کردند  
ارباب و نوکری رو قسمت کردند

زمین و زمون بازم داره می لرزه  
اسم غیرت خدا روی لب اومد  
همه قربونی بشیم والا می ارزه  
آخه هستی حسین و زینب اومد  
از راه اومده بی همتا ترین  
شکل حیدره چشماش بین  
خدا بهت ببخشدش یا ام البینین

۱. بانوای: حاج محمد رضا طاهری



یاسی که بین گلخونه وا شد  
همسفره گلای زهرا شد  
قمر عشیره لایلاها شد

کی دلش می‌خواد بره شاهُ ببینه  
اجازش فقط تو دستای وزیره  
هرکی زیر سایه حسین می‌شینه  
این اباالفضله که دستش می‌گیره  
تمثیل وفا سلطان ادب  
لیلای عجم سردار عرب  
شهره شده به تکسوار حیدر غضب  
رمز قیامت کبرا عباس  
صاحب لوای عاشورا عباس  
تو بزرگ نوکرایی یا عباس

## ترک ۰۸ سرود<sup>۱</sup>

خبر اومد یه پهلون اومد برا دنیا یه سایبون اومد  
دل دریا ترانه‌های عشقُ غزل عاشقی رو می‌خونه سر راهش  
شب رویا دوباره شده شیدا خودش می‌رسونه به نسیم نگاهش  
خدای کرم اباالفضلہ صاحب علم اباالفضلہ  
نقش پرچم بالای سرم اباالفضلہ  
ام البنین می‌ریزه گل به پاش آقام حسین می‌گه جونم فداش  
یا اباالفضل قمر بنی هاشم  
همه نیا برات به صف می‌شن خاک راه شه نجف می‌شن  
گل یاسه بارون الماسه دوباره باز امشب روی موجای دریا  
خورشیده نوری که تابیده به دلامون امشب افق شب یلدا  
آرزوی من اباالفضلہ آبروی من اباالفضلہ  
هیاهوی این دل خرابم اباالفضلہ  
لطف نگاش چه بی‌کرون شده انگار علی بازم جوون شده  
یا اباالفضل قمر بنی هاشم  
آسمونا بازم غزل خونن قنقاش رو دارند می‌گردونند  
تویی آقا قرار دل مولا جمال زیباتون تکه تو این دنیا  
عیوالله به این همه قدرت به این همه هیبت نداری دیگه همتا  
فارس العرب اباالفضلہ معنی ادب اباالفضلہ  
قمر بنی هاشم لقب اباالفضلہ  
دوست دارم آقا یه عالمه پر می‌زنم به سمت علقمه

۱ . بانوای: حاج سیدمهدی میرداماد

## ترک ۰۹ شور<sup>۱</sup>

بوسه بزن دستای دست خدا رو  
کنار ارباب ببین شاه وفا رو  
هرچی می‌خوای بگو با باب الحوائج  
بگیر ازش امضای کربلا رو  
می‌خوان کنار خورشید یه ماه بیارند  
برای دولت عشق سپاه بیارند  
همون که آبروشو خرج می‌کنه تا  
گنه کارا به ارباب پناه بیارند  
بسته دلی رو که شد مست علمدار  
به پرچمای ارباب دست علمدار  
زندگی هرکس که با حسینه  
می‌سپاره زهرا فقط دست علمدار  
یا ابوفاضل مدد یا ابوالفضل

۱. بانوای: کربلایی محمد فراهانی

## ترک ۱۰ شور<sup>۱</sup>

پسر شاه بدر حنینی تو کلید دار باب الحسینی  
تویی ساقی آب فرات و ناخدای کشتی نجات  
کاشکی بریم ما با شور و احساس پای پیاده تا کف العباس  
لیلی و مجنون شیرین و فرهاد عاشقی رو از تو می‌گیرند یاد  
در خونت هرکی رو می‌آره به خدا کارش نشد نداره  
می‌آره زهرا روز قیامت دستات عباس برا شفاعت  
تویی تو عشق امیر کوفه ادبت عباس خیلی معروفه  
حرم عباس حرم مولاست زائرش امشب حضرت زهراست  
سر در جنت این نوشته غلام سقا جاش تو بهشته  
چه بی نظیره چشای مستت علم عشق میون دستت  
ام النین که کنیز زهراست پسرش عباس عزیز زهراست  
تو زائر اتون بیا علمدار یه جا برای ماها نگهدار  
الهی باشم با کرم تو شبای قدر تو حرم تو  
آقام ابا الفضل

۱ . بانوای: عبدالرضاهلالی



## ترک ۱۱ شور

همه عشق حسین و ماه روی زمینه  
پسر ناز حیدر یل ام البنینه  
ذکر تپش‌های دلم یار مسیحای دلم یا ابوفاضل  
خجل از روی ماهش یوسفان سر به زیرند  
حاتم و صد سلیمان صله از او می‌گیرند  
قوت قلب مرتضی ساقی دشت کربلا یا ابوفاضل  
دست خالی نمیره کسی از باب عباس  
آخه شاگرد درس شاه و اربابه عباس  
ای قمر هاشمیان ما روبه کربلا رسان یا ابوفاضل

ترک ۱۲ شور<sup>۱</sup>

قدم بزن که دل‌مامون به زیر پاهای توئه  
علم بزن که آسمون نگاش به دستای توئه  
حرف بزن که مرتضی کشته لبهای توئه  
وقتی رقیه مشتت پیش همه وا می‌کنه  
به زیر انگشتر تو آسمون پیدا می‌کنه  
تو قیامت وقتی روی تو پیدا می‌شه  
روز محشر تازه محشر کبرا می‌شه  
شونه نزن زلفت که می‌ریزه دلها رو زمین  
پلک نزن با غمزه هات کشتن ماها رو ببین  
ناز نکن آقا جان کنار کشته هات بشین  
با عشق تو لب به لب جام شهادت می‌زنم  
به سینه در مکتب تو سنگ ولایت می‌زنم

۱. بانوای: حاج محمود کربیی

ترک ۱۳ شور<sup>۱</sup>

یا ابا الفضل که می‌گم عشق از سر می‌گیرم

یا ابا الفضل که می‌گم دلم زر می‌گیرم

یا ابا الفضل که می‌گم به حرم پر می‌گیرم

یا ابا الفضل یا ابا الفضل

یا ابا الفضل که می‌گم اسم یک پهلوونه

یا ابا الفضل که می‌گم اسم رمز جنونه

یا ابا الفضل که می‌گم دیگه می‌شم دیوونه

یا ابا الفضل یا ابا الفضل

سر مستم پیاله به دستم دوباره نشستم به پای ابا الفضل

دل مجنون زده به بیابون به نیت ایوون طلای ابا الفضل

آقامه آقامه یا ابا الفضل قشنگترین آوامه

یا ابا الفضل که می‌گم پسر بو ترابه

یا ابا الفضل که می‌گم علی اصغر می‌خواهه

یا ابا الفضل که می‌گم نذر بی بی ربا به

یا ابا الفضل یا ابا الفضل

یا ابا الفضل که می‌گم تو دلم می‌شه محشر

یا ابا الفضل که می‌گم می‌رسه بوی محشر

یا ابا الفضل که می‌گم بگو الله اکبر

یا ابا الفضل یا ابا الفضل

ای دل پر بزن دور دلبر کبوتریم در هوای ابا الفضل

۱. بانوای: حسین طاهری

سقاشه حسین به فداسه کی می تونه باشه به جای ابا الفضل  
آقامه آقامه یا ابا الفضل قشنگترین آوامه





### ترک ۱۴ شورا<sup>۱</sup>

باز این دل در هوس یاره مجنون کوی علمداره  
کاری کن برای من عباس قلبم در حسرت دیداره  
کارم روز و شب شده فریاد تو صحن جامع و گوهرشاد  
آخر کربلام می گیرم آقا از پنجره فولاد  
همه هستم فدای تو دل من مبتلای تو شده ام خاک پای تو

عباس

باز امشب به تو بدهکارم چونم دست تو می سپارم  
چون مادرت قسم ارباب بی اندازه من دوست دارم  
کی مثل تو انقدر آقاست کی مثل تو پرچمش بالاست  
کی مثل تو کربلا داره کی مثل تو زائرش زهراست  
همه هستم فدای تو دل من مبتلای تو شده ام خاک پای تو

ارباب

۱. بانوای: حسین سبب سرخی



## فصل سوم، ولادت امام سجاد علیه السلام

### ترک ۰۱ شعر<sup>۱</sup>

روز میلادتان چه روزی بود در مدینه هوا بهاری بود  
موج میزد نگاهتان از عشق وقت یک عکس یادگاری بود

روز میلادتان چه روزی بود چشم عالم به دست آقا بود  
سر تبریک گفتن به حسین بین خورشید و ماه دعوا بود

روز میلادتان خدا خندید فبارک دوباره نازل شد  
حضرت حق برای شیعه تو امتیازات ویژه قائل شد

روز میلادتان زحل پا شد غسل در آب حوض کوثر کرد  
شادباشش به آسمانها گوش آل امیه را کر کرد

ای کلیم مدینه نبوی مرد شب زنده دار سجاده  
همه عرش تحت سلطه توست حضرت شهریار سجاده

آسمانها به پات افتادند هر زمانی به سجده افتادی  
با زبور صحیفه ات آقا درس دلدادگی به ما دادی

۱ . بانوای: حاج ابوالفضل بختیاری

آمد ابلیس شکل یک افعی نقشه‌ای شوم را رقم بزند  
عددی نیست این فرومایه که نماز تو را به هم بزند

پوزه اش را به خاک مالیدی مرحبا آفرین چه پیکاری  
تا سلاح البکاء به دست هست چه نیازی که تیغ برداری

خاک نعلین هایتان آقا سرمه چشم حوریان بهشت  
اشک‌های زلال نافله ات عسل چشمه روان بهشت

بندگی را به من بیاموزی نروم سمت لاابالی‌ها  
کاش می‌شد بخواهی و بشوم از ابوحمزه ثمالی‌ها

سید الساجدین دعایی کن گره کور خورده در کارم  
غیر از این جا بگو کجا بروم با امید آمدم گرفتارم

سیدالعبادین نگاهی کن بی پناهم مرا تو یاری کن  
نوکرت کربلا نرفته هنوز تا نردم ز غصه کاری کن

کربلا گفتم و دلت خون شد یاد گودال و دشنه افتادی  
جگر ت سوخت از عطش آقا یاد اطفال تشنه افتادی

خنده نحس حرمله آقا شده کابوس هر شب ت ای وای  
پیش چشم ترت به یغما رفت چادر عمه زینبت ای وای

کاش می‌مردم و نمی‌خواندم سر بازارها تو را بردند  
نیزه داران عبا ی دوش ت را جای سوغات کربلا بردند

## ترک ۰۲ شعر<sup>۱</sup>

امروز را که میهمان آسمانم  
در انتظار لحظه سبز اذاتم  
حتی شده از شوق با بال شکسته  
خود را به سمت آسمانها می‌کشانم  
امشب که گرم دادن خیرات هستند  
خوب است تا وقت سحر اینجا بمانم  
من تا گره را واکنم از کارهایم  
باید دعایی از صحیفه را بخوانم  
سجاده‌ها تبریک آمد استجابت  
تسبیح‌ها هو یا علی ورد زبانم  
باید گدای حضرت سجاد باشم  
طبق وظیفه نوکر این آستانم  
آمد علی سوم این خانواده  
ارباب عقیقه کرده و خیرات داده

می خواند در گوشش عمو لالایش را  
هر شب کنارش قصه سقاییش را  
می شد بفهمی از گل لبخند ارباب  
بار دگر حال خوش باباییش را

۱. بانوای: حاج محمود کربیی

می دید چشم عمه پشت دود اسپند  
سجاد را آن خنده رویابیش را  
مشغول بازی با برادر بود اکبر  
این گونه پر می کرد او تنها پیش را  
یا حضرت سجاد می خواهد غلامت  
هم آخرت هم حاجت دنیا پیش را  
سجادی و عرش خدا سجاده توست  
از توست دارد این همه والاییش را  
من را به نام نوکری خود صدا کن  
در بین قربانی شدن هایت سوا کن<sup>۱</sup>

روح دعایت آبروی صد مسیحا است  
از آبروی توست اینکه عشق زیباست  
در چشم هایت موج می زد استجابت  
آقا دخیل چشم هایت دست دریاست  
در حالت سجده اگر چه روی خاکی  
زیر پر و بالت تمام عرش پیدا است  
پرواز را با دست بسته یاد دادی  
رد قدم هایت میان آسمانهاست  
تو شهر بانوزاده ای و سهم ایران  
اصلا حرم سازی تو بر عهده ماست

---

۱. دست هاش بسته بود وسط کوچه های کوفه، یک نفر او مد دامنش گرفت، گفت: آقا طلبکارا من کشتند، به دادم برس هیچی ندارم، گفت دست های تو بسته است دست من هم بسته است، اما تو اشاره کنی کار من درست می شه، آقا فرمود الان که دستم بسته است ولی یک مقدار منتظر بمون این ناچه من که حرکت کرد، جای پای این شستر بکن. ناچه رفت خلوت شد، شب او مد جای پای ناچه رو کند، خمره ای پر از سکه های طلا پیدا کرد، گره اش وا شد...

وقتی اصالت دارد ایران از تو و او  
با تو همیشه پرچم این خطه بالاست  
ما قوم و خویش حضرت سجاد هستیم  
ما از اهالی حسین آباد هستیم

از چشم تو رنگ دعا می‌رفت بالا  
با جمله یا ربنا می‌رفت بالا  
سر مست اهل آسمان پایین می‌آیند  
وقت دعا تا دستها می‌رفت بالا  
از گوشه سجاده ات حاجت گرفته  
صدها فرشته بی‌صدا می‌رفت بالا  
وقت مناجات همیشه نیمه شب  
از خاک بوی کربلا می‌رفت بالا  
آخر نفهمیدم از چه بعد گریه  
آه از نهادت تا خدا می‌رفت بالا  
زخمی ترین روح مناجات شبانه  
در پیش چشمت نیزه‌ها می‌رفت بالا  
تو سینه را با گریه ات بی‌تاب کردی  
تصویری از کربلا را قاب کردی

ترک ۰۳ شعر<sup>۱</sup>

نشیب‌های دل من فراز می‌خواهد  
فراز اشک مرا بر نماز می‌خواهد  
مؤید است به روح القدس قلم اما  
برای شعر سرودن نیاز می‌خواهد  
اگرچه کرده دل من خیال پردازی  
حقیقت است که عاشق مجاز می‌خواهد  
برای سفره بازش نیامدم اینجا  
گدای این در آغوش باز می‌خواهد  
اگرچه این دوشب از جام کربلا مستم  
ولی دوباره شراب حجاز می‌خواهد  
پیاله‌ای بدهیدم که دم زخم حق را  
دوباره زنده کنم خاطر فرزدق را

نسیم پنجم شعبان ز راه آمده است  
صدای پای بهاران ز راه آمده است  
بین بدون پیمبر بدون جبرائیل  
دوباره آیه قرآن ز راه آمده است  
میان بیشه شیران هاشمی امشب  
غزال عرصه ایمان ز راه آمده است  
فقط نه اینکه ز راه آمده عزیز عرب

۱. بانوای: حاج سیدمهدی میرداماد

عزیز دختر ایران ز راه آمده است  
شب تولد فرزند شاه دختر ماست  
زیان مادری او زیان کشور ماست

کسی که شد ششمین نور سوره انسان  
کسی که خسته شد از سجده‌های او شیطان  
کسی که هست تجلی پنج تن در او  
کسی که شد پدر هشت قبله ایران  
کسی که با نفس یک غلام ساده او  
نفس گرفته زمین مدینه از باران  
کسی که موقع انفاق بین سائلها  
ملقب است دل شب به صاحب انبان  
به حق او حجرالاسودی شهادت داد  
که جز به حق علی وا نکرده ست دهان  
به حیرت است کنار حجر دو چشم هشام  
ز اهتمام خلایق به احترام امام<sup>۱</sup>

بخوان که ضبط کند آسمان صدایت را  
صحیفه پخش کند بعد از این نوایت را  
برای آنکه بخوانیم لا تُعَدُّبُنِي  
بخوان برای ابو حمزه‌ها دعایت را

---

۱ . عبدالملک مروان خلیفه غاصب آن زمانه، آمد کنار کعبه، با آن خدم و حشم، کسی محالش نداشت، اصلاً کسی نگاهش نکرد، بهش برخورد، یک مرتبه دید جمعیت داره کنار می‌ره، خود به خود کوچه باز می‌کنه، همه دست به سینه عقب می‌رند و می‌ایستند، همه به یک آقایی خیره شدند، احترام می‌گذارند، هشام با اون عظمت پرسید کیه این مرد؟ بهش گفتند: نمی‌دونی این کیه؟ گفتند این علی بن حسین بن علی بن ابیطالبه...



تو با زبان خدا حرف می‌زنی آخر  
چگونه یاد بگیریم ربنایت را  
بیا و بعد دعا روضه هم بخوان امشب  
بیا و شرح بده داغ کربلایت را  
بیا بگو چه کشیدی تو در چهل منزل  
بگو که بست به زنجیر دست و پایت را

ترک ۰۴ سرود<sup>۱</sup>

فرشته داره باز خبر می آره بارون رحمت خدا می باره  
می ریزه از آسمونا ستاره  
بازم دوباره  
شب شب تو شب من شب نور دل دوباره شده شاد و مسرور  
بزم مستی دوباره شده جور  
چشم حسود کور  
نگاه تو من تا مدینه می کشونه  
دوباره می خونم صحیفه عاشقونه  
آقا جون آقا جون دوست دارم یه عالمه  
آقا جون آقا جون هرچی بگم بازم کمه  
نفس کشیدن بی شما حرومه بی شما عشق و عاشقی کدومه  
اگه نگاه لطف تو نباشه  
کارم تمومه  
باز گرفته شب تو چشام زود بده روزی کربلام  
من می گیرم به سمت تو آقا  
دست دعائم  
دعاهای شما من خدایی می کنه نگاه تو من کربلایی می کنه  
آقا جون آقا جون دوست دارم یه عالمه  
آقا جون آقا جون هرچی بگم بازم کمه

۱ . بانوای: حاج ابوالفضل بختیاری



ترک ۵۰ سرود<sup>۱</sup>

سر زده باز ستاره ارباب ما دوباره

می خواد گل از خدا بگیره

تو آغوش کریمش بدون استخاره می خواد علی جا بگیره

قبله تقوا و یقین آینه حبل المتین پا می ذاره روی زمین

عاشق و دل داده علی سجده و سجاده علی جام می و باده علی

مددی زین العابدین ای شاه دین

دیدنیه نگاهش صورت قرص سیب دو نیم علیه

عطر خوش نمازش دستای باز بازش دست کریم علیه

چشمای بارونی داره مادر ایرونی داره سفره پر نونی داره

شکل و شمایل حیدره قول و عمل پیغمبره از همه عالم سره

مددی زین العابدین ای شاه دین

۱. بانوای: حاج مصطفی روحانی

ترک ۰۶ سرود<sup>۱</sup>

دلها با صفا از روی دلبر سجاده گرفته عطر کوثر  
می آید شمس عالمتاب هستی حضرت ارباب  
یا مولا سیدی سجاد  
وصلت می کنیم با آل زهرا دختر می دهیم به پور مولا  
شه بانو خانه ات آباد نام تو آبرومان داد  
یا مولا سیدی سجاد

---

۱. بانوای: حاج منصور ارضی



### ترک ۰۷ سرود<sup>۱</sup>

ای گل رعناى حسين على على مرهم درداى حسين على على  
نغمه لبهاى حسين على على

تو امير دلهايى تو امام سجادى تو امير دريايى عاشقى يادم دادى  
تو به من گفتى خدا دو سم داره برا عاشق ابر رحمت مى باره  
هركى با فاطمه يا على مى گه روز محشر ديگه ماتم نداره  
اسم زيبات عليه على على قد و بالات عليه على على  
دين و دنياى عليه على على

من كه وجودم عليه على على بود و نبودم عليه على على  
ذكر سجودم عليه على على

آسونُ ديدم تا روى خاكت افتادم

من هلاک ارباب و سينه چاک سجادم

هركى معبودُ عبادت مى كنه انگارى تو رو زيارت مى كنه  
ديگه هيچى جز خدا نمى بينه دل هركى به تو عادت مى كنه  
تو دلا زمزمه اى على على نوه فاطمه اى على على

تو اميد همه اى على على

تموم دنيا يه طرف على على

عشق تو آقا يه طرف على على

اى نوه شاه نجف على على

با همين دل تا محشر دل به عشقت مى بازيم

با همين دستا يک روز گنبدت رو مى سازيم

۱ . بانواى: حاج محمود كرى

یه روزی می‌آد فدای تو می‌شیم  
راهی کربلای تو می‌شیم  
یه روزی از حرم ام‌بنین      وارد صحن و سرای تو می‌شیم  
وجنات علیه علی علی      سکنات علیه علی علی  
تو صفات علیه علی علی



## ترک ۰۸ سرود<sup>۱</sup>

ولادت امام العارفینہ علی اومد دوباره تو مدینہ  
حسین فاطمہ اسیر روی پسر بانوی ایران زمینہ  
عید شما مبارک روز خدا مبارک  
امشب بگو کہ جشن ایرانیا مبارک  
تاج سر اومده یا دلبر اومده  
زہرا جاش خالیہ باز حیدر اومده  
نور الہی بہ زمین رسیدہ برا حسین یہ جانشین رسیدہ  
امام زین العابدین رسیدہ  
راہی واسہ راز و نیاز آوردند یہ دلیلی واسہ نماز آوردند  
آگہ می‌خوای حاجتت بگیر ی بدو بیا کہ چارہ ساز آوردند  
عکس یہ شاخ شمشاد تو چشم ارباب افتاد  
امشب خدا برامون باز دستہ گل فرستاد  
زینب دونه دونه اسفند می‌سوزونہ  
شہربانو حالا شد شاہ بانوی خونہ  
صدای تبریک حسن بلندہ ام البنین دارہ حنا می‌بنده  
علی رو دستای علی می‌خندہ  
کنار سجادہ زبون می‌گیرہ عرش خدا بہ خدا جون می‌گیرہ  
خودش کہ ہیچ آگہ غلام سیاهش یہ اشارہ کنہ بارون می‌گیرہ  
حتی می‌گند فرشتہ با اینکہ تو بہشتہ  
ہی از روی صحیفہ اش تکلیف شب نوشتہ

۱. بانوای: حاج محمد رضا طاہری

ای تندیس دعا شاه اهل بکا  
باتو ماه رمضون می ریم سمت خدا  
با ابو حمزه ما رو آشنا کن به مناجات می ری ما رو دعا کن  
نصیبمون مدینه کربلا کن



### ترک ۰۹ شور<sup>۱</sup>

کسی که از دنیا بی‌نیازه اهل رازه  
تو بندگی وقتی سربه زیره سرفرازه  
راه رسیدن بال پریدن خدا رو دیدن یه نمازه  
بنده نگات آزاده عشقه  
زائر چشات تو جاده عشقه  
خاک زیر پات سجاده عشقه  
یا زین العابدین مدد  
گل افتاده صورت سپیده نورسیده  
بس که ابوفاضل از جمالش بوسه چیده  
دلَم می‌خونه شده دیوونه تو آسمونه شب عیده  
جلوه نور علی تو نگاهشه کعبه هرکجا همیشه باهاشه  
زندگی ما همه به فداشه  
یا زین العابدین مدد  
دلی که شوق مدینه داره دست یاره  
برای پابوسی و زیارت رهسپاره  
یه جا می‌شیننه روش ببینه عاشقی اینه بی‌قراره  
داره می‌ره دل دیدار بقیعش وقتی می‌رسه کنار بقیعش  
سر می‌ذاره رو دیوار بقیعش  
یا زین العابدین مدد

۱. بانوای: حاج سید مجید بنی فاطمه

## ترک ۱۰ شور<sup>۱</sup>

شب و دل بیتاب ستاره و مهتاب  
یه علیه دیگه اومه تو خونه ارباب  
دل آسمونی داره از علی نشونی داره  
هم وطنومه آخه یه رگ ایرونی داره  
عیدی می‌گیرم از حسین می‌رم تا بین الحرمین  
علی علی بن الحسین  
صحیفه مولا داره بوی تقوا  
می‌گیره ازش روزی ماه رمضون دنیا  
فدای سوز سحرش فدای چشای ترش دعا که می‌خونه می‌شه  
خیلی شبیه مادرش  
شادند همه حسینیا اومد سفیر کربلا  
علی علی بن الحسین  
می‌گیره دلامون برای آقامون  
الهی کنیم همچین شی بقیع چراغون  
مدینه با صفا می‌شه چه حرمی بپا می‌شه  
یه گنبد و ضریح و یک باب الحسین به پا می‌شه  
قلبم به یاد تو شکست پشت در بقیع نشست  
علی علی بن الحسین

۱ . بانوای: حاج محمدرضا طاهری



## فصل چهارم، میلاد حضرت علی اکبر علیه السلام

ترک ۰۱ شعر<sup>۱</sup>

عاشقی را کمی خطر باید	دل مجنون و دربه در باید
وصل بی دردسر گوارا نیست	همره وصل دردسر باید
تا رسیدن به خانه لیلا	بار بستن از این گذر باید
مهر اولاد را مجو از دل	جستجو کردن از جگر باید
صدقه دادن پسر داران	از همه هرچه بیشتر باید
این پدر را چنین پسر باید	این پسر را چنان پدر باید
کربلا درس می‌دهد به همه	زیر پای پدر پسر باید
السلام ای صفای شش گوشه	عرش پایین پای شش گوشه

آمدی جذبه چمن باشی	اسوه نسل سینه زن باشی
آمدی تا که غرق ذات خدا	آمدی غرق خویشتن باشی <sup>۲</sup>
آمدی تا که بعد پیغمبر	حاجت مردم قرن باشی
آمدی ای عصای دست حسین	پسر دیگر حسن باشی

۱. بانوای: حاج منصور ارضی

۲. دو بچه دارد ابی عبدالله که مانند ندارند، نوشتند اینها غرق خدا بودند، یکی سکینه خاتم بود لذا تا آخر عمرش تا زمان امام صادق ازدواج نکرده چون پایه و کفو نداره یکی هم علی اکبره...

آمدی تا که نسل ابراهیم  
روح زهرا و مصطفی و علی  
با چه ظرفیتی توانستی  
لیله القدر در نزول اکبر  
را تو مهتاب انجمن باشی  
سه نفر بین یک بدن باشی  
یک تنه کل پنج تن باشی  
اشبه الناس بالرسول اکبر

سدره المنتهی ثمر داده  
نوکران را زخانه ارباب  
خاک پای تو بر دل سنگم  
حاجت مانده مرا ارباب  
باغ آیین برگ و بر داده  
حضرت عشق تاج سر داده  
ارزش کیمیا و زر داده  
با نگاه تو بیشتر داده  
بسکه سرمست گشته اوگویی  
به حسن هم خدا پسر داده  
نوه داری چه لذتی دارد  
مرتضی اشک شوق می بارد

یا دادی بهار بودن را  
و تو آموختی چه خوب آقا  
دست تو هر سلاح و شمشیری  
به تو آموخته بوسه عباس  
از حسن سفره دار بودن را  
حس کند ذوالفقار بودن را  
فاتح کارزاز بودن را  
چاره‌ای جز فرار بودن را  
زیر پایت غبار بودن را  
سر به زیر و کنار بودن را  
در امامت امامزاده تویی  
یوسف اهل خانواده تویی

از نگاه تو سروری می ریخت  
و جنات تو فاطمی بود و  
زیر سجاده مناجات  
سر بازار یوسف حسنت  
معجزات پیمبری می ریخت  
از تورفتار حیدری می ریخت  
بال جبریل عجب پری می ریخت  
فقط از عرش مشتری می ریخت  
سر الله اکبری می ریخت  
از اذانت فقط نه از نامت



همه وابسته تو در خانه  
یا علی زیر رقص شمشیرت  
بسکه از تو برادری می‌ریخت  
سریل‌های لشکری می‌ریخت  
تا شود دور چشم هر بد دل  
صدقه می‌دهد ابوفاضل

از خداوندمان که می‌گویی  
دل بابا به وجد می‌آید  
از مسیر جنان که می‌گویی  
دم مغرب اذان که می‌گویی  
تو بیا و خودت مرا برسان  
به همان آسمان که می‌گویی  
کاش باشم همان که می‌خواهی  
کاش باشم همان که می‌گویی  
از غلامان حلقه بر گوشم  
به روی چشم آنکه می‌گویی

پشت پایت دعای بابا بود  
عطش تو مجال رفع عطش  
رینا رینای بابا بود  
از لب و بوسه‌های بابا بود  
خواهران بعد رفتنت گفتند  
علی اکبر عصای بابا بود  
ولدی یا علی علی ولدی  
آخرین ناله‌های بابا بود  
آن چه در بین خنده‌ها گم شد  
گریه بی‌صدای بابا بود  
به پسر ارث می‌رسد ز پدر  
کفن تو عبای بابا بود  
عمه و چشم دشمن و معجر  
آخرین ماجرای بابا بود  
چشم تو روشن ای غیور حرم  
عمه آمد میان نامحرم

## ترک ۰۲ شعر<sup>۱</sup>

گرچه دارد بی عدد زیبا اثر نقاش تو  
از تو زیباتر کجا دارد دگر نقاش تو  
کرده با نقش تو خود را جلوه گر نقاش تو  
با رخت بر رخ کشیده صد هنر نقاش تو  
بس نمک خرج تو کرده با شکر نقاش تو  
عاشقت باشد ز هر کس بیشتر نقاش تو  
شد قیامت بسکه سیمای تو را محشر کشید  
گوییا الله اکبر گو علی اکبر کشید

بر تو و بر آنکه نقشت را قلم زد آفرین  
بر تو و سرپنجه‌های حی سرمد آفرین  
آفرین هم بر تو و هم آل احمد آفرین  
هریکی را در دو عالم باد بی حد آفرین  
بیش از آن خلقی که هر دم بر تو گوید آفرین  
گفته صورت آفرین بر صورتت صد آفرین  
جان خود دادن به جانان گشت رسم عالمین  
از همان روزی که خالق هدیه دادت بر حسین

با تو بسته دست مهر و ماه و اختر را حسین  
با تو رسوا کرده هر از ماه بهتر را حسین

۱ . بانوای: حاج حیدر توکل



با تو دارد احمد و زهرا و حیدر را حسین  
در تو بیند حسنهای هر پیمبر را حسین  
تا تو را دارد چه حاجت در و گوهر را حسین  
قدر زر زرگر شناسد قدر اکبر را حسین  
زاده لیلا که هر لیلاست مجنونت علی  
هست مجنونت تمام عمر ممنونت علی

این که من هم از تو می‌خوانم ز آقای توست  
این که بر خوان تو مهمانم ز آقای توست  
مور اما با سلیمانم ز آقای توست  
آن که خود را از تو می‌دانم ز آقای توست  
گر بود یک ذره ایمانم ز آقای توست  
این که جایی در نمی‌مانم ز آقای توست  
تا ملائک حلقه بر گوشان دربار تواند  
نوکرانی همچو من یک عمر سربار تواند

جز به گلزار تو کی خاری چو من گل می‌کند  
جز تو کوه صبر کی ما را تحمل می‌کند  
جز تو بر کاهی چه کس کوهی تفضل می‌کند  
بدتر از من را گل روی تو بلبل می‌کند  
خوب داند دل اگر بر تو توسل می‌کند  
استجابت را خدا با تو تقبل می‌کند  
یا علی اکبر مرا اگر آبرو باشد ز توست  
گرچه حتی کمتر از یک تار مو باشد ز توست

این جوان کیست که سیمای پیمبر دارد

قد و بالایی قیامت رخ محشر دارد  
گاه عباس به میدان زده گاهی اکبر  
چقدر آل نبی حمزه و حیدر دارد  
بی شمار است به دورش ملک حلقه به گوش  
نخورد چشم علی این همه قنبر دارد  
سپر اهل حرم سینه سپر رهسپر است  
خرم آن دل که چنین یار دلاور دارد  
دل به دریا زده دریا دلی و چشم تر  
به ترک‌های لب خشک برادر دارد  
چشم بد دور که نزدیکی چشمه است علی  
خوب پیدا است که اکبر غم اصغر دارد  
از جگر گوشه به گوش پدر از هر گوشه  
دشت می‌گفت که دشتی علی اکبر دارد





### ترک ۰۳ شعر<sup>۱</sup>

دل حرم می‌شود سحرگاهی      که شود صحن دیده ترگاهی  
قطره آب در مرور زمان      می‌کند در حجر اثر گاهی  
دل من سخت ترزسنگ که نیست      امتحان کن بر این جگر گاهی  
ای خریدار بر رضای خدا      جنس پس مانده را بخر گاهی  
یعنی آن قدر بی‌بها هستم      نیستم لایق نظر گاهی  
بین سجاده دیده بر راهم      نیمه شب می‌شود خبر گاهی  
بنده‌ای را که دست و پا گیر است      مهرت تا خدا بر گاهی  
قتلگاهی به پا کنی با ناز      گر ازین جا کنی گذر گاهی  
پسری که کریم زاده بود      می‌کند جلوه پدر گاهی  
تاج اصحاب یا علی اکبر      یابن ارباب یا علی اکبر

تو مظهر شدی ز هر چه بدی      تا بگوئی ز نسل لم یلدی  
صد و ده بار هو کشم ز جگر      که تو با کعبه زاده هم عددی  
همه دلگرمی ام محبت توست      یابن لیلا «علیک معتمدی»  
گر تو شاگرد مجتبی هستی      دست خالی نمی‌رود احدی  
ناز تو فاطمی تر از همه است      راه دل بردن از علی بلدی  
نوه ارشد دو دریایی      موجی از عشق گاه جنر و مدی  
جای مادر بزرگ تو خالی      زود پر زد به وادی ابدی  
تو ز هر پنج تن نشان داری      تو حدیث کسای مستندی  
جز برای دل ابوفاضل      پرده از روی خویش پس نزدی

۱. بانوای: حاج محمود کریمی

تا خدا پرده از رخ تو کشید چشم عباس مرتضی را دید

تا که بابا تو را صدا می‌کرد  
باناگاهی به قدوبالایت  
تو که هستی که پیر میخانه  
ای دل آرام خوش صدای حجاز  
آتش روی بام خانه تو  
هر کسی داشت نذر پیغمبر  
دور از چشم شور مردم شهر  
بوسه‌ای از لب تو هر درد  
گوشه‌ای می‌نشست و با زینب  
بعد می‌گفت این پسر غوغاست  
چقدر شکل مادرم زهراست

تو ز اجداد خود چه کم داری  
وارث آدم و کلیم و مسیح  
گشته شش گوشه این حرم یعنی  
تو ز پایین پا ولایت بر  
ما به نام تو سینه زن شده ایم  
تو که باب الحوائجی بی‌شک  
یک قلم تو عقب تر از عباس  
شانه هایت ز بس مودب بود  
نسبی پاک و محترم داری  
بهر احیای مرده دم داری  
تو جداگانه یک حرم داری  
کرسی و نون و والقلم داری  
حق شاهی بر عجم داری  
بس که آقای و کرم داری  
بر سر دوش خود علم داری  
دومین تکیه گاه زینب بود

۱. می‌دونید چرا حسین ذوق می‌کرد علی رو صدا می‌زد؟ برا اینکه حسین هیچ وقت علی رو علی صدا نزدند، می‌گفتند بابا، خدا به او علی داد این لفظ حسین بگه، همه به مولا می‌گفتند یا علی یا ابالحسن، اما حسین و زینب می‌گفتند بابا، فقط برا علی اکبر لفظ علی رو بکار می‌برد...

خیز و شمشیر مرتضی بردار  
زره مصطفی بپوش علی  
نعره‌ای زن منم علی اکبر  
هم چو شیری بزن به قلب سپاه  
ضجۀ کوفه را در آوردی  
هر طرف تاب می‌دهی تیغت  
تشنگی را بهانه فرمودی  
لب نهادی بر آن لبان خشک  
کی محاسن سپید در بندم  
تا که دل کنده از تو بابا شد  
بزن ای شیر بر دل کفار  
در رکاب عقاب پا بگذار  
نوه حق حیدر کرار  
تا بریزی به هم مین و یسار  
ای ابر مرد عرصه پیکار  
پشته سازی ز کشته بسیار  
رو نمودی به جانب دلدار  
گفتی آهسته این سخن با یار  
دست خود از محاسنت بردار  
بال‌های شهادتت وا شد

ناگه از دشت یک صدا آمد  
پدر آمد ولی چه آمدنی  
پیرمری‌کنار نعش جوان  
روضه‌ات گشته شرح موت حسین  
آن چنان نعره زد علی ولدی  
دست خود را گرفته روی سر  
شد حسین زنده با دم زینب  
باتن ز بخت به هم چه کند  
شب جمعه است بس کن ای شاعر  
هر شب جمعه کربلا غوغاست  
نالۀ ای پدر بیا آمد  
چه کسی گفته روی پا آمد  
با سر زانو از قفا آمد  
وسط هلله نوا آمد  
نالۀ اش بین که تا کجا آمد  
زینب از سوی خیمه‌ها آمد  
پای معجر میان تا آمد  
نوبت یاری عبا آمد  
چون که مادر به کربلا آمد  
فاطمه روضه‌خوان کرب و بلاست

## ترک ۰۴ شعر

بین گهواره چو آرام گرفت آهسته  
عشق از دست خدا جام گرفت آهسته  
مستی آغاز شد از خنده مستانه یار  
دور شد آینه در آینه شد خانه یار  
دست لیلاست که دادست به عالم هیجان  
یا که باز آمنه آورده محمد به جهان  
به عقب رفته زمان مکه و عام الفیل است  
خانه آمنه زیر پر جبرائیل است  
اشبه الناس به پیغمبر خاتم آمد  
به دل زخمی این طایفه مرهم آمد  
باز هم ماه بنی هاشم اذان می گوید  
دائم از خوبی این پاره جان می گوید  
چقدر خنده به این صورت و لب می آید  
چه کسی باز چنین تک پسری می آرد  
سرور کل جوانان جهان آمده است  
صف به صف حور و ملک رقص کنان آمده است  
چشم لیلا همه دم نورفشان خواهد شد  
عالم پیر دگر باره جوان خواهد شد

ای آنکه بُود فخر زنان مادر تو  
قربان تو و دست علی پرور تو  
در بین جوانان جهان تا به ابد  
پیدا نشود مثل علی اکبر تو

### ترک ۵۰ شعر ۱

عشقت میان سینه من پا گرفته است  
شکر خدا که چشم تو ما را گرفته است  
دریاب دلها را به یک گوشه نگاهی  
حالا که کار عاشقی بالا گرفته است  
از کودکی آواره کوی تو هستم  
دست دلم را حضرت زهرا گرفته است  
عمریست آقا جان دلم از دست رفته  
پایین پای مرقدت ما وا گرفته است  
گیسو کمند خوش قد و بالای ارباب  
شش گوشه هم با نور تو معنا گرفته است  
مانند جدت رحمه للعالمینی  
حیف است دست خالی ما را ببینی

زلف تو را موی پریشان می شناسد  
چشم تو را آیات باران می شناسد  
عطر تو و پیراهنت را یوسف شهر  
کوچه به کوچه صبح کنعان می شناسد  
اعجاز چشمان تو را آیه به آیه  
آری دل تازه مسلمان می شناسد

۱. بانوای: حاج محمود کریمی

آقا کرامات نگاه روشنت را  
خورشید در هر صبحگاهان می‌شناسد  
خشم و خروش و هیبتت را بین میدان  
هوهوی رعد و برق طوفان می‌شناسد  
خورشید از شرم نگاهت رو گرفته  
در ساحل نورانیت پهلو گرفته

بالتر از حد تصویرها کمالت  
دل می‌برد از مردم عالم خیالت  
صبح ازل چشمان مبهوت ملائک  
بودند شیدای تماشای جمالت  
می‌جوشد از خاک قدمهای تو زمزم  
کوثر شراب خانگی لایزالت  
کی می‌شود با بالهای این چینی  
پرواز تا اوج شکوه بی‌مثالت  
آنجا که بال جبرئیل آتش بگیرد  
بام نخست پر کشیدنهای بالت  
خَلَقًا و خُلُقًا، منطقا عین رسولی  
دیگر چه گویم از تو و خوی و خصالت  
وقتی که تکبیرت طنین انداز می‌شد  
می‌گفت لیلا مادرت شیرم حلال  
می‌ریزد از عطر نگاهت یاس آقا  
تنها تویی هم‌شانه عباس آقا

هر صبح بر لب نغمه تکبیر داری  
تو آفتابی صبح عالمگیر داری

با حلقه‌های گیسوی پر پیچ و تابت  
صد کاروان دل در دل زنجیر داری  
از لهجه ات بوی خدا می آید آقا  
هر گاه بر لب نغمه تکبیر داری  
از میمنه تا میسره می‌باشد از هم  
وقتی که در دستان خود شمشیر داری  
باید برایت ذوالفقاری دست و پا کرد  
حیدر شدی و هیبتی چون شیر داری  
از شوکت چشم تو دشمن می‌گریزد  
پلکی بزن تا عالمی بر هم بریزد

حالاکه خاکم را سرشته دستهایت  
بگذار باشم تا همیشه خاک پایت  
بال و پری می‌خواهم امشب از تو آقا  
تا که تمام عمر باشم در هوایت  
آه‌ای اذان گوی سحرهای مدینه  
یاد نبی را زنده می‌سازد صدایت  
ای کاش چشمانم تبرک می‌شد امشب  
گرد و غبار بال خاکی عبایت  
ای زینت کربلای حضرت عشق  
بگذار باشم زائر پایین پایت  
عمریست از مهر تو در دل توشه دارم  
شوق طواف مرقد شش گوشه دارم

قنداق رو دست علی دادند، امیرالمونین علی اکبر بغل کرد، آقا  
اسم این بچه رو چی گذاشتی؟ علی باشه حسین حرفی نمی‌زنه  
گفت بابا من از شما سبقت نمی‌گیرم، هرچی شما بگید، علی هم



می‌دونه که ابی عبدالله گفته اگه خدا هزار تا پسر بهم بده اسم  
همشون می‌ذارم علی، فرمود اسم این بچه علیه، اما حسین جان  
همه بدونند مثل این علی دیگه در عالم نمی‌آد...

### ترک ۰۶ شعر<sup>۱</sup>

سجده آور که وقت تکریم است	قلم امشب زمان تعظیم است
غسل روحت به آب تسنیم است	غسل روحم به چشمه سار رجب
بهترین روز بین تقویم است	از چه ساکت نشسته‌ای برخیز
شادی اهل بیت تنظیم است	ساعت شادی دل ما با
ای قلم باز وقت تقسیم است	آمد آئینه رسول الله
علی اکبر همان یکی نیم است	نیمی از سیب عشق پیغمبر
از خدا آمدت سلام علی	جمع پیغمبر و امام علی

حضرت حیدر امام حسین	آه پیغمبر امام حسین
بوسه نوبر امام حسین	اولین بار بر لب تو رسید
حکم بال و پر امام حسین	دستهای تو بعد از این دارد
لحظه‌ای محضر امام حسین	ننشستی به جز به رسم ادب
به علی اکبر امام حسین	قسم راست به جوانیمان
آنکه ما را نجات داده تویی	ما گداییم و شاهزاده تویی

مثل حیدر شجاعت بوده	مثل زهرا عبادت بوده
مثل بابا سخاوت بوده	به حسن رفته‌ای زمان کرم
محو در قد و قامت بوده	شب میلاد عموی سرو قدت
حکم تثبیت عصمت بوده	عنهم الرجس در زیارت تو
سندی بر بصیرت بوده	أفلسنا علی الحقت بی‌شک

۱. بانوای: حاج سیدمجید بنی فاطمه

بیش از این باید احترام شوی      شأنت این بود که امام شوی

نام تو کوه را تکان بدهد      روشنایی به آسمان بدهد  
خط و مشی تو ای جوان حسین      راه را یاد هر جوان بدهد  
صبح روز دهم به مأذنه‌ها      با صدایت خدا اذان بدهد  
پدرت نه امام تو بایسد      به فراق تو امتحان بدهد  
داغت آنگونه بود که می‌رفت      پدر تو سه بار جان بدهد  
موقع رفتنت کنار تنت      وقت تشییع کردن بدنت

### ترک ۰۷ شعر<sup>۱</sup>

دل عشاق که پر می‌گیرد      فقط از عشق خبر می‌گیرد  
از جگر آتش‌آگر می‌گیرد      عشق را مد نظر می‌گیرد  
مذهب مطلقه ما عشق است      منطق منطقه ما عشق است

بی دل آن است که دل داده به تو      کار و بارش فقط افتاده به تو  
سجده کرده سر سجاده به تو      می‌رسد آخر این جاده به تو  
بسکه آماده مجنون شدنی      راهی جاده مجنون شدنی

ما همه در به در لیلاییم      سائل پشت در لیلاییم  
بیشتر دور و بر لیلاییم      زیر دین پسر لیلاییم  
تو علی‌اکبر لیلای هستی      نوه اول زهرا هستی

کیستی محشر در گهواره      فاتح خیبر در گهواره  
یا که پیغمبر در گهواره      خنده ات اکبر در گهواره  
همه را یاد نمی‌انداخت      یاد میلاد نمی‌انداخت

سائلت از تو غنی خواهد شد      خاطرات حسنی خواهد شد  
معجزات علنی خواهد شد      غیر ممکن شدنی خواهد شد  
تألیت میل به انگور کند      می‌تواند پدرت جور کند

۱. بانوای: حاج مصطفی روحانی

دشت را معرکه محشر کن      کربلا را پسر پیغمبر کن  
پدرت پیر شده باور کن      قبل لب تشنه شدن لب تر کن  
تا که پشت پدری تا نشود      پسری خوش قد و بالا نشود

ترس زیبا شدنت را چه کنم      یا معما شدنت را چه کنم  
در عبا جا شدنت را چه کنم      اربا اربا شدنت را چه کنم  
از روی اسب زمین خورد حسین      نفست قطع شد و مرد حسین

ترک ۰۸ شعر<sup>۱</sup>

رود نه از راه دریا آمده  
آسمان نه عرش اعلا آمده  
من نوشتم ماه امشب سر زده  
تو بگو خورشید فردا آمده  
طاق کسری بر خودش لرزید و گفت  
باز پیغمبر به دنیا آمده  
چون که صد آمد نود هم پیش ماست  
پس بگو امشب مسیحا آمده  
خواب او را هم نمی بیند کسی  
بس که او مانند رویا آمده  
آی مجنون کوری چشم حسود  
کف بزن فرزند لیلا آمده  
حسن دلخواه بنی هاشم رسید  
دومین ماه بنی هاشم رسید

دل که شد خرسند چیز دیگری است  
چهره با لبخند چیز دیگری است  
تا که کام عشق را شیرین کنی  
بوسه‌ای چون قند چیز دیگری است

۱. بانوای: حاج سیدمهدی میرداماد

من اسیر تیغ ابرویم ولی  
آنچه دل را کند چیز دیگری است  
حرف بسیار است اما موی دوست  
موقع سوگند چیز دیگری است  
نخل تنها یک ثمر دارد ولی  
میوه پیوند چیز دیگری است  
نیست فرقی بین فرزندان ولی  
اولین فرزند چیز دیگری است  
میوه شیرین نوبر آمده  
از همان آغاز اکبر آمده

بی تو هر قدیس شیطان می شود  
با تو نصرانی مسلمان می شود  
روز محشر با پیمبر برنخیز  
بینتان جبریل حیران می شود  
معتقد هستم که با چشم تو هم  
عالم ایجاد سلمان می شود  
هر فضیلت مصرعی باشد اگر  
دفتر تو باز دیوان می شود  
گوشه چشمت نه لب ترکند  
هر ستونش نور باران می شود  
میوه عمر پدر آهسته تر  
دارد اربابم هر اسان می شود  
گفت در پشت سرت بابای تو  
ای به قربان قد و بالای تو

### ترک ۰۹ شعر<sup>۱</sup>

از شوق امشب دیده زمزم شد  
حاجت گرفته از خدا هرکس  
زیباتر از خلد برین عالم  
فرزند لیلا دیده چون وا کرد  
عباس بود و با علی اکبر  
با لب زدن بر جام تسلیمش  
در عالم زر تا اذان فرمود  
حیدر اگر مصداق داور بود  
یک گوشه از عمامه مولا  
حیدر علی اکبر دنیاست

روحم به رسوایی مصمم شد  
مشتاق حسن روی خاتم شد  
از زاده ارباب عالم شدد  
حسرت گریبان گیر مریم شد  
پشت امامت قرص و محکم شد  
موسی نبی شد آدم آدم شد  
عیسی به اذنش صاحب دم شد  
این طفل حیدر را مجسم شد  
کم شد ولی اکبر معمم شد  
اکبر علی اکبر مولاست

شهزاده در دربار می آید  
روح الامین تکبیر می گوید  
با رشته جان حضرت یوسف  
حلاج با ذکر علی هو  
ای ام لیلا نام فرزندات  
خوش باش چون درامنت شیری  
چشمش پی شمشیر و بر لب شیر  
هم تای عباس علی در جنگ  
ای ام لیلا پر در آوردی

با غمزه بسیار می آید  
پیغمبری انگار می آید  
امشب سر بازار می آید  
با سر به پای دار می آید  
از جانب دادار می آید  
از نسل حیدر بار می آید  
سر دارها سردار می آید  
یا حیدر کرار می آید  
بهر حسینت حیدر آوردی

۱. بانوای: حاج محمود کریمی



ای ماه رخسارت نمایان کن  
ای ساقی از خم خانه وحدت  
رویم به سوی قبله کن آنگاه  
اسلام من شور ولای توست  
بیمار هجر خویش را از لطف  
ای یوسف مصر دل ارباب  
تو اکبر اربابی ای اکبر  
ای پادشاه کشور دها  
از ماذنه بفرست ابر مهر  
این است صور عرصه محشر  
وقتی که مردم روی پنهان کن  
یک جرعه در جام خماران کن  
با تیغ ابرو ذبح ایمان کن  
سلمان خود را خود مسلمان کن  
با شوکران ناز درمان کن  
جامی به رحل اهل کنعان کن  
هم شان اکبر لطف و احسان کن  
فکری به حال ما گدایان کن  
بر این بیابان عزم باران کن  
الله اکبر از علی اکبر

### ترک ۱۰ شعر<sup>۱</sup>

پیش گرسنه بوی غذا زود می‌رسد  
وقت کرم همیشه گدا زود می‌رسد  
ذکر علی که هست عطا زود می‌رسد  
زهرای مرضیه به خدا زود می‌رسد  
تا در زدیم فاطمه تحویل‌مان گرفت  
تا آمدیم فاطمه تحویل‌مان گرفت

وقتی ادب به سفره آماده واجب است  
ساغر که کوثریست دگر باده واجب است  
پیش کریمها سر افتاده واجب است  
بوسه به پای حضرت شه زاده واجب است  
خورشید عشق در شب مهتاب آمده  
مردم علی عالی ارباب آمده

هفت آسمان به شوق تماشا نشسته اند  
زوارهای جلوه مولا نشسته‌اند  
اینها که با اجازه زهرا نشسته اند  
با تاج گل به خدمت لیلا نشسته‌اند  
الحق عروس ساقی کوثر شدن خوش است  
الحق که مادر علی اکبر شدن خوش است

۱ . بانوای: حاج حسین سازور

حالا دوباره خانه پری خانه می‌شود  
آئینه از جمال تو دیوانه می‌شود  
این زینب است گرد تو پروانه می‌شود  
دارد چه خوب گیسوی تو شانه می‌شود  
مولا و ان یکاد روی لب نشست اش  
کوری چشم سومی و دار و دسته اش

## ترک ۱۱ سرود

شده خورشید دوباره منجلی تا خود صبح می‌گم علی علی  
نور حیدر یا شعاع کوثر نور عرش اعلاست که دوباره تابیده  
امشب حق به تبار زهرا به تمام دنیا بازم علی بخشیده  
دل و دلبر علی اکبر خیر کوثر علی اکبر  
تو کربلا تویی حیدر علی اکبر  
مث حیدر بگو علی اکبر  
قنذاقه روی دست حیدره چشم علی تو چشم پیمبره  
داره دل از مدینه می‌بره این علیه یا که پیمبره  
شده پیدا از تبار مولا جلوه زهرا که پا رو زمین می‌ذاره  
قد و بالاش نگاهای گیراش هیبت بی‌همتاش نشون از علی داره  
چشای حسن خریدارش عمو عباس هوادارش  
هرکی دل به عشق علی داده علی یارش  
با پیمبر بگو علی اکبر  
ای که پی شهود کاملی رمز نجات چیه فقط علی  
اومده تا شیر خدا بشه فاتح بدر تو کربلا بشه  
اومده تا با دعای مادر مث شیر صفدر بشکنه صف اعدا  
بشه زنده با رجز خونیهاش یاد علی اعلا توی کربلا  
مثل علی مست تکبیره توی معرکه چنان شیره  
تا روز جزا مرام علی نمی‌میره  
مث مادر بگو علی اکبر

## ترک ۱۲ سرود<sup>۱</sup>

شب جوون اربابونه مردونه یا علی بگه هرکی می تونه  
اومده عشق مولا اومده ماه زهرا شده مجنون هلاک پسر ام

لیلا

ذکر علی علی رگ خوابه مثل جوونیاى اربابه

علی علی اکبر

می گه ایالفضل میون لشگر الله اکبر به قد و بالای اکبر  
همیش جنگ برده تیغش هرکی خورده یه ساعت بعد ضربش

تازه فهمیده مُرده

منم علی جان مست نگاهت بگیر همه جوونامون تو پناهت  
من و این قلب بی تاب من و رویای مهتاب سال بعد وعده ما

پایین پای ارباب

کاشکی مادر پدرا شاد بشند با دست تو جوونا دوماد بشند

۱. بانوای: حاج سیدمهدی میرداماد

### ترک ۱۳ سرود<sup>۱</sup>

یا علی اکبر ذکر لبامه چون علی اکبر عشق آقامه  
پسر لیلا بال و پر لیلا ای سحر لیلا یا علی اکبر  
یا علی اکبر  
آگه بیادش علی تو بازار یوسف نداره دیگه خریدار  
قدزهرایی بازوی مولایی نفس مسیحایی یا علی اکبر  
یا علی اکبر  
هزار تا موسی ساکن طورش تا که ببینند جلوه نورش  
پراحساسه باغ گل یاسه شاگرد عباسه آقام علی اکبر

۱. بانوای: حاج سیدمحمد جوادی



## ترک ۱۴ سرود<sup>۱</sup>

از عرش خدا فرشته‌ها می‌رسند با دلای بی‌تاب  
چه خبره امشب تو خونه ارباب  
دوباره داره نسیم سحر برا عاشقا می‌آره خبر  
آی عاشقا آی عشقا خدا به حسین داده یه پسر  
پسر نگو یک پارچه آقا همه می‌گند آینه زهرا  
نیومده تاج سر دنیا شده نیومده دلبری کرده نیومده لیلا شده  
به به به مبارک ارباب هزار ماشاالله چه قد و بالایی داره  
به به به مبارک ارباب هزار ماشاالله چه روی زیبایی داره

محاله خدا دیگه دوباره مثل این علی علی بیاره  
مثل خود باباش حسین یکی یه دونه است تا نداره  
ولایتش ولایت مولاست کرامتش خدایی چه غوغاست  
یه عالمی دیوونه احساسشه تو عالم غیرت و مردی مثل عمو  
عباسشه  
به به به مبارک ارباب هزار ماشاالله چه دست و بازویی داره  
به به به مبارک ارباب هزار ماشاالله چه چشم و ابرویی داره

۱. بانوای: طهماسب پور

### ترک ۱۵ سرود<sup>۱</sup>

علیُّ الاعظم علیُّ الاعلیٰ علیُّ الاکبر علیٰ گل لیلا  
ای قرار دل آل الله نجم سحر ثار الله  
اومدی می آد از بالا نغمه تبارک الله  
روی دستای ولی الله جلوه می کنه وجه الله  
اکبر و علی اعلیٰ با جمال رسول الله  
اون کیه که دلارو می بره اون کیه تو آغوش حیدره  
اون کیه یه سر از سرا سره اکبره  
تو صدش سکنات حیدره تو نگاش و جنات حیدره  
رو لباس صلوات حیدره اکبره  
علیُّ الاعظم علیُّ الاعلیٰ علیُّ الاکبر علیٰ گل لیلا  
هرکی که گدای دستاته محو جمال زیباته  
نور پیشونیت خورشید و آسمون زیر پاهاته  
ای عقیق و نگین ارباب فاطمه ترین ارباب  
می وزه با گیسوی تو عطر دلنشین ارباب  
جلوه برکات فاطمه الگوی حرکات فاطمه  
مرتضیٰ با صفات فاطمه اکبره  
اون کیه که خدا وجودشه نور حق همه تار و پودشه  
کعبه تو حرم سجودشه اکبره  
خلاصه جمع پیمبر و مولا علیُّ الاکبر علیٰ گل لیلا  
ای که مثل علی یکتایی مثل پدرت شیدایی

۱ . بانوای: حاج محمود کریمی



ای که با غم شیرینت شور زندگی مایی  
می بری دلارو با نامت افتاده دلم تو دامت  
من برات آخر می میرم من که این همه می خوامت  
پیش ماه یه ستاره سر زده دلبر ابوفاضل اومده  
اون که نور دل حسین شده اکبره  
عاشقش مٹ آسمون می شه فارق از زمین و زمون می شه  
اون که دل با نگاش جوون می شه اکبره  
هدیه ارباب به عالم بالا علی اکبر علی گل لیلا

## ترک ۱۶ سرود<sup>۱</sup>

قصه مجنون رویا شده دوباره لیلی رسوا شده  
دل دو عالم شیدا شده حضرت ارباب بابا شده  
ارباب آسمونا ملک صد درصدت ارباب ما فدای پسر ارشدت  
ارباب با این گل با این ماه باید گفت ماشاالله  
آقامون به آرزوهاش رسید مزه پدرشدن رو چشید  
خدا تو شمایل این پسر دوباره پیمبر آفرید  
یا علی اکبر لیلا مدد  
دلآوری که دلبر بوده مثل قیامت محشر بوده  
توی مدینه اکبر بوده کربلا اسمش حیدر بوده  
رویاش دل پر شور و شعف می‌کنه  
امضاش ما رو زائر نجف می‌کنه  
دستاش می‌گیره دستارو می‌بره ماها رو  
تا بهشت یل بدر و حنین بارگاه سرور عالمین  
آرزومه شب قدر احیارو بگیریم پایین پای حسین  
یا علی اکبر لیلا مدد  
تو این عشیره می‌فروشه جای رقیه رو زانوشه  
تا که لباس جنگ می‌پوشه شونه به شونه با عموشه  
اکبر اولین سید حسینییه اکبر الگوی کشور خمینیه  
بی مانند بی‌همتاست نعره لافتی ست  
نمی‌آد تو جنگ کسی در برش می‌ریزه معجزه از پیکرش

۱. بانوای: حاج حسین سازور

مونمى زنه با شاه قریش وقتى عمامه مى‌ذاره سرش  
عشق كوچه بنى هاشمه رفیق جون جونیه قاسمه  
مٹ خورشید مى‌درخشه روی بازو بندش اسم یا فاطمه  
یا علی اکبر لیلا مدد  
اومد برای زینب رکاب میوه قلب عالیجناب  
جوونیهای ابوتراب لالایی خون طفل رباب  
سالار با اذان تو نماز خون شدیم  
سالار ما به عشق تو مسلمون شدیم  
سالار مجنونم لیلابی هم‌رم سقایی  
رنگ چشمای تو رنگ عسل می‌گیره تو رو ابا الفضل بغل  
همه دوره جوونیت گذشت زیر دست تکسوار جمل  
یا علی اکبر لیلا مدد



### ترک ۱۷ شور

یه جوونُ امشب نیگا کن برای مادرشم دعا کن  
برو پایین پای حسین و علی اکبرش صدا کن  
شب شب نغمه و آوازه شب شب رازه و نیازه  
تو دل من غوغا شده دلم دوباره سرفرازه  
الگوی جوونا علی اکبر شور آسمونا علی اکبر ترانه دلم علی  
اکبر نشونه خدا علی اکبر  
علی علی علی علی اکبر  
خورشیده تابیده تا کهکشون بی قرار شده ماه آسمون اوامده یه

### جوون پهلون

نوه علی اوامده دنیا پا گذاشته رو موج دریا  
داره جلوه شوکت پیمبر یه فرشته رو دست لایلا  
علی علی علی علی اکبر  
دوباره دلم بی قراره مثل علی همتا نداره  
مادر ابالفضل یه بوسه رو صورت ماهش می کاره  
دل دوباره وادی طوره شب شب شادی و سروره  
عاشقونه پر می زخم رو دست اریاب نور علی نوره  
باز دلامون هوایی تر شد پای قدمش فدایی تر شد  
لحظه ای که علی علی می گم این دلم کربلایی تر شد  
دل جلا می ده علی اکبر شور و صفا می ده علی اکبر  
عیدی به ما همه علی اکبر کربلا می ده علی اکبر  
علی علی علی علی اکبر

### ترک ۱۸ شور<sup>۱</sup>

شب عشقه شب شب بارونه شب یلدای دل مجنونه  
شب بابا شدن اربابه همه جمعند به در می خونه  
شب مستی بازم با یار سحر شد  
نبی یا که حیدر شق القمر شد  
می گه زینب هر شب واسش لالایی  
نوه شیر خدا یک شیر پسر شد  
دل آقام و دلبر یاش دلبر حسینه دلبر تموم آسمون اکبر حسینه  
می جنگه تو میدون حیدر حسینه  
دلبر دلبر دلبر حسینه  
بگو ساقی بده می از باده که فشار مستیم افتاده  
خدا از رخ پرده برداشته یا رخ اکبر رو نشونم داده  
تو قاب چهرش عکس پیمبر تو دستاش زور و بازوی حیدر  
امشب می خونند تا صبح ملائک  
هو مددی یا علی یا علی اکبر  
نمکی که چشای اون داره یوسف نداره  
می گه زینب جوئم فداش حیدر تباره  
تو دستاش مٹ حیدر تیغ ذوالفقاره

۱. بانوای: طهماسب پور



## فصل پنجم، میلاد حضرت رقیه علیها السلام

ترک ۰۱ شعر<sup>۱</sup>

باز از حریم بالا موجی عبور کرده  
هر گوشه دلم را دریای نور کرده  
سینای سینه‌ام را چون کوه طور کرده  
یک شور ناب شیرین در من ظهور کرده  
انگار کل عالم لبریز عطر ناب است  
در کوچه کوچه شهر بوی گل و گلاب است

بر شاخه‌ها قناری گلبانگ شاد می‌زد  
دست نسیم گل را در باغ باد می‌زد  
گویا صدای پاکی حرف از مراد می‌زد  
دیدم ز آنسوی عرش جبریل داد می‌زد  
امشب عزیز زهرا شاد است پای تا سر  
حق دختری به او داد سیب دو نیم مادر

شهر مدینه از نور شوری دوباره دارد  
در کوی آل هاشم یک ماه پاره دارد  
بیت الحسین طفلی در گاهواره دارد  
طفلی که عرشیان را گرم نظاره دارد

---

۱. بانوای: حاج احمد واعظی

تا اینکه کور گردد چشم بنی امیه  
او فاطمه ست نامش با کنیه رقیه

هر گاه ماه رویش یک جلوه می نماید  
جان از ملک ستاند دل از فلک رباید  
بر خاک زیر پایش خورشید رخ بساید  
دنیا به وجد آید هر وقت زبان گشاید  
ارباب گیرد او را مانند گل ببوید  
هر بار ناز و شیرین بابا حسین بگوید

با خنده تازه جان بود و نبود کرده  
از عرش هر فرشته میل فرود کرده  
یک سو عمو ابا الفضل با خلق جود کرده  
یک سوی عمه زینب اسپند دود کرده  
در اهل بیت عصمت محبوبه ای دل آراست  
او را عزیر دارند از بس شبیه زهراست

## ترک ۰۲ سرود<sup>۱</sup>

پیچیده تو دنیا نسیم شیدایی  
داره قلبم امشب چه شور و صفایی  
اومده به دنیا دختر بابایی  
بی بی جان رقیه

به دل تاریکی امشب مهتاب اومد  
انگاری زهرا دوباره دنیا اومد  
عاشقا شکر حق به جا آرید همه  
صاحب قلب اون امشب دنیا اومد  
تو دلم جا داره بوی زهرا داره  
با رقیه تازه دنیا معنا داره

یا رقیه یا رقیه یا رقیه  
شهباده عشقی مولاتی رقیه معنی و علت حیاتی رقیه  
مسیر کشتی نجاتی رقیه  
بی بی جان رقیه

فاطمه سیرت و مرتضی تباری آره تو سر فصل درس اقتداری  
تو کلاس صبر و درس استقامت  
چیزی از عمه زینبت کم نداری  
نوگل ثارالله یا عزیز الزهرا  
یا رقیه اشفعی لی لنا عندالله  
یا رقیه یا رقیه یا رقیه

۱ . بانوای: حسین سیب سرخی



حس عجیبیہ بین این دو سرا حرم دمشق و شهر کربلا  
 ایشالا روزیون شه به حق زهرا  
 بی بی جان رقیه  
 تا که دل بهونه حرم می گیره از سینه جدا می شه و پر می گیره  
 هرکس یه جوری تو دنیا می میره  
 مرگ تو حرمت بهترین تقدیره  
 از غلامان هستم عبد سلطان هستم  
 من گدای کوی این آستان هستم  
 یا رقیه یا رقیه یا رقیه  
 همه عشقمه نوکری براتون یا رقیه جان بین منم گداتون  
 یه اشاره ای کن سر می دم براتون  
 بی بی جان رقیه  
 دنیا و عقبی و محشر و قیامت  
 همگی با هم یک جا فدای نامت  
 شاه و سلطانم به دنیا چون که هستم  
 من غلام غلام غلامت هستم  
 وقتی دل می گیره انگاری می میره  
 تا می گم یا رقیه آروم می گیره  
 یا رقیه یا رقیه یا رقیه

### ترک ۰۳ سرود<sup>۱</sup>

امشب از اون شبهای نابه عید ریحانه اربابه  
دختر مهتابه دری که نایابه هستی اربابه  
زمان مستی وقت سبوشد وقت اعطای آرزوشد  
آخه عباس امشب عمو شد جانم رقیه  
ریحانه ارباب  
بار دیگر یاس معنا شد گوییا میلاد زهرا شد  
تا دو چشمش وا شد در جهان غوغا شد که حسین بابا شد  
اومده اونکه گل عالمینه لالایی شبش حسینیه کلید بین  
الحرمینیه جانم رقیه  
ریحانه ارباب

۱. بانوای: مهدی مختاری



## ترک ۰۴ سرود<sup>۱</sup>

از دریا دریایی تره تو رویا رویایی تره  
دختر با بایین و رقیه با بایی تره  
عکس ماه عالم دریا می خره برا نوکر قباله رو مولا می خره  
ناز گلبرگ لاله رو حورا می خره  
ناز دختر سه ساله رو بابا می خره  
بابا قربون دخترش قربون یاس اطهرش اونکه می ندازه  
پدر یاد سیمای مادرش  
مددی زهرا زهرای حسین  
تو آسمون کربلا رنگین کمون کربلا عمه ازش یاد می کنه  
شیرین زبون کربلا  
داره از دریای کرم می گیره وضو  
داره از دست و صورتش می باره سبو  
اومده تا ستاره شه رو دوش عمو  
دم گوشش حسین می گه یک بابا بگو  
تا وقت دلبری می شه فوق حور و پری میشه  
با این بابایی بودنش بابا هم دختری می شه  
مددی زهرا زهرای حسین  
نوه حضرت حیدره آیه سوم کوثره  
این خواهر علی اکبر و هم بازی علی اصغره  
تا با انگشتر پدر بازی می کنه

۱. بانوای: مهدی اکبری

با با انگشتاش گلویش نازی می‌کنه  
می‌ریزه انقدر نمک تا اربابمُ واسه کربلای ما راضی می‌کنه  
اونکه لطف و مهر و کرم موج اشک چشم ترم سربند  
سبز یا رقیه برگ سبز اذن حرم  
مددی زهرا زهرا ی حسین



## ترک ۵۰۵ سرود<sup>۱</sup>

یه بابا که چشاش موج دریا داره  
یه مادر که دلش عرش اعلا داره  
کسی که صورتش مثل زهرا باشه خدایی می بره دل تماشا داره  
خوابیده چقدر ناز رویای حسین  
انگار که اومده باز زهرای حسین  
گوشوارش روشنای شبهای حسین  
بند دل ارباب یک تار موشه گهواره خوابش دست عموشه  
یا رقیه یا رقیه  
قامت دخترک تا ثریا رفته انگاری که روی دوش سقا رفته  
می بره دل بابا رو با لبخندش  
تو خونه دختری که به زهرا رفته  
لالایی عمه زینب می خونه بر اش  
چشمای عمو عباس شده محو چشاش  
گوشواره علی اکبر آورده بر اش  
حضرت جبرائیل مست سبوشه  
گهواره خوابش دست عموشه  
یا رقیه یا رقیه

۱. بانوای: حاج سیدمهدی میرداماد

## ترک ۰۶ شور<sup>۱</sup>

توی دلا شور و غوغا ستاره می باره تو دنیا  
خونه اربامون پر از نور آخه حسین گشته بابا  
بوی اسپند مستت می کنه  
می خونم با شور و شین ذکر اربام حسین با اذن دختر شاه  
می رم بین الحرمین آقا  
مدد بی بی رقیه  
بهانه مستی آمد برا حسین هستی آمد  
خدا می دونه برای قلبم علت بدمستی آمد  
بنفسی انت بی بی رقیه  
کاشکی این شبها بشه یک شب تو کربلا  
با جمع سینه زنا همراه صاحب ما مهدی  
مدد بی بی رقیه  
نوکرات برات می میرند به چادر تو اسپرند  
امشب رو عاشقای بی بی ذکر ابا الفضل می گیرند  
عجب شوری عجب حالی  
شاخه یاس اوامده روح احساس اوامده  
آرام قلب حسین عشق عباس اوامده جانم  
مدد بی بی رقیه

۱ . بانوای: مهدی مختاری

## ترک ۰۷ شور<sup>۱</sup>

من زیر بارونم دوباره روی گونه هامه ستاره  
اما دیگه دل تاب نداره رقیه جان  
همه عشق و امید و باورم می خونه  
دل سائل دم خونه کرم می خونه  
ای امیر باوفا نظری کن به زیر پا تورو جان رقیه جان  
بده در راه خدا رقیه مولاتی  
دل بی عشق تو دل نمی شه کعبه جز خاک و گل نمی شه  
دینم بی تو کامل نمی شه رقیه جان  
ابر و باد و مه و خورشید و فلک می خونند  
همه اهل زمین و آسمون جن و ملک می خونند  
ای امیر باوفا نظری کن به زیر پا  
تورو جان رقیه جان بده در راه خدا رقیه مولاتی  
شعبانه شعبانه دوباره بارون لطف تو می باره  
بساط مستی برقراره رقیه جان  
مستم و مجنون و ویروم من پشت درب این می خونم  
از رقیه جانم می خونم رقیه جان  
جون ناقابل من فدای اون چشماته  
اینه که وجود من خاک کف پاهاته  
ای امیر باوفا نظری کن به زیر پا تورو جان رقیه جان  
بده در راه خدا رقیه مولاتی

۱. بانوای: مهدی اکبری



## فصل ششم، میلاد امام زمان عجله العالی

ترک ۰۱ شعر

ای بهار بادوام فصلها  
ای تماشایی ترین موجود حق  
آه ای طاووس جنت ای صنم  
ای ملائک گرم پابوسی تو  
دیده هر بار از کرم و امی کنی  
ای کرات از گردش چشمت به چرخ  
حرکت پلکت چنان گهواره است  
ای دلیل ذکر احلی من عسل  
ای نماد آرزوهای نبی  
ای تمام غصه های پنچ تن  
ای همه مجد و شکوه عالین  
ای قلوب آل یاسین مست تو  
ای مسیحای کلیسا و کنشت  
ای تمام تار و پود انبیا  
ای ظهور آیه های مهدوی  
کی شکافی باز رود نیل را  
ناقه صالح نما بیرون ز کوه  
از حرم صوت جلیل آغاز کن  
ای نگاهت بر تمام نسلها  
ای به دریای حقیقت چون شفق  
یابن طاهایابن عصمت ای صنم  
آه از مژگان طاووسی تو  
موج اقیانوس بر پا می کنی  
نیم رخ کن سوی عشاقبت بچرخ  
عالمی در بسنز پلک تو مست  
ای وجودت کربلا را ما حاصل  
تو دلیل صبرهای زینبی  
پاسخ هل من معین بی کفن  
ای پرستوی حسن بوی حسین  
ای همه پیروزی دین دست تو  
نوح کشتی بان انسان تا بهشت  
ای دل و جان و نفوس اولیا  
کی ز پشت پرده ظاهر می شوی  
با زبور آوا کنی انجیل را  
فتح بابی کن طلوعی با شکوه  
باز کن راه علی را باز کن



راه را از کعبه و اکن تا نجف      کربلا را باز ده عزّ و شرف  
از مدینه بوی سیب احساس کن      در بقیع افشا قبر یاس کن  
باز آی و یک نشان از راه ده      ره نشان بر لشگری گمراه ده  
دوست از دشمن جدا کن با نگاه      آشنایان را صدا کن بین راه  
ماکه افتاده میان این رهیم      سالها خدمتگزار در گهیم

## ترک ۰۲ شعر<sup>۱</sup>

با تو حجاب فاصله را ترک می‌کنم  
دیگر فراق قافله را ترک می‌کنم  
از بس کنار سفره نشستم کنار تو  
با معرفت شدم گله را ترک می‌کنم  
مدح تو را خدا نکند شیوه طمع  
عمریست خواهش صله را ترک می‌کنم  
چیزی نمی‌دهم که تو چیزی به من دهی  
من غش در معامله را ترک می‌کنم  
دل را به کوی عشق تو اخلاص لازم است  
جز عشق حل مساله را ترک می‌کنم  
ای درد انتظار تو حلال مشکلات  
با انتظار مشغله را ترک می‌کنم  
ای حاجیان عشق به گرد تو در طواف  
جز در مطاف هروله را ترک می‌کنم  
من معتقدترینم و تو منتقم‌ترین  
جز با ستم مجادله را ترک می‌کنم  
با تو به درد فاطمه یک دل شدم بیا  
حال و هوای صد دله را ترک می‌کنم  
ای آخرین سلاله حیدر نیامدی  
شعبان به نیمه آمد و آخر نیامدی

۱. بانوای: حاج حسین سازور

در سینه‌ام محبت تو جا گرفته است  
این دل شکسته رتبه اعلی گرفته است  
چندیست بی‌قرار دل سر به راه من  
مجنون شده است و دامن لیلا گرفته است  
دیگر پی تو این در و آن در نمی‌زنم  
عطر حضور تو همه جا را گرفته است  
تاثیر روح پرور انفاس قدسیت  
رونق ز کسب و کار مسیحا گرفته است  
تو کیستی که در صف عشاق روی تو  
یوسف برای دیدن تو جا گرفته است  
دست خودم که نیست ندیده خریدمت  
قبلا دعای حضرت زهرا گرفته است  
دینش سلامت از فتن آخر الزمان  
هرکس به کهف امن تو ماوا گرفته است  
بسکه نیامدی ز شما دورتر شدیم  
زنگار معصیت دل ما را گرفته است  
دل را نشد به رنگ شما در بیاورم  
از بسکه رنگ بازی دنیا گرفته است  
مشغول کار و رونق بازار خود شدیم  
کس با خبر نشد دل آقا گرفته است  
آن شیعه‌ای که زندگی روزمره اش  
در پرتو ولای تو معنا گرفته است  
هر سختی و بلا که رسد می‌خورد به جان  
این درس را ز زینب کبری گرفته است  
معنای انتظار همان صبر زینبی است  
صبری که ریشه در همه ما گرفته است

تنها نه اینکه مادر تو با ظهور تو  
بر روی دست خویش مسیحا گرفته است  
مهد تو رفت بهر زیارت به آسمان  
یعنی که کار عشق تو بالا گرفت ه است  
پر می‌کشم به شوق هوای تو ساها  
چون قطره‌ای که جانب دریا گرفته است  
هر نوکری که گریه بر ارباب می‌کند  
این ارثیه ز ام ابیها گرفته است  
ارباب زاده ایم و گل ما حسینی است  
دست مرا عنایت مولا گرفته است  
سُکنی گزیده است سر کوی حضرتش  
هر عاشقی که روضه سقا گرفته است  
این آتشی که در دل ما شعله می‌کشد  
از آن غروب کربلا پا گرفته است  
کی می‌شود که چشم به شش گوشه وا کنم  
پایین پای حضرت ارباب جا کنم



### ترک ۰۳ شعر<sup>۱</sup>

ابر کرم که نم نم باران درست کرد  
از این کویر خشک گلستان درست کرد  
دل را تجلیات خداوندی سحر  
خانه خراب زلف پریشان درست کرد  
دستی کریم آمد و با دستگیری اش  
ما را گدای نیمه شعبان درست کرد  
ما را سر قرار خودش بی قرار ساخت  
دنبال خویش بی سرو سامان درست کرد  
پس نادرست سجده نکردیم این جناب  
کافر خراب کرد و مسلمان درست کرد  
با دست پخت فاطمه نانی درست کرد  
از ما کنار سفره سلیمان درست کرد  
ما سائل قدیمی زهرا و حیدریم  
در انتظار مهدی آل پیمبریم

با جزر و مد پلک تو دریا بلند شد  
نوح و خلیل و آدم و موسی بلند شد  
مریم به دور کعبه نرجس طواف کرد  
عیسی به شوق روی مسیحا بلند شد

۱. بانوای: ابوالفضل بختیاری

یک دست روی سینه و یک دست روی سر  
مریم به پای یوسف زهرا بلند شد  
مجنون شدند اهل سماوات تا زمین  
تا گرد و خاک محفل لیلا بلند شد  
ما سربلندهای همین سروری شدیم  
وقتی که سایه ات به سر ما بلند شد  
هرجا که نام تو برسد واجب القیام  
باید به احترام تو از جا بلند شد  
ما غیر نام محترمت را نمی‌بریم  
در انتظار مهدی آل پیمبریم

ماییم و مستمند دعای شما شدن  
قبل از رسیدن رمضان با خدا شدن  
از من مرا بگیر و خودت را به من بده  
باید به راه عشق تو از خود جدا شدن  
باید درست توبه کنم این بدی بد است  
می ترسم از عقوبت این بی‌حیا شدن  
از دست رفت چشم ترم بسکه گریه کرد  
با با خبر ز نامه اعمال ما شدن  
یا ایها العزیز مناجات‌های ما  
خوب است با صدای تو از خواب پا شدن  
یک وقت‌ها برای خودم نقشه می‌کشم  
ای کاش با تو راهی کربلا شدن  
ما تشنه زیارت ارباب بی‌سریم  
در انتظار مهدی آل پیمبریم

### ترک ۰۴ شعر<sup>۱</sup>

فرشته سوی زمین با شتاب آمده است  
که باز هم قلمم را خطاب آمده است  
خطاب آمده در چشم چشمه شعبان  
دوباره ماهی مضمون ناب آمده است  
خطاب آمده وقت گدایی دلهاست  
چرا که حضرت عالیجناب آمده است  
اگر قیامت امشب نبود بی لبخند  
یقین می آمد یوم الحساب آمده است  
از این خبر شده شیرین دهان قند امشب  
که آخرین نمک بوترا ب آمده است  
اگر غلط نکنم جمع سیزده گل سرخ  
اگر درست بگویم گلاب آمده است  
از آخرین خم خود سر گشوده است خدا  
بیاورید پیاله شراب آمده است  
برای اهل خدا رحمت خداوندی  
و بر اهالی شیطان عذاب آمده است  
کسی که مقصد یا من مجیب مضطر ماست  
به یاری دل پر اضطراب آمده است  
من از فراز «خُزَّانَ الْعِلْمِ» فهمیدم  
سوالهای جهان را جواب آمده است

۱. بانوای: حاج محمدرضا طاهری

چنین که چشم زمین روشن است معلوم است  
از آسمان پسر آفتاب آمده است  
میان کوچه مان بوی یار می آید  
گلی رسیده که با او بهار می آید

خبر رسیده کسی از تبار بارانها  
رسد به داد دل خشکسالی جانها  
خبر رسیده که طوفان بپا شود وقتی  
نسیم آمدنش می رسد به ایوانها  
خبر رسیده که وقتی رسید می شکفتد  
گل از گل همه خارهای گلدانها  
خبر رسیده که روزی ز مشرق کعبه  
دوباره سر بزند آفتاب ایمانها  
خبر رسیده که با آیه های چشمانش  
پس از ظهور کنند استخاره قرآنها  
خبر رسیده ولی ما هنوز هم خوابیم  
شبیه مرده ای افتاده در خیابانها  
عوض شده است زمانه چنان که بجنون هم  
به خانه خفته و لیلاست در بیابانها  
اگر نیاز ببیند بدون ناز آید  
چنان که آب گوارا به کام عطشانها<sup>۱</sup>

---

۱. مرحوم شیخ فشنندی می گه: آب خنکی در دسترم بود، دیدم یک سید بزرگواری داره از در مسجد جمران بیرون می آد، چله تابستان بود، گفتم این ظرف آب بدم به آقام میل کنه، بگم دعام کنه، فرزند حضرت زهراست. آب تعارف کردم، آقا گرفت نوش جان کرد، فرمود: فشنندی اگر دوستان ما به اندازه همین آب خنک منتظر فرج ما بودند، تشنه فرج ما بودند، خدا امر ظهور ما را نزدیک می کرد...



به جای بردن نامش به کوچه دلمان  
فقط شده است ولیعصر نام میدان‌ها  
دعای عهد نرفته ز یادمان اما  
نمانده است کسی روی عهد و پیمان‌ها  
اگر چه با دل شیعه کنار می‌آید  
نکردم آنچه زما انتظار می‌آید

دعا برای ظهورش دعایمان شده است  
تمام آرزوی ربنایمان شده است  
قسم به «یابن الانوار ظاهر» نورش  
میان ظلمت شب روشنایمان شده است  
برای آشتی با خدا و توبه مان  
چقدر واسطه و آشنایمان شده است  
بیا به سمت ظهورش کمی قدم بزنیم  
که انتظار فقط ادعایمان شده است  
همیشه در وسط جنگ کشتی و طوفان  
به سمت ساحل حق ناخدایمان شده است  
همیشه آخر خط با نگاه رحمت خود  
عوض کننده حال و هوایمان شده است  
همان که باعث خون‌گریه‌های او هستیم  
همیشه بانی لبخند هایمان شده است  
دوباره نیمه شعبان و افضل الاعمال  
زیارت حرم کربلایمان شده است  
بیا دوباره برای حسین گریه کنیم  
بیا که ناله او هم نوایمان شده است  
چقدر با من و تو گریه کرده بر جدش  
چقدر هم نفس‌های هایمان شده است<sup>۱</sup>

۱. محسن عرب خالقی

## ترک ۰۵ شعر ۱

هر طرف بینی از طرب غوغاست      مرکز این سرود سامراست  
سامرا قبله گاه اهل ولاست      عید میلاد مهدی زهراست  
اندر این ماه رحمت مطلق      زهق الباطل است و جاء الحق

آه مهجور را اثر آمد      جشن آزادی بشر آمد  
مظهر عشق جلوه گر آمد      عید میلاد منتظر آمد  
کشور عشق نورباران شد      حجت بن الحسن نمایان شد

ای که هستی خدا نما مهدی      ای خدا را تو آشنا مهدی  
در رهت چشم خلقها مهدی      بهر امداد ما بیا مهدی  
عیدیت از خدا تو را خواهیم      تا بیایی تو چشم بر راهیم

ای شفا بخش سینه پر درد      چهره‌ها شد ز درد هجران زرد  
مقدمت مژده وصال آورد      ای سفر کرده سوی ما برگرد  
تا برآرد خدا نیاز تو را      ما به جان می‌خریم ناز تو را

لیت شعری که در کجا هستی      مروه‌ای یا که در صفا هستی  
عرفاتی و یا منی هستی      یثربی یا که کربلا هستی  
دلبر! دل بود گرفتارت      هر کجایی خدانگهدارت

۱. بانوای: حاج مرتضی طاهری

فکر بلبل همه آن است که گل شد یارش  
گل در اندیشه که چون عشوه کند در کارش  
دلربایی همه آن نیست که عاشق بکشد  
خواجه آن است که باشد غم خدمت کارش  
آن سفر کرده که صد قافله دل همره اوست  
هرکجا هست خدایا به سلامت دارش

عزیزُ عَلِيٍّ ان أرى الخلقَ ولا تُرى... چقد سخته آقا جان همه رو  
ببینیم ولی تو رو نبینیم... ولا اسمعُ لك حسيساً ولا نجوی... عزیزُ  
عَلِيٍّ ان تُحيطَ بكِ دوني البلوى ولا ينالك مني ضجيجٌ ولا شكوى...  
چقدر سخته دور و بر ما این همه بلا باشه و هیچ کسی نیست  
صدای ما را بشنود، شکایت ما را بشنود، ... بنفسی أنتِ مِم مُعَيَّبٍ لِم  
يَحُلُ مِنَّا... فدات بشم که هیچ وقت ما رو رها نکردی...

## ترک ۰۶ سرود<sup>۱</sup>

عمریه غلامتم آقا عاشق مرا متم آقا تو قرار این دل شیدا  
عمریه منتظرم من فدای قدمت  
چشم به راهت می مونم من فدای کرمت  
آقا من به پات فدا می شم آقا به هوات رها می شم  
آقا از بدی جدا می شم  
یا مهدی یا مهدی یا مهدی ادرکنی  
عمریه منتظرم آقا من ازت بی خبرم آقا تو قرار این دل شیدا  
اشک شوقم بین تو شب ولادتت  
کی می شه قسمت من تا پیام زیارتت  
آقا تو که غم خوار منی آقا تو فقط یار منی  
آقا دل و دلدار منی  
یا مهدی یا مهدی یا مهدی ادرکنی  
دعای عهد تو پر شوره دلای ما شاد و مسروره  
بساط عاشقیمون جوهره  
طاق نصرتی آقا میون دلم زدی  
همه عالم میگند آقا جون خوش اومدی  
آقا پا بذار رو چشمامون آقا تویی خواب و رویامون  
آقا می خونند پیر و جوون  
یا مهدی یا مهدی یا مهدی ادرکنی  
کوچه ها چراغونه امشب تا سحر نغمه من بر لب

۱. با نوای: حاج سیدمهدی میرداماد

آقامونُ برسونُ یا رب  
آرزومه یه نماز بخونم پشت سرش  
یه شبی تو جمکران بشینم برابرش  
آقا آخرین نور خدا آقا آرزومه با شما  
باشم یه شبی تو کربلا  
یا مهدی یا مهدی یا مهدی ادرکنی

## ترک ۰۷ سرود<sup>۱</sup>

شد جلوه گر رخ ماه بهشت رسیده از راه  
بگو به قلب آگاه قدمش مبارک رسول الله  
اومده نور چشمای حیدر اومده عشق زهرای اطهر  
جبرئیل می‌گه الله اکبر  
زمین مثل بهشت چراغونه ببین فرشته رو زمین فراوونه ببین  
یا اباصالح  
اومد امید حیدر نور نگاه مادر  
هم نام با پیمبر با عدلش پر از گل می‌شه دنیا سراسر  
اونکه زهرا شد چشم انتظارش کربلا سراسر بی‌قرارش  
می‌چرخه بیت الله در مدارش  
می‌آد و می‌رسه دیگه نوبت نور  
شب غربت ما می‌شه صبح ظهور  
یا اباصالح

۱. بانوای: حاج مهدی سلحشور



ترک ۰۸ سرود<sup>۱</sup>

عاشق تو پیر شده از زندگی سیر شده  
ای گل نرگس بیا او مدنت دیر شده  
یه سال و دو سال نیست که چشم انتظار توام  
یه عمره که دل بی قرار بهار توام  
تا آخر سر راه ایشالله می مونم به یاد قدیم هنوزم می خونم  
اگر آن ماه نمونه رخ خود را بنمونه  
همه بتهای جهان را سر جاشون می نشونه  
یگانه تمثال علی یا اباصالح امید و آمال علی یا اباصالح  
منتقم آل علی یا اباصالح  
یابن الزهرا

نم نم بارون می آد این دفعه مهمون می آد  
قرآن و اسفند بیار داره آقامون می آد  
اونیکه از امشب رو چشمما قدم می زنه  
می آد و برای گل یاس حرم می زنه  
چه شوری چه عشقی نشسته به جونم به یاد قدیم هنوزم می خونم  
فراز منبر گل بخوان یک خطبه بلبل که امشب جلوه گر  
شد جمال مصلح کل  
مهر احمدی مه محمدی عزیز فاطمه خوش آمدی

۱. بانوای: حاج محمد رضا طاهری

دنیا مون آباد می شه دھامون آزاد می شه  
 وقتی تو از راه می آی فاطمه دلشاد می شه  
 ثمر می ده آخر نهال قیام حسین  
 می آذ ذوالفقارت واسه انتقام حسین  
 الهی الهی نیفته دعوات از زبونم به یاد قدیم هنوزم می خونم  
 روز و شب با شوق نگاهت گل نرگس  
 منتظر هستم سر راهت گل نرگس  
 ای تمام روح هستی ای شکوه حق پرستی  
 از خدا چیزی نمی خوام هر چه می خواهم تو هستی

مست و هوایی شدم با تو خدایی شدم  
 نیمه شعبان بازم کربلایی شدم  
 تو که حاجت نوکرا رو روا می کنی  
 دلای ابا الفضلی رو خوب دعا می کنی  
 مسیر بهشت تو دادی نشونم به یاد قدیم هنوزم می خونم  
 هستی من مستی من یابن الزهرا یا مهدی  
 در و دیوار قلب من شده آینه بندان  
 که بیایی سحر گردد شب یلدای هجران  
 گذری کن ز سینهام که ببینی ارادت  
 که ز اشکم به بام دل زده ام طاق نصرت  
 مکتب من مذهب من یابن الزهرا یا مهدی  
 من اگر که نیم قابل که رسم بر وصال  
 مپسند ای حبیب من که نبینم جمالت  
 روح تنی عمر منی یابن الزهرا یا مهدی  
 عزیزم یار ناظم دنوازم نمی دونم ز هجرونت چه سازم  
 دواي درد مو دست تو باشه بیا دردم دوا کن چاره سازم





## ترک ۰۹ سرود<sup>۱</sup>

مردی می آید که از دور بی قراره  
تک سواره دل غارت می کنه با یک اشاره  
ذوالفقار علی رو داره شهریاره آروم نداره  
در وفا، غیرت و شجاعت مقتدایش علمداره  
او خواهد آمد دلارو بی سامون کنید  
او خواهد آمد جاده رو گلبارون کنید  
او خواهد آمد سفر به جهمکرون کنید  
ابصالح یا مهدی

مردی می آید ز مهتاب در نقابه عشق نابه  
به زمین و آسمون و فلک می تابه  
از تبار قوم آبه مستجاب به اربابه  
ذکر لبهاش کنار کعبه یا حیدر ابوترابه  
او خواهد آمد عالم باصفا کنید  
او خواهد آمد بر اش خدا خدا کنید  
او خواهد آمد برا فرج دعا کنید  
ابصالح یا مهدی

مردی می آید ز خورشید نور عینه شور و شینه  
پرچم دستش لئارات الحسینه  
منجی صد عالمینه مشرقینه مغربینه  
عیدی امشب آقامون به سفر بین الحرمینه

۱. بانوای: روح الله بهمنی

او خواهد آمد کربلا با صفا می‌شه  
او خواهد آمد خاک بقیع طلا می‌شه  
او خواهد آمد اونجا حرم بپا می‌شه  
اباصالح یا مهدی

## ترک ۱۰ سرود<sup>۱</sup>

طپش دلم برای توست میون سرم هوای توست  
آگه نفسی می آد میره اینا همه از دعای توست  
همه کس من تویی تویی کشته نگات منم منم تاج سر من  
تویی تویی خاک زیر پات منم منم  
تویی ستاره توم شبای تیره و تارم  
دلبر و یارم تا تو رو دارم غصه ندارم  
آروم و قرار دل منی ای باغ و بهارم  
ای کس و کارم دارو ندارم مونس و یارم  
مولا مولا یا صاحب الزمان  
می زنه برات دلامون پر الهی بشه یه روز آخر  
با خود شما بگیریم جشن میلادتون چه زیباتر  
آرزوی دل تویی تویی فقیر و گدا منم منم صاحب کرم  
تویی تویی محتاج دعا منم منم  
صاحب زمین و زمون و مکان و عرش خدایی  
روح دعایی گره کشایی دلبر مایی  
صفای حرم و خدای کرم و قبله نمایی  
سعی و صفایی آب بقایی شور و نوایی  
مولا مولا یا صاحب الزمان

۱. بانوای: حاج سیدمجید بنی فاطمه

### ترک ۱۱ سرود<sup>۱</sup>

شب شب مستی من و می خونه بازه  
دلبر آگه نظر کنه اون چاره سازه  
حور و ملک به دور دلبر در طوافند  
به طاق ابروش جبریل غرق نمازه  
ماه شعبان باز به نیمه رسیده  
عطر و بوی نرگس هر جا پیچیده  
آگه دیدن یوسف انگشت بریدند  
هرکی دیده یارم سرش بریده  
می باره به پای قدمای اون ماه و ستاره  
بگو ساقی امشب برا من باده بیاره  
آگه دلبر نظر کنه کار نشد نداره  
اباصالح مهدی جانم یا مهدی  
قصه عشق لیلی و مجنون عشقه  
هرچی که دلبرم بخواد فقط اون عشقه  
امشب و شبهای دیگه مستیم به کامه  
اما سه شنبه شبهای جمکرون عشقه  
دل مستم امشب غرق سروره  
که نگارم چون مه یک هاله نوره  
بیا امشب با آقا عهدی بندیم که ایشالا فردا روز ظهوره  
منم و دلم و آرزوم و شوق نگاهت سرم می دارم زیر پات

۱ . بانوای: طهماسب پور

هرجا به راهت  
من کشته آقا به خدا خال سیاهت  
اباصالح مهدی جانم یا مهدی  
مث عباس شیر و حیدر وقاره  
می رسه تو دستاش تیغ ذوالفقاره  
انتقام مادر از عدو می گیره داغ هرچی فدک به دلش می ذاره  
چی می شه ببینه دلم تو رو حاجت روا شه  
کبوتر صحن جمکرون تا کربلا شه  
یا که جلد علی بن موسی الرضا شه  
اباصالح مهدی جانم یا مهدی

## ترک ۱۲ سرود<sup>۱</sup>

از راه اومده دل و دلبر خدا از راه اومده سیب نوبر خدا  
از راه اومدن عاشقا تا بخوندند از راه اومده تیر آخر خدا  
اومد اونکه نور فاطمی داره اومد اونکه مهر قائمی داره  
اومد اونکه خال هاشمی داره آره والله  
ای پاره جگر فاطمه ای آخرین پسر فاطمه

از آسمونا ماه نورس اومده عید اومده و نقل مجلس اومده  
کوری چش گلچینا ما می خونیم از باغ خدا گل نرگس اومده  
گل نرگس سرتو به سلامت عاشق تو داره آقا علامت  
سر راهت می‌شیننه تا قیامت  
جز دوری تو ندارم دردی من منتظر می‌مونم برگردی

مثل دل ما هیچکی شیدا نمی‌شه مثل دل تو هیچکی لیلا نمی‌شه  
عالم رو آگه زیر پامون بذاریم آقا مٹ تو دیگه پیدا نمی‌شه  
تا نداری آره همتا نداری آیینه‌ای توی دنیا نداری  
مٹ مولا المٹنی نداری تا نداری  
ای بارون عاشقی یا مهدی ای قانون عاشقی یا مهدی

عشقت به خدا تو دلم کرده ریشه این حرف منه از حالا تا همیشه  
منکه به جز این از تو چیزی نمی‌خوام روز ظهورت زنده

۱ . بانوای: محسن عرب خالقی

باشم چی می‌شه

چرا باید دل من نا امید شه یعنی می‌شه نوکرت رو سپید شه  
پا رکابت تو جوونی شهید شه رو سپید شه  
ای بانی انتقام حسین قرار ما تو بین الحرمین

ای آب حیات یا ابا عبدالله جانم به فدات یا با عبدالله  
در موج بلا ذکر عاشق اینه کشتی نجات یا ابا عبدالله  
دل و دین و عقل و هوشمُ بردی با نگاهت ما رو اینجا آوردی  
نوکرت رو دست زهرا سپردی دلُ بردی  
ای شور شیرین من یا حسین ای عشق دیرین من یا حسین

### ترک ۱۳ سرود<sup>۱</sup>

از آسمون بپرسید چه دعایی کرده  
از پشت ابرا خورشید داره برمی گرده  
یکی اومده همه چی دستشه زمین و زمون به خدا مستشه  
هرکی گفت بهار نمی شه با یه گل  
بذار اینقدر بگه تا خسته شه  
می خونند عاشقا یا مهدی شده ذکر دعا یا مهدی  
گل نرگس بیا یا مهدی

دور سرش فرشته تاج گل می بنده  
این طاووس بهشته که داره می خنده  
فارس الحجاز و امید عالین همه خلقت می بره زیر دین  
اومده که دنیا مون پر کنه با نوای حیدری یا حسین  
تویی راز خدا یا مهدی وارث کربلا یا مهدی  
گل نرگس بیا یا مهدی

وقتی میای نشونت بوی عطر یاسه رو قله های شونت علم عباسه  
یا علی مدد بگو نفس بگیر بیا شمشیر بابا دست بگیر  
به مدینه رو کن و با شیعه ها برو حق مادرت پس بگیر  
تویی آقای ما یا مهدی می زنیم باز صدا یا مهدی گل نرگس  
بیا یا مهدی

۱ . بانوای: حاج احمد نیکبختیان



### ترک ۱۴ سرود

مرغ قفسم باشد هوسم روزی به سر کویت برسم  
دیوانه‌ام و عاقل نشوم با هر نفست آید نفسم  
بیمار توام از دست کسی شفا نخواهم  
از دست تو غیر تربت کربلا نخواهم  
آقام آقام آقام هوای من داشته باش  
آقام آقام آقام رو کویرا بارون بپاش  
آقام آقام آقام سال ظهورت باشه کاش

دائم به سرم سودای حرم کی بر حرمت افتد گنرم  
شب سر کنی و لب ترکی و آخر به لبیت افتد نظرم  
جارو به کفم مست توام و باده به دستم  
تا چشم تو را دیدم زدم و سبو شکستم  
آقام آقام آقام بوی می نابت میاد  
آقام آقام آقام خدا من عاشق می خواد  
آقام آقام آقام داده من عشقت به باد

## ترک ۱۵ سرود

قلب عاشق توی سینه بی قرار کوچه هامون پر عطر انتظار  
عاشقونه می خونم از سر مستی  
زدی جامم شکستی روز و شب می گم به عالم  
امید دها تو هستی  
یابن الحسن زندگیم فدای تو یابن الحسن می شینم به راه تو  
یابن الحسن همه بود و نبودم  
آقام آقام اباصالح مددی  
اختیارم دیگه دست دله عشقت آقا انگاری تو گلمه  
شاد شادم رسیده نیمه شعبان  
اومده معنی قرآن مژده میدند که رسیده  
یوسف زهرا به کنعان  
نفس نفس می زخم برای تو قدم قدم می رسه صدای تو  
انگار دیگه نزدیکه وقت ظهورت  
آقام آقام اباصالح مددی  
کاش یه روزی بشینی برابرم عاشقونه بکشی دست رو سرم  
عاشق تو تا نیای آروم نداره  
از چشاش بارون می باره عاشقی برای جدت  
بی شما صفا نداره  
بیا بیا ای عزیز عالمین بیا بیا یا لثارات الحسین  
بیا بیا وارث رایه العباس  
آقام آقام اباصالح مددی

## ترک ۱۶ سرود<sup>۱</sup>

تو می آی و همه در دامون دوا می شه و  
تو می آی و دلا خونه خدا می شه و  
تو می آی و همه دنیا با صفا می شه و  
تو می آی و دلم وا می شه  
قصه ما اینجوری تموم نمی شه نمی مونه دنیا اینجوری همیشه  
قلب عاشق چشم به راه تو می شینه  
تا که اون روز ببینه که شروع زندگی شه  
آقا بی تو در دامون نداره تسکین درد غربت توی روزگار  
غمگین آخر روزی می رسه که تو می آیی  
می رسه روز رهایی پر لحظه های شیرین  
تو می آی و همه دنیا بوی گل می گیره و  
تو می آی و دیگه غم سراغ دل نمیره و  
تو می آی و همه بندامون رها می شه و  
تو می آی و دلم وا می شه  
وقتی لبهام واسه تو دعا می خونه اللهم می شه شعر عاشقونه  
با رویای گل نرگس نگاهت  
با خیال روی ماهت می گیره دلم بهونه  
تو می آی و زمین مثل آسمون می شه و  
تو می آی و لبامون ترانه خون می شه و  
تو می آی و دوباره دعا دعا می شه و

۱. بانوای: حاج محمود کریمی

تو می‌آی و دلم وا می‌شه  
لبم مشغول آل یاسین و دلم مشغول آه تو سینه ست  
من از بس چشم گشته دنبالت رو ابرار دپاٹ می‌بینم  
نگاهم از بارون نشونت می‌گیره  
یه عمره دلهامون بهونت می‌گیره  
می‌بندم عهدی تا قیامت با دلی که از عشقت پریشونه  
نوشتم مهدی روی قلبم تا بدونن صاحب داره این خونه  
محاله تا هستم از عشق تو جدا شم محاله تا امروز تو رو  
ندیده باشم

### ترک ۱۷ سرود<sup>۱</sup>

دونه دونه آیه‌ها همه می‌گن یه روز می‌آی  
تو در و همسایه‌ها همه می‌گن یه روز می‌آی  
نشستم لب ایوون چشم مونده به راهت  
گلای توی گلدون می‌میرند بی‌نگاهت  
سرگذر عاشقا توی کوچه آسمون  
می‌شینه دلم منتظر واسه دیدن روی آقامون  
چقدر با دوری تو ساختم چقدر دیدمت و نشناختم  
آقا عشق مایی آقا پس کجایی آقا کربلایی  
بیا به جون مادرت  
قصه‌های عاشقی همه می‌گن یه روز می‌آی  
کبوترای بقیع همه می‌گن یه روز می‌آی  
کجاست خیمه خورشید میون شب تاریک  
یه حسی می‌گه خیلی ظهورت شده نزدیک  
غروب همه جمعه‌ها همیشه به یادت منم  
می‌دونم آگه خوب بشم تو خودت می‌آی واسه دیدنم  
بیا که شیعه تو تنهاست بیا تو رو به عموت عباس

۱. بانوای: مهدی زنگنه

## ترک ۱۸ سرود<sup>۱</sup>

کوچه پس کوچه‌های دل بهاره توی گرما داره بارون می‌باره  
صدایی می‌آد از کوچه مهتاب صدا صدای آشنای یاره  
حیدر شمائل ارباب فضائل  
نوشته روی سربند سرش یا ابوفاضل  
وارث علیه هم نام نبیه  
وقتی ذوالفقار می‌بنده به به چه یلیه  
نعره هاش آتشینه ماه روی زمینه  
هیبتش جمع علی و یل ام البنینه  
اباصالح یا مولا  
اذان کربلا دلم رو کنده صدا مهدی ز ماذنه بلنده  
حضرت عیسی رو گنبد عباس پرچم یا اباصالح می‌بنده  
شب شب جنونه شب صاحب زمونه  
خضر نبی پشت مهدی چاوشی می‌خونه  
دل تو کاروونه مهدی ساربونه  
بعد مسجد سهله آقام تو جمکروونه  
کاروون پر دلیره سیصد و سیزده شیره  
اسم ماها رو بنویس توی لیست ذخیره  
بیا آقا ثواب کن ما رو هم انتخاب کن  
ما قبيله سلمانیم روی ماهم حساب کن  
اباصالح یا مولا

۱ . بانوای: حاج سیدمهدی میرداماد

باده انتظار داره چه شهدی ایشالا می‌رسه فصل هم عهدی  
به کوری چشم آل خلیفه بقیع آباد می‌شه با دست مهدی  
می شی تو نادم وهابی ظالم  
بترس از ضربات شمشیر حضرت قائم  
هستی بی‌چاره خونت حلاله  
می شکنه گردنت با دست آقام اباصالح  
ظالمان یهودی می‌آرنند دیگه به زودی  
خبر سرنگونی حکام سعودی  
این خبر چه شیرینه آرزومون همینه  
که بریم با رهبرمون کربلا و مدینه  
اباصالح یا مهدی

## ترک ۱۹ سرود<sup>۱</sup>

کوچه هامون همه شده چراغون دوباره جگرانیه دلامون  
ریسه کشیدیم تو شب ستاره برا آقامون  
باز دعای فرج رو می خونیم پای عشقش همیشه می مونیم  
زنده ایم با امید وصالش هنوز جوونیم  
تا سحر می خونیم متی نری و نراک  
نوای دل ما یابن الحسن روحی فداک

با هر دعا و ربنا می خونیم این معز الاولیا می خونیم  
صبحای جمعه باز می شیم بهاری دعا می خونیم  
چشم تو زینت عالمینه نیستی و تو دلا شور و شینه  
اونکه می جوشه توی ندبه‌ها خون حسینیه  
قد و بالای تو طاووس اهل جنته  
روزی که تو بیای دنیای ما قیامته

۱ . بانوای: حاج ابوالفضل بختیاری





### ترک ۲۰ سرود<sup>۱</sup>

دلَم به عشقت اسیره دلَم ز هجرت می‌گیره  
خدا کنه عاشق تو برات هزار بار بمیره  
اباصالح یا مولا  
به امیدمی که روی ماهت را ببینم  
همیشه چون گدایان بر سر راهت نشینم  
من آن بیچاره‌ای هستم که محتاج نگاهم  
نگاهم کن ز رحمت ای نگار نازنینم

تویی آن بهترین زیباترین خلق الهی  
خدا بهتر ندارد از تو در عالم گواهی  
به جان تو اگر زشتم تو را می‌خواهم ای دوست  
ببخشایم نباشد عاشقی مولا گناهی

به تو دل دادم و از هر دو عالم دل بریدم  
ز هر چه جز تو آید در خیالم دل بریدم  
اگر باشد وصالت قیمت جان می‌خرم من  
ز جان خود به امید وصالت دل بریدم  
صبا از من بگو با آن نگار بی‌قرینه  
که هجرت می‌زند ای ماه من آتش به سینه  
اگر دنبال تو گشتم ندیدم رخ ماهت  
سراغت را بگیرم من ز شبهای مدینه

۱. بانوای: حاج مرتضی طاهری

## ترک ۲۱ سرود<sup>۱</sup>

سامرا شده کعبه جان او مده منجی جهان  
می خونم از عمق وجود مددی یا صاحب زمان  
چشم تو خدایی غوغاست جمالت زیباست شبیه عباس  
پرچمت نماد زهراست تادنیا دنیا است همیشه بالاست  
عشق من ارباب اباصالح  
منتظر بر راه توام یوسف در چاه توام عمریه من معتکف  
صورت چون ماه توام  
نذر تو تموم هستم اگر چه پستم گدایت هستم  
در راهت ببین پا بستم همیشه مستم سبو بشکستم  
عشق من ارباب اباصالح  
آخرین سلطان ولا رزق من در دست شما  
کربلایی کن تو من وارث شاه کربلا  
یا مهدی ز عشقت شادم ز غم آزادم به تو دلام  
من اهل حسین آبادم بین فریادم مده بر بادم  
عشق من ارباب اباصالح  
کربلا مردم ز غمت دلم برده پرچمت  
تا به کی باید بشینم تو خماری حرمت  
اربام هواً عشقه صفات عشقه وفات عشقه  
ایوون طلات عشقه دعوات عشقه صفات عشقه  
عشق من ارباب اباصالح

۱ . بانوای: حسین سیب سرخی

## ترک ۲۲ شور<sup>۱</sup>

توی تقویمای دنیا می بینیم یه روز ایشالا  
زیر یک جمعه نوشته ظهور بقیه الله  
تو صحن کربلا تو مشهد الرضا  
هر جا که هستی تو التماس دعا  
ندیده عاشقت شدم سمت رو بردم  
دست تو از رو قلب من برداری مردم  
مولانا صاحب الزمان  
تا کی دیگه صحن چشام بارون غم شه  
بیا که زهرا مادرت صاحب حرم شه  
همیشه منتظر تو جمعه ها دم غروبم  
تو که خوب باشی آقا جون من به خوبی تو خوبم  
مدینه و نجف سرداب سامرا  
هر جا که هستی تو التماس دعا  
میون علقمه تو ایوون طلا  
هر جا که هستی تو التماس دعا  
پیچیده توی کوچه ها عطر حضورت  
یه کربلا به هم می ریم روز ظهورت

۱. بانوای: محسن عرب خالقی

## ترک ۲۳ شور<sup>۱</sup>

من زیر بارونم دوباره روی گونه هامه ستاره  
چشمان من در انتظاره

مهدی بیا

همه عشق و امید و باورم می خونه

سر سجاده دعای مادرم می خونه

بهار دلم قراره دلم نگار دلم ای گل نرگس بیا ای گل نرگس

دل بی عشق تو دل نمی شه کعبه جز خاک و گل نمی شه

دینم بی تو کامل نمی شه

مهدی بیا

ابر و باد و مه و خورشید و فلم می خونند

همه اهل زمین و آسمون جن و ملک می خونند

بهار دلم قراره دلم نگار دلم ای گل نرگس بیا ای گل نرگس



## ترک ۲۴ شور

الهی هر جا که هستی آقا چون باش سلامت  
یکی اینجا چشم به راته تا خود روز قیامت  
دلی که تو آرزوته تو خیالش روبروته  
زیر طاق نصرتا اسم عموته  
بیا تا دلم دخیل علم شه آقا بیا مادرت صاحب حرم شه آقا  
این الحسن این الحسین این ابناء الحسین  
جبرئیل آسمونا رو داره باز ریشه می بنده  
بیا تا بعد هزار سال به کمی زهرا بخنده  
شب غم کاش سپری شه با دعامون اثری شه  
همین امشب آقا از تو خبری شه  
چقدر منتظر به راه تو من نشستم  
توی غیبتت پای نائب تو هستم  
این الحسن این الحسین این ابناء الحسین  
الهی یه روز بیاد که با دعای مادر تو  
یه نماز تو جمکران ما بخونیم پشت سر تو  
منم و ندبه و یارب می خونم با گریه امشب  
من کربلا ببر به حق زینب  
می بینیم با تو زیارت کربلا رو  
می سازیم با تو ما بقیع و سامرا رو

## ترک ۲۵ شور<sup>۱</sup>

صاحب عصر و زمانی عزیز جانی مسافر عشق  
از خیمه سبزت آقا بده نشانی به زائر عشق  
بازم زیر بارون رو لبامون ترانه داریم  
بازم واسه مستی تا تو هستی بهانه داریم  
باز امشب توی دلامون غوغا شد گمشده ما پیدا شد  
عیدی ما با زهرا شد  
سیدنا یا اباصالح  
وقتی می‌آی می‌گن آقا تموم دنیا می‌شه بهاری  
چی می‌شه تو صبح رجعت عزیز زهرا منم بیاری  
می‌آی تو دستات ذوالفقار علی می‌گیری  
غوغا می‌شه عالم با نوای حسین امیری  
دنبالت دنیای پر از احساسه نقش پیشونی بند تو  
دخیلک یا عباسه  
سیدنا یا اباصالح

۱ . بانوای: حاج ابوالفضل بختیاری



## ترک ۲۶ شور<sup>۱</sup>

دوباره وقت جنون شده باز دل من نغمه خون شده  
مهمون دلهای بی قرار مهدی صاحب زمون شده  
سامرا مشب مثل بهشت برین شده  
عرش الهی محو بهار زمین شده  
برای این نور رسیده امشب وجود نرگس بی تابه  
ستاره بارون شده زمین و زمونه امشب  
عاشق ترینم با یه شعر عاشقونه امشب  
قرار ندارم شدم از عشقت دیوونه امشب  
یا اباصالح مددی مولا

اونا که یوسف رو ندیدند دارند به مردم خبر میدند  
از عرش اعلی تا سامرا همه ملائک صف کشیدند  
خدا بهشت نذر چشای تو آفرید  
یوسف کنعان تو رو دید و دستش برید  
قلب من امشب خونه عشق حضرت رب الاربابه  
حضرت نرجس داره به دامن دست گل یاس  
اهل تولی به پاش برزید گوهر و الماس  
دلا رو برده نگاهش مثل نگاه عباس  
یا اباصالح مددی مولا

۱. بانوای: حاج احمدنیکبختیان





بخش ششم

شور علوی

## ترک ۱۰۱

عشق و جنون آغاز می‌کنم با ذکر یا حیدر  
تا به خدا پرواز می‌کنم با ذکر یا حیدر  
مثل مسیح اعجاز می‌کنم با ذکر یا حیدر  
درب بهشتُ باز می‌کنم با ذکر یا حیدر  
حیدرمد

دل می‌برد حیدر ازل حیدر ابد حیدر  
طوفان کند حیدر اسد حیدر احد حیدر  
یا فاطمه گوید که خیبر را کند حیدر  
حیدرمد

باز دارم عبادت می‌کنم با ذکر یا حیدر  
باز دارم قیامت می‌کنم با ذکر یا حیدر  
قرآن قرائت می‌کنم با ذکر یا حیدر  
باز مشق ولایت می‌کنم با ذکر یا حیدر  
حیدرمد

ذکر من از گهواره تا زیر لحد حیدر  
ایوان طلایت نرخ جنت بشکند حیدر  
مدد حیدر



## ترک ۰۲۱

سائلت شدم می‌دونی تو چه آقای مهربونی  
از خدا می‌خوام همیشه همین تو قلبم بمونی  
دوست دارم با تیر چشمت دلم هدف بگیری  
وقتی شدم کربلایی جونم نجف بگیری  
عاشق شد هرکی از دست تو نمک خورد آقا  
از هیبت نور تو کعبه ترک خورد آقا  
علی یا مولا

با شما باشم امیرم بدون شما سر به زیرم  
از خدا می‌خوام هزار بار روزی یه بار برات بمیرم  
غرق در گناهم اما نگو دیگه سیری از من  
جون فاطمه خدایا علی رو نگیری از من  
از کودکی من قلبم رو به پات آوردم  
می‌بردم نامت رو وقتی که زمین می‌خوردم  
علی یا مولا

### ترک ۳۱۰

من و دل خرابی که همیشه دیوونه توست  
من و دل آبادی که همیشه ویروونه توست  
منم گدایی که همه عمرش در خونه توست  
مستی انبیا همه از می میخونه توست

خوش به حال دلی که تا آخرش با ولایت  
دلی که با ولایت خدایی با سعادت  
بنده تو کرامته گدای تو شجاعت  
ذکر علی علی با لاترین عبادت

علی بشیر و نذیره علی امین و امیره  
دست شفاعتش یه روز دستای ما رو می گیره  
شیعه مرتضی علی بگو بدون واهمه  
اگه همه عمرت بگی علی علی بازم کمه  
ذکر دل پیمبر و طپش دل فاطمه  
ذکر رجزهای علمدار حسین تو علقمه  
یا علی یا علی یا علی یا علی

## ترک ۰۴۱

باز دوباره بوی شراب کوثر او مد رو لبام نام قشنگ حیدر او مد  
تموم غصه‌های شیعه سر او مد یا حیدر یا حیدر  
باز ضربان دل من یا علی حیدر خاک نعلین علی دُرّه و گوهر  
امپراطور جهان ساقی کوثر یا حیدر یا حیدر  
سندش روز غدیره حیدر برایم امیره حیدر شاه بی نظیره  
علی شاهه علی ماهه

حیدر حیدر حیدر حیدر علی حیدر  
عشق دیدن صحن و سرای دلربا ته انگاری آسمونا به زیر پاته  
یوسف مصری آقا محو چشاته یا حیدر یا حیدر  
باز می‌زدم از سر من مستی نمی‌ره مست هرکی که به دام تو اسیره  
کاش که این دل با همین مستی بیره یا حیدر یا حیدر  
حال ما حال مجنونه ساقی بده یه پیمونه مستونه این دل  
می‌خونه علی شاهه علی ماهه

حیدر حیدر حیدر حیدر علی حیدر  
باز سند دل زدم به نام حیدر دیوونه کرده من مرام حیدر  
آرزومه بمونم غلام حیدر یا حیدر یا حیدر  
من تا ابد یه سینه چاکم پای حیدر می‌میرم یه روز براساقی کوثر  
سر زیر پاهاش می‌ذارم دم آخر یا حیدر یا حیدر  
حیدر مرده اهل درده مرد روزای نبرده دنیا بی عشقش چه  
سرده علی شاهه علی ماهه

۱. بانوای: مهدی اکبری

## ترک ۵۱

یا حیدرکنار زهرا این شور و شعفت رو عشقه  
ایوون کسرا رو نخواستیم ایوون نجفت رو عشقه  
عرق ما رو اسم علی عنایت مادریه  
مکتب ایرانی چیه؟! مکتبمون حیدریه  
ما همه عبدیم جز تو ولی نداریم خود احمدگفت من و علی نداریم  
علی ولی الله یا ابوتراب  
آقا تو با در خیبر این دل مارم از جا کندی  
خاک پاهات شدن آورده برا شیعه‌ها سر بلندی  
ولایت تو از ازل شروع شد ایها الامیر  
نه اینکه آقایی تو باشه برا روز غدیر  
ما به جز اسمت ذکر جلی نداریم خود احمدگفت من و علی نداریم  
علی ولی الله یا ابوتراب  
یا مولا کسی تو دنیا دُرّ سخنت رو نداره  
کور بشه هرکسی آقا جون چشم دیدنت نداره  
همیشه حرف حق آقا شنیدنش سخته ولی  
هرکی ولایت نداره خدایی بدبخته علی  
تو قیامت با تو معطلی نداریم خود احمدگفت من و علی نداریم  
علی ولی الله یا ابوتراب

۱ . بانوای: حاج ابوالفضل بختیاری

بخش هفتم

نکات ناب

## ترک ۰۱ میلاد امام حسین علیه السلام

عشق معنا گرفت با نام تو حسین جان، عشق هستی گرفت با نام تو حسین جان، عشقی که جاهای دیگه دیده می‌شه عشق نیست، همه معطلی و بازیه، حقیقت عشق یعنی حسین...

## ترک ۰۲ میلاد امام حسین علیه السلام

تا امام حسینی که باید بشناسیم یک امام حسین فاصله است، اما اگر حرکت کنیم، خودمون پاک نگهداریم، خدا کمک کنه، خودمون همت کنیم، خاکها و گرد و غبار کنار بزنیم، از این امام حسین عبور می‌کنیم، به امام حسین بزرگتر می‌رسیم... اگه تحمل کنیم، با آقامون انس بگیریم، از امام حسین دومم رد می‌شیم، به امام حسین سوم و چهارم... تا خدا خدایی می‌کنه این عالم پر حسینه، تا خدا خدایی می‌کنه جا داریم بریم بالا...

---

۱. بانوای: حاج حسن خلیج

۲. بانوای: حاج حسن خلیج





### ترک ۰۳ حضرت ابا الفضل علیه السلام

باده از جام لب مست تو خوردن دارد  
حکمت کار به دست تو سپردن دارد  
گر مسیح است نفسهای تو صدها عیسی  
در مسیر قدمت حسرت مردن دارد  
گفته‌ای تا بنویسند به روی علمت  
نفس دشمن عباس شمردن دارد  
شاخ شمشادی و آئینه حیدر شده‌ای  
اول آمدنت فاتح خیبر شده‌ای

پهلوانها همه اینجا سپر انداخته اند  
تو که هستی همه بر پات سر انداخته اند  
معجزات علم و تیغ تو ثابت شده است  
که تو را پیش یلان عرب انداخته اند  
باید از دشنه تو قبر خودش را بکند  
هر که را بی خردان با تو در انداخته اند  
مطمئننا همه جا برد نهایی با توست  
با تو هرکس که در افتاد و در انداخته اند  
دست در پنجه تقدیر تو انداخته ایم  
سر خود را لب شمشیر تو انداخته ایم

ترک ۰۴ امیرالمومنین علیه السلام<sup>۱</sup>  
بود در محفل ارباب نظر  
نقل شیرین تری از نقل شکر  
می شمردند یکایک چو گوهر  
مدحت صاحب شمشیر دو سر  
که بشر می شود اینگونه مگر  
ها علی بشر کیف بشر

---

۱ . بانوای: حاج سید مجید بنی فاطمه

### ترک ۵۰ حضرت علی اکبر علیه السلام ۱

به زهرا ثری به حیدر پسری فقط با یہ نگاه دلا رو می‌بری  
ای آنکه شدی به قلب من حاکم ذکر یا علی علی می‌گم دائم  
ما ایل و تباری نوکرت هستیم ای پسر عموی حضرت قاسم  
شهزاده کربلا علی اکبر

---


۱. بانوای: حاج حسین سیب سرخی

ترک ۰۶ میلاد امام حسین علیه السلام

دوباره مجنون شدم و شیدا دوباره مست تو شدم آقا  
یه یا حسین نوشتم و رفتم از عشق تو اون بالا بالاها  
پر قنذاقتو دخیل بستم با اشکام  
دیدن روی تو شده یک عمره رویام  
در دایی که تو سینمه می شه فراموش  
غیر کربلای تو چیزی نمی خوام  
بارون نم نم می باره رو چشم بی خوابم  
مست مستم گدای پابست اربابم  
ارباب ارباب ارباب ابی عبدالله

.





بخش هشتم  
سبکهای یاس کبود

سبک اول (میلاد امام حسین علیه السلام) ۱

آسمون بارون می باره دل حیدر بی قراره برای دیدن ارباب  
جبرئیل تا صبح بیداره  
دست توئه روی سرم حضرت دریای کرم تو شب میلادت آقا  
می گیرم از دست تو امضای حرم  
من با اجازه از محضر مولا با یک گوشه نگاه خود آقا  
جشن ولادت حضرت ماهه  
کاشکی بشم من عاقبت به خیر به اذن زهرا  
حسین مددی یا تارا الله  
دوباره دلای شیدا اومدن برا تماشا ملائک با هم می خونند  
اومده هستی زهرا  
عشق و می ناب منی جلوه مهتاب منی تموم دنیا می دونند  
رعیتم و تویی که ارباب منی  
هرکی که در خونه تو باشه توی قلب خودت همیشه جاشه  
اون که زندگیش به پات می ریزه  
این خوب می دونه دعای فاطمه باهاش  
حسین مددی یا تارا الله  
صدامون کنی چی می شه نوکرت باشیم همیشه شاه زیاده  
ولی انگار هیچکی شاه حسین نمی شه  
روی لب زمزمه ای عشق شه علقمه ای دار و ندار حیدر  
چشم و چراغ خونه فاطمه ای

پای شش گوش تو شب ولادت داره می آد چرا بوی شهادت  
رویای همه عاشقات همینه  
آقا قسمتمون کن یه شب جمعه زیارت  
حسین مددی یا ثارالله

سبک دوم (میلاد سه نور) ۱

ملائک صف به صف ببین برای دیدار با حسین  
رسول حق دل سپرد به او مرحبا بر تو یل حنین  
تو شاه عشقی نگاه عشقی پناه عشقی حسین حسین  
تو امید سائلی عالم از تو منجلی  
شاه عالمی ببین دست مرتضی علی  
برای دیدارت

یوسف پی وصف تو رسیده عیسی زدم تو دم می گیره  
بهر شفای بال شکسته فطرس سوی گهواره دویده  
مولا ابی عبدالله حسین جان  
به کهکشان راه حسین جلوه نموده غوغا ترین  
ثانی حیدر شیر نبرد پسر ماهام البنین  
شهره مرامت کرده قیامت همواره نامت پور علی  
ماه هاشمی نسب بی قرینه در ادب  
در هیاهوی نبرد ذکر فاطمه به لب  
باب حاجاتی

لبخند تو یاقوت و الماس عطر تن تو بوی گل یاس  
چشمان تو نافذ که نمودند نام تو علی فرموده عباس  
مولا ابو ابوفاضل ابوفاضل  
زینت سجاده و صلوات ناخدای کشتی نجات  
نام زیبای علی علی اشهد من موقع ممات

۱. حمید امینی



به روی منبر علی دیگر ناجی و رهبر علی علی  
کل یوم عاشورا خطبه خوان کربلا ای عزیز مرتضی  
صولتت چو مصطفی  
برای شیعه  
درس تو دعا بود و مناجات اشفع لنا ای قبله حاجات  
زین العابدین حضرت سجاد سجده می کند بر تو مباحثات  
مولا علی مولا علی مولا



سبک سوم (سرود میلاد امام زمان علیه السلام)<sup>۱</sup>

بر هر ستم خاتمه ام پایان هر وا همه ام  
یه روز می گم وقت ظهور منتقم فاطمه ام  
با صوت مهدوی شوری در عالم به پا کن  
با بیرق ارباب راه کربلا رو واکن  
ذوالفقار در کف علمش در دست می خونه رجز تو میدان  
این ابوفاضل یا ابوتراب همه دشمنای حیران  
تو مولایی منم که بنده هستم تو بالایی بین که پست پستم  
این شبا غصه و غم دیگه حرومه موقع وصل اومده هجرون تمومه  
یا اباصالح ای گل نرگس  
روشن شده هفت آسمون چراغونه تا کهکشون  
می گه فرشته که اومد مهدی صاحب الزمون  
خانم نرجس خاتون زاده ای یه پاره ماه  
فرزندت بی همتاست به قدو بالاش ماشاالله  
هرکسی در دل خصم او دارد به علی قسم که رضل  
قدو بازویش خم ابرویش شبیه عموش ابوالفضل  
تو مولایی منم که بنده هستم تو بالایی بین که پست پستم  
این شبا غصه و غم دیگه حرومه موقع وصل اومده هجرون تمومه  
یا اباصالح ای گل نرگس

---

۱. حمید امینی





سبک چهارم (شور میلاد امام زمان عج) ۱

صف ایستاده ابراهیم خلیل

برای تبریک رسیده از سماء جبرائیل

متی ترانا و نراک یه عمریه هستم هلاک

زعطرت چه خوشبوست هرکجای این خاک

دستا بیاد بالا برای عرض احساس

بگید مبارکه اومد دست گل یاس

وقتی که قنداقشو بردن سوی بالا

بوسه زده به بازوهاش حضرت عباس

از تو جدا شدن برام فرض محاله

مستم و امشبُ بدون باده حلاله

من خار صحرا تو گل زهرا مولا مولا بیابیا بیا بیا

بارون بارون ماه شب تابون

رحمت حق جلوه کرده اومده آقامون

من و دل و رسوایی من و می و شیدایی

سپر دم دلم رو دست دلربایی

دلم مریض عشق و شفا نداره مرده شوق تو دیگه دوا نداره

راضیم و خدارو شکر الحمدلله راه جنون تو چون و چرا نداره

از تو جدا شدن برام فرض محاله

مستم و امشبُ بدون باده حلاله

من خار صحرا تو گل زهرا

مولا مولا بیابیا بیا بیا

۱. حمید امینی



بخش نهم  
نمونه مجالس مولودی



## فصل اول، میلاد امام حسین علیه السلام

یارب الحسین بحق الحسین إشف صدر الحسین بظهور الحجّه

چه خوب است آب و هوایی که دارید  
همیشه بهشت است جایی که دارید  
الهی روی خلوقی هم نبیند  
شلوغی این کوچه‌هایی که دارید  
جمال عرق ریختن هم ندادید  
به پیشانی این گدایی که دارید  
منی خواهم اصلاً بفهمم که ما را  
کجا می‌برد ردّ پایي که دارید  
همین که شما می‌بریدم، یقیناً  
شبی می‌رسم تا خدایی که دارید  
از امروز نامه رسان حسین است  
پر فطرس بینوایی که دارید

فطرس ملکه، فرشته وحی الهی که به خاطر یک کوتاهی خدا  
عذابش کرد، بهش خبر دادند امروز ابی عبدالله به دنیا آمده؛ تا  
این خبر شنید، گفت هرطوری شده می‌رم خدمت آقا شاید به  
واسطه دعای ابی عبدالله خدا از منم بگذره؛ اومد محضر مبارک  
آقا پراش به قنداقه مبارک کشید به آسمان می‌رفت، بلند صدا  
زد می‌زد چه کسی مثل من آزاد شده دست حسین؟ گفت

آقا جان من هم به واسطه این لطف شما قول می‌دم هر کسی  
هرکجای این عالم به شما سلام بده خودم سلامش به محضر شما  
برسونم...)

برایم هوای بهشتی بالا  
حرام است با کربلایی که دارید  
شما با خدا با خدا با خدایید  
و من با شمایم شمایی که دارید...  
...مرا خیمه کربلا می‌نویسید  
دخیل حسینی‌ها می‌نویسید

همه زیر پایند و بالا حسین است  
همه قطره هستند و دریا حسین است  
چه رسم خوشی... که زمان تولد  
کلام نخستین ما یا حسین است  
حسن یا علی فاطمه یا محمد  
تجلی این چهار تن با حسین است  
حسن هم حسین است، علی هم حسین است  
محمد حسین است و زهرا حسین است  
همین که به جز عشق چیزی نگفتیم  
تجلی "لا ذکر الا حسین" است  
گنهکارها نیز ترسی ندارند  
قیامت اگر دست آقا حسین است  
شه عالمینیم، الحمدلله  
غلام حسینیم، الحمدلله

۱. منتهی الامال شیخ عباس قمی، ج ۱، ص ۴۱۷.

گنهکار بود، به خاطر گناهی که کرده بود خیلی خجالت می کشید، یه روز تو کوچه های شهر داشت می رفت، ابی عبدالله کودک داره بازی می کنه، تا آقارو دید سرش پایین انداخت، آقارو رو شانه های خودش گذاشت، با همون حال رسید خدمت رسول خدا، عرضه داشت آقاجان! به واسطه حسینت به شما پناه آوردم امید دارم به آبروی این آقازاده من ببخشی؛ تا پیغمبر این منظره رو دید، لبخندی زد، فرمود برو که خوب واسطه ای آوردی! .. آقاجان ما هم گنهکاریم، ما هم بیچاره ایم، ما هم غلام شماییم...

ندیدم کسی را گدایش نباشد  
 مسلمان یا ربنایش نباشد  
 مسیر تکامل یقیناً محال است  
 اگر کربلا انتهایش نباشد  
 برای جهنم چه خوب است هر که  
 حسین بن زهرا برایش نباشد  
 مگر می شود؟ نه... نه... امکان ندارد  
 خدا باشد و کربلایش نباشد  
 یقین کشتی او نجاتی ندارد  
 اگر خواهرش ناخدایش نباشد  
 حسین آمد و بال ها گریه کردند  
 تمامی گودال ها گریه کردند<sup>۲</sup>

سر در بهشت نوشته یا حسین  
 ذکر امشب همه دلا حسین

۱. منتهی الامال شیخ عباس قمی، جلد ۱، ص ۴۲۰.

۲. علی اکبر لطیفیان



پرزده دلم ز سینه تا حسین قلب عاشقم بهشته با حسین  
ذکر قلب خسته یا حسین با دل شکسته یا حسین  
بر لبم نشسته یا حسین  
ثارالله مرغ قلب عاشقم نشسته روی بام تو  
به عشق نام تو منم غلام تو  
آرزومه تا بذارم این سرُ به پای تو شدم گدای تو  
منم فدای تو  
ثارالله آقام آقام آقام حسین'

شکر خدا را که در پناه حسینیم  
عالم از این خوبتر پناه ندارد



## فصل دوم، میلاد حضرت اباالفضل علیه السلام

یاکاشف الكرب عن وجه الحسين اکشف کربی بحق اخیک الحسین

بهانه شد که دوباره گدای تو بشویم  
خدا کند که همیشه برای تو بشویم  
تمام هستی خود را دهیم جا دارد  
که زائر حرم باصفای تو بشویم  
چه می شود که به ما هم دهند، پر که فقط  
کبوتر روی گلدسته های تو بشویم  
خدا کند که به ما هم اجازه ای بدهند  
که مثل ماه و ستاره فدای تو بشویم  
بیا به خاطر زینب نگاه کن ما را  
که صید هر شبه چشمهای تو بشویم  
خدا گواست که ما خاک پای مان عرش است  
اگر به لطف خدا خاک پای تو بشویم  
تو صاحب علم کربلای اربابی  
عموی تشنه لب بچه های اربابی

قنذاقش دادند دست امیرالمومنین، می خوان برا پسر ام البنین  
اسم انتخاب کنند، خود امیرالمومنین در گوش راست اذان و در  
گوش چپ مبارک آقا اقامه گفت، گفتند آقا جان چه اسمی  
براش انتخاب کنیم؟ آقا فرمود: اِنِّی سَمَّیْتُهٗ بِاسْمِ عَمِّی الْعَبَّاسِ

عباساً من به خاطر اسم عمویم عباس اسم این طفلُ عباس گذاشتم، یک مرتبه دیدند آقا شروع کرد دستای عباسش بوسه زدن، هی گریه میکنه، می فرمود این دستها یک روز تو راه حسینم از بدن جدا می شنند'...

امام ما سپری مثل تو نخواهد داشت  
شب غمش سحری مثل تو نخواهد داشت  
حسین مثل پیمبر، تو هم مثال علی  
و شهر عشق دری مثل تو نخواهد داشت  
اگر که سینه دریا پر از صدف باشد  
بدون شک گهری مثل تو نخواهد داشت  
شجاعت علوی را تو ارث بردی چون  
که مرتضی پسری مثل تو نخواهد داشت  
رسیدی و شب ما مثل روز روشن شد  
چون آسمان قمری مثل تو نخواهد داشت  
دو دست دادی و جایش خدا به تو پر داد  
نه، جبرئیل پری مثل تو نخواهد داشت  
تو عشق زینبی و تا همیشه ماه حسین  
نوشته اند تو را حیدر سپاه حسین

کی میتونه از عباس سخن بگه، چه مقامی داره ابوالفضل، همون آقاییی که امام سجاد فرمود روز قیامت همه شهدا حسرت مقام عموی ما عباس رو می خورند<sup>۲</sup> همون آقاییی که ابی عبدالله روز عاشورا بهش پناه برد، صدا زد عباسم: بنفسی انت حسین فرمود عباس جان جانم فدات...

۱. خصائص العباسیه، محمد ابراهیم کلباسی نجفی، ص ۹۶.

۲. سحاب رحمت، عباس اسماعیلی یزدی، ص ۴۹۶

فرا ت مشك تهی و تویی كه دریایی  
تو ماهام بنینی ز نسل زهرایی  
جمال هاشمیان در مدینه معروف است  
میان هاشمیان واقعا تو زیبایی  
همین كه پیش علی راه می روی آقا  
چقدر هیبت تو می شود تماشایی  
علی ست ساقی كوثر، تو ساقی عشقی  
رقیه عشق حسین و به عشق سقایی  
همه رعیت عشقیم و پادشاه تویی  
خوشا به حال تو آقا چقدر آقایی  
اگر چه مُهر امامت نخورده در لوح  
ولی به كل خلائق امیر و مولایی  
ببند گردن من را به پای زنجیرت  
بیا بزن سر من را حلال شمشیرت

علی كه دید تو را یاد خیبرش افتاد  
به یاد نغمه الله اكبرش افتاد  
میان چشم تو مولا چه صحنه ها كه ندید  
نگاه او به رخ سیب نوبرش افتاد  
كسی كه تیغ كشید و به جنگ تو آمد  
سرش بریده شد و در برابرش افتاد  
تو نعره می زدی و لشگری به هم می ریخت  
رجز كه خواندی حسین یاد مادرش افتاد  
اگر چه تیغ نبردی ولی همه دیدند  
به تیغ ابروی تو دشمنت سرش افتاد

کسی ندیده چنین تیغ تیز برانی  
تو با صدای علی می‌کنی رجز خوانی<sup>۱</sup>  
شب شب مستیمونه آسونم می‌خونه  
راه اباالفضل شاه اباالفضل ماه حریم حرم الله اباالفضل  
اومد اونکه ذوب ولایته اومد اونکه شیر امامته  
اومد اونکه معنی رحمته اومد اونکه دنیای رأفته  
غصه‌ها رفته از یادم بین می‌خونه افتادم  
من غلام اباالفضل و ساکن حیدر آبادم<sup>۲</sup>

به هر نفس طپش قلبش این خجسته نداست  
که دست و دیده من وقف سید الشهداست

---

۱. مهدی نظری  
۲. حاج محمودکریبی



## فصل سوم، میلاد امام سجاد علی‌س‌لام

السلام علیک یا علی بن الحسین

سلام عطر خوش دلپذیر سجاده  
سلام دلبر سجده، امیر سجاده  
سلام سفرهٔ پر نعمت دعا خوانی  
سلام سفرهٔ مهمان پذیر سجاده  
سلام تازهٔ شعر و شعور و احساس  
سلام تازهٔ مریدی، به پیر سجاده  
چقدر دست مرام من از تو خالی شد  
شی که دور شدم از مسیر سجاده  
پیاده می‌شوم این جا کنار اشکم تا  
بیفتم از سر خجلت به زیر سجاده  
و یطعمون علی حبه شما هستید  
منم یتیم و فقیر و اسیر سجاده  
منم فقیر شما یک عطا به من بدهید  
مرا اسیر کنید و خدا به من بدهید

شی که مثل همیشه خدا تو را می‌دید  
و داشت عرش نمازت ستاره می‌بارید -

چقدر حجم حضورت وسیع و ناپیدا  
 که لحظه لحظه در آن جز خدا نمی‌گنجید  
 همان شب از نفس سجده‌های پر نورت  
 که داشت قامت ابلیس روح می‌لرزید  
 به شکل افعی خشمی در آمد و آمد  
 به گرد پای حضور تو داشت می‌چرخید  
 و نیش هم زد و تا از حضور در آیی  
 ولی چگونه شود نور منفک از خورشید  
 تو هم علیّ خدایی و محو محو خدا  
 که تیر و نیش ندارد به عشق تو تردید  
 و ناگهان پس از آن اتفاق رویایی  
 عبای سبز خودش را خدا به تو بخشید  
 چنان به رحمت خود موج زد به خاطر تو  
 که بر سواحل پیشانیت صدف پاشید  
 و بعد روی صدف‌ها به رنگ آب نوشت  
 از این به بعد شما زین العابدین هستید  
 از این به بعد نه، از قبل عالم ذر بود  
 که سجده‌های تو در ساق عرش محشر بود

گفتند چرا به آقا می‌گند زین العابدین؟ ابن عباس می‌گه  
 شنیدم رسول خدا فرمود: روز قیامت منادی ندا می‌ده: کجاست  
 زین العابدین؟ در آن هنگام علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب  
 با وقار و عظمت علوی که داره، پا به عرصه محشر می‌ذاره، همه  
 رو مجذوب خودش می‌کنه! ...

۱. منتهی الامال، شیخ عباس قمی، جلد ۲، ص ۱۵.

چقدر آیه بریزد خدا به نام شما  
 چقدر معرفت آرد همین سلام شما  
 مرورتان به خدا از همیشه تازه تر است  
 برای هر که بخواند به احترام شما  
 کنار جاده دنیا پیاده گردیدم  
 فقط برای عبودیت مقام شما  
 به احترام شما از خدا طلب کردم  
 مرا برد به بهشت پر از کلام شما  
 کنار مادرتان هم غذا نمی خوردید  
 چقدر درس ادب دارد این مرام شما  
 اگر کرامت عالم به دست‌های شماست  
 منم گدای شما و منم گدای شما  
 منم گدای شما و گدای مادرتان  
 شوم فدای شما و فدای مادرتان

شب که می‌شد، تازه امام سجاد از خانه بیرون می‌اومد، کیسه  
 به دوشش، با پاهای خسته، نقاب به چهره زده، مخفیانه در  
 خانه فقرای مدینه می‌رفت، خیلی از فقرا منتظر آقا دم در  
 می‌ایستادند، چشم به راه بودند تا زین العابدین می‌اومد  
 خوشحال می‌شدند...<sup>۱</sup>

رسیده اید از آن سوی باور ایمان  
 به روی دوش گرفتید سوره انسان  
 منم که سوره افتاده از نگاه توام  
 منم که دور شدم از نگاه الرحمان  
 چه می‌شود که نگاهی به ما کنید آقا  
 که اسم ما بخورد بر کتیبه باران

۱. منتهی الامال شیخ عباس قمی، جلد ۲، ص ۲۱-۲۰.



که یک نفس بزنی تا دلم بهشت شود  
 که یک نفس بزنی تا دلم بگیرد جان  
 صحیفه‌های دعا را به من بیاموزان  
 که از دل کلمات در آورم قرآن  
 خدا که اسم تو را یاد داد بر آدم  
 منم صدات زدم، صدا زدم با آن -  
 دو اسم ناز و قشنگت یکی به نام علی  
 یکی به نام حسین، یابن سید العطشان  
 علی ترین پسر کربلا نگاهم کن  
 مرا ستاره ستاره اسیر ماهم کن<sup>۱</sup>  
 کسی که از دنیا بی‌نیازه اهل رازه  
 تو بندگی وقتی سربه زیره سرفرازه  
 راه رسیدن بال پریدن خدا رو دیدن یه نمازه  
 بنده نگات آزاده عشقه زائر چشات تو جاده عشقه  
 خاک زیر پات سجاده عشقه  
 یا زین العابدین مدد<sup>۲</sup>

تو افتخار و زینت عبّاد هستی  
 ابن‌الحسینی حضرت سجاده هستی

۱. رحمان نوازی

۲. حاج سید مجید بنی فاطمه



## فصل چهارم، میلاد حضرت علی اکبر علیه السلام

السلام علیک یا علی بن الحسین

شب ولادت تو عید سیدالشهداست  
دلم خوش است که میلاد اکبر لیلاست  
تو آمدی که بگویی حسین تنها نیست  
و تا قیام قیامت حسین پا برجاست  
همین که چشم تو وا شد مدینه روشن شد  
به یمن خاک کف پای تو که عرش خداست  
مسیح خانه اربابمان تویی آقا  
چرا که در رگ تو خون حیدر و زهراست  
ستاره‌ها همه امشب به خاک می‌ریزند  
و مقصد همه پایین پای کربلاست  
خدا به روی تو امشب گلاب می‌ریزد  
برای این که لبث مشک حضرت سقااست  
برای مادر تو کعبه‌ای بنا کرده  
دو چشم زمزم این گونه‌ها که سعی و صفاست  
شب ولادت تو بوی یاس می‌آید  
یقین بدان تو که مادر بزرگ تو این جاست  
تو در حوالی بالاترین دنیایی  
چرا که مهد تو آغوش زینب کبراست

تویی که راه نجات از ننگات معلوم است  
و تار موی تو تا روز حشر پرچم ماست  
تو هم شبیه علی افتخار می‌کده‌ای  
علیٰ خانه اربابمان خوش آمده‌ای

خدا به ارباب من و شما علی داد، زینت خونه ابی عبدالله اومه،  
آقایی که نوشتند اشبه الناس خَلَقاً و خُلُقاً و منطقاً به رسول  
الله؛ تا وارد معرکه می‌شد یک طوری حیدری رجز می‌خوند  
لرزه به دل دشمن می‌انداخت، فریاد می‌زد: انا علیُّ بنُ الحسین  
بن علی، دشمن تا جمال علی اکبر می‌دید می‌ترسید، به  
خودشون می‌گفتند دوباره پیغمبر زنده شده ...

لب تو وا شد و تاریخ را مصفا کرد  
تو را خدای تو تقدیم دست لیل کرد  
تو را برای حسین آفرید و کربلا  
و بعد صحنه جنگ تو را مهیا کرد  
برای این که تو عین پیامبر باشی  
تو را شبیه پیغمبر امیر دل‌ها کرد  
رخ تو را ز رخ مصطفی کشید خدا  
و بازوان تو را بازوان مولا کرد  
اذان که گفت در گوش تو امیر عرب  
تو را هوائی دیدار روی زهرا کرد  
به روی سینه تو تا که بوسه زد زینب  
فضای قلب تو را مثل طور سینا کرد  
به بازوان تو وقتی نظر نمود حسین  
دلاوری تو را هم تراز سقا کرد

۱. سحاب رحمت، عباس اسماعیلی یزدی، ص ۴۵۱ و ۴۶۱.

همین که روی تو باشد از آسمان، خورشید  
نشست روی قشنگ تو را تماشا کرد  
تویی که در نفست یک جهان غزل داری  
به روی باغ لب‌ت کوهی از عسل داری

منم گدای قدیمی دست‌های شما  
من آفریده شدم تا شوم گدای شما  
تو بوتراب حسینی پیمبر لایلا  
مسیر سبز بهشت است چشم‌های شما  
ز روی مأذنه امشب اذان بگو آقا  
که خلق بیمه شوند از دم صدای شما  
اگر مقام تو گویم به خلق می‌میرند  
هزار یوسف مصری نشستند پای شما  
کرامت تو شبیه امام دوم بود  
مدینه سیر شد از نان سفره‌های شما  
معلم‌ان ادب راویان مکتب عشق  
گرفته اند همه یک نخ از عبای شما  
بیا مرا برسان مثل حضرت فطرس  
پری بده بپریم باز در هوای شما  
به جان مادرت آقا صداقت است اگر  
شی مرا برسانند کربلای شما  
وضو گرفته و ذکر حسین می‌گیرم  
به سر زنان وسط گریه هام می‌میرم

شب جوون اربامونه مردونه یا علی بگه هرکی می تونه  
اومده عشق مولا اومده ماه زهرا شده مجنون هلاک پسر ام لیلا  
ذکر علی علی رگ خوابه مثل جوونیای اربامه  
علی علی اکبر<sup>۱</sup>

از بس که مثل مصطفی جذاب هستی  
در هر دلی خود را عجب جا کردی اکبر



## فصل پنجم، میلاد امام زمان علیه السلام السلام عليك يا ابا صالح المهدي

باز هم روح الامین دارد غزل می آورد  
صنعت ایهام و تشبیه و بدل می آورد  
تا شود ابیات شعر من کمی دلچسب تر  
واژه واژه بر لبم جام غسل می آورد  
شعر شیرین مرا شور عجیبی داده است  
واژه نابی که در چندین محل می آورد  
چیست آن واژه که همراه ادایش جبرئیل  
جمله «حی علی خیر العمل» می آورد  
در میان شعرهای شاعران اهل بیت  
دائماً این بیت را ضرب المثل می آورد:  
یوسف مصری کجا و یوسف زهرا کجا؟!  
جلوه قطره کجا و جلوه دریا کجا!؟

یوسف زهرا تویی حُسن ختام اهل بیت  
نام تو زیباست ای مرد قیام اهل بیت  
السَّلام ای حُجَّةَ الله ای امام منتظر  
لحظه لحظه می رسد بر تو سلام اهل بیت

از پیمبر تا امام عسگری، در عصر خود  
 نقل کردند این که هستی التیام اهل بیت  
 می رسد آن روز که با ذوالفقار مرتضی  
 می رسی تا که بگیری انتقام اهل بیت  
 مرتضی، زهرا، حسن، خون خدا، پیغمبری  
 می بری با جلوه ات دل از امام عسگری  
 تا امام زمان به دنیا اومد، نوری از چهره مبارکش همه آسمانها  
 رو روشن کرد، همه ملائک می اومدند محضر آقا بالهائشون به  
 سر و صورت آقا می کشیدند به آسمون می رفتند، امام عسگری  
 می فرماید: روی بازوان پسر م مهدی نوشته شده «جاء الحق و  
 زهق الباطل ان الباطل کان زهوقا...» تا چشمش باز کرد سلام  
 کرد به امام عسگری، آقا بغل کرد میوه دلش، دیدند آقا زبان در  
 دهان مبارک پسرش مهدی گذاشت، داره قرآن می خونه <sup>۱</sup>...

نیمه شعبان که می گردد عیان، صاحب زمان  
 می کند گل بر لب پیر و جوان، صاحب زمان  
 اشهد ان که هستی تو امام آخرین  
 می وزد از هر مناره این اذان، صاحب زمان  
 تشنه هستم تشنه یک جرعه دیدار تو  
 وعده گاه ما شبی در جمکران، صاحب زمان  
 می رسی یک روز ای خورشید پشت ابرها  
 می کنی پیدا مزار بی نشان، صاحب زمان  
 با ظهورت می شود خوشحال زهرا مادرت  
 پیش مرگت می شود آن لحظه آقا نوکرت <sup>۲</sup>

۱. منتهی الامال، شیخ عباس قمی، جلد ۲، ص ۶۰۶.

۲. محمد فردوسی

شد جلوه گر رخ ماه بهشت رسیده از راه  
بگو به قلب آگاه قدمش مبارک مبارک رسول الله  
اومده نور چشمای حیدر اومده عشق زهرای اطهر  
جبرئیل می‌گه الله اکبر  
زمین مثل بهشت چراغونه ببین  
فرشته رو زمین فراوونه ببین  
یا اباصالح<sup>۱</sup>

روز ظهور تو چه سرافکنده می‌شوند  
آنانکه در دعای فرج کم گذاشتند





## منابع و مأخذ:

١. منتهى الامال، حاج شيخ عباس قمى، اوج علم، ١٣٨٦ ش .
٢. بحار الانوار، محمد باقر مجلسى، بيروت، مؤسسه الوفاء، ١٤٠٣ ق .
٣. اكسير العبادات فى اسرار الشهادات، آقا بن عابد دربندى، شركة المصطفى، بحرين، ١٩٩٤ م.
٤. مقاتل الطالبين، ابوالفرج اصفهاني، دفتر نشر فرهنگ اسلامى، تهران، ١٣٨٠ ش.
٥. مناقب آل أبى طالب، ابن شهر آشوب السّروى المازندراني أبى جعفر محمد بن على، سليمانزاده، ١٣٨٤ ش .
٦. الارشاد، شيخ مفيد، قم، مكتبة بصيرتى، ١٣٨١ ق .
٧. اعلام السورى، طبرسى، الطبعة الثالثة، تهران، دارالكتب الاسلاميه، ١٣٩٥ ق .
٨. احقاق الحق و ازهاق الباطل، شوشترى نورالله بن شريف الدين، نشر اهل بيت، قرن ١١.
٩. تهذيب التهذيب، عسقلانى الشافعى أحمد بن على بن حجر ابوالفضل، دار الفكر، بيروت، ١٩٨٤ م.
١٠. كامل الزيارات، ابن قولويه قمى، جامعه مدرسين، قم، ١٣٨٥ ش.
١١. ذخيره الدارين فيما يتعلق بمصائب الحسين و اصحابه، حسينى حائرى شيرازى، عبدالمجيد بن محمدرضا، التحسين، قم، ١٣٧٩ ش.
١٢. اثبات الوصيه، مسعودى ابو حسن، انصاريان، قم، ١٤١٧ ق.

